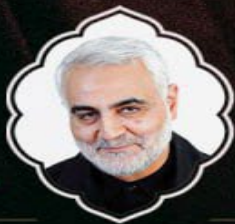
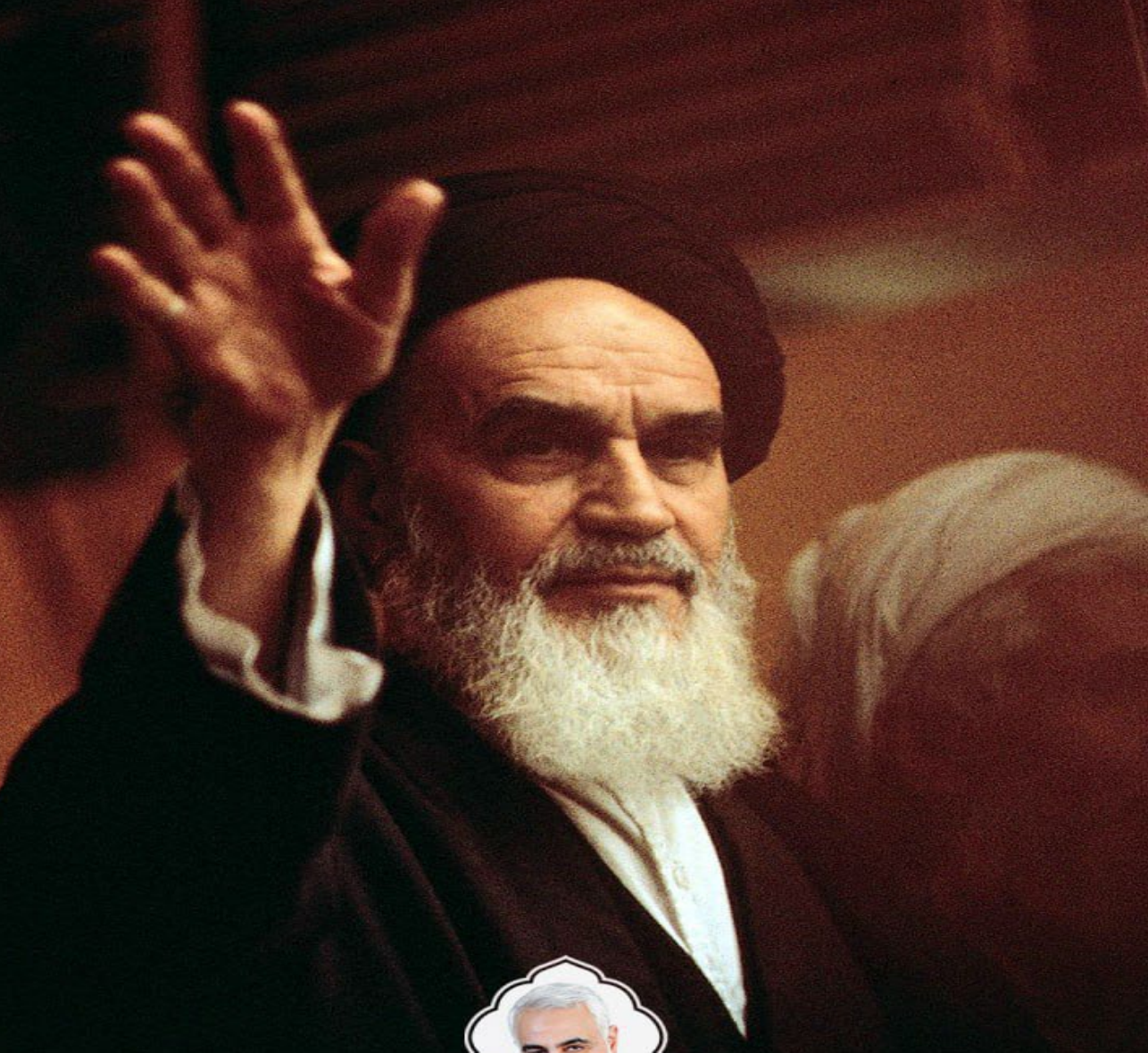


ابر قهرمان خلیج فارس
شهید نادر مهدوی
چکوارای ایران

ناصر کاوه





حاج قاسم سلیمانی

امام در کلام شهید

خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از
صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود
دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیائت را که قرین
و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک
کنم و سرباز رکاب او شوم.



@Golzarreh



اگر پیام شهدا را درست بشنویم گرایش به شرق و غرب از بین ما می رود...



ما گوشمان سنگین است، این پیامها را درست نمی شنویم؛
اگر به ما بشنوانند این پیامها را، دیگر این گرایش به شرق و
به غرب و به دشمن و به کفر و الحاد و مانند اینها، از بین ما
رخت بر خواهد بست. این ضعفهایی که شما مشاهده
میکنید در ما، به خاطر این است که این پیام را نمی شنویم. ۱۳۹۷/۰۸/۱۴



این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)

امام خمینی (ره)، شهدای ایران اسلامی از صدر اسلام تا شهدای جنگ 12 روزه
رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار
است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ
را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل
های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که
ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا
هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام
عملیات‌ها داشتند را نمی‌بیند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد و آن ثبت خاطرات برای
دیگران است... «امام خامنه ای»

“ابر قهرمان خلیج فارس، چگوارای ایران”

زندگی‌نامه و حماسه شهید نادر مهدوی
مدیر پروژه و نویسنده: ناصر کاوه
هوش مصنوعی، گرافیک و طراح: علی کربلایی
رسانه و فضای مجازی: مهدی کاوه
تایپ و حروف نگار و مشاور طرح: نرگس کاوه
روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی
قیمت: صلوات بر محمد و آل محمد (ص)



فهرست کتاب

مقدمه/8
فصل 1/14
فصل 2/22
فصل 3/30
فصل 4/36
فصل 5/41
فصل 6/46
فصل 7/52
فصل 8/59
فصل 9/66
فصل 10/71
فصل 11/75
فصل 12/80
فصل 13/85
فصل 14/89
فصل 15/94
فصل 16/101
فصل 17/107
فصل 18/113
فصل 19/120
فصل 20/127
سخن آخر/133
ملحقات/137

مقدمه: ستاره‌ای در دل خلیج

چو از خون جوانان وطن لاله دمید

ز خاک شهیدان چمن لاله دمید

بگو تا کجا این شب سیاه است

که خورشید صبح از کمین آمده است

در تقویم تاریخ ایران اسلامی، روزهایی هست که مانند چراغ‌هایی در تاریکی راه، برای نسل‌های آینده می‌درخشند. **شانزدهم مهر ۱۳۶۶**، یکی از این روزهای فراموش نشدنی است؛ روزی که نام **«شهید نادر مهدوی»** برای همیشه در کتاب طلایی تاریخ ایران نوشته شد. این کتاب، داستان مردی است که آمریکایی‌ها تنها از شنیدن نامش می‌لرزیدند. مردی که با یک قایق کوچک، دل ناوگان الکترونیکی شیطان بزرگ را هدف گرفت و به جهانیان نشان داد که عزت و کرامت، قیمت دارد و آن قیمت، گاه جان آدمی است. **امام خمینی (ره) فرمودند: «ما نترسیده‌ایم و نخواهیم ترسید.»** نادر مهدوی و یارانش، تجلی زنده این کلام بودند. **مهدوی و یارانش نشان دادند که وقتی ملتی عاشق آزادی باشد، اقیانوس‌ها کوچک می‌شوند و آسمان‌ها قابل فتح.**

کابوس آمریکا در خلیج فارس

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله امام خامنه ای، در وصف شهید مهدوی

فرمودند: «یکی از دوستان ما که کارشناس است می گفت اگر شهید نادر

مهدوی متعلق به کمونیست ها بود، یک چه گوارا از او درست می کردند،

یعنی یک چهره بین المللی مبارز.»

این سخن رهبری، حقیقتی تلخ و روشن را آشکار می کند. غرب که در ساخت قهرمان

از خیال و افسانه استاد است، وقتی با قهرمانی واقعی روبه رو می شود که بر پایه حق

و عدالت ایستاده، ترجیح می دهد آن را فراموش کند تا مبادا الهام بخش ملت های

دیگر شود.

شهید آوینی، آن مرد دیده ور عصر خود، در وصف نادر مهدوی چنین می نگارد:

«کجاست آن شجاعت و توکل و عشقی که مثل نادر مهدوی یا بیژن گرد بر یک قایق

موتوری بنشیند و به قلب ناوگان الکترونیکی شیطان خلیج فارس حمله برد؟

می پرسید این شجاعت و توکل و عشق به چه درد می خورد؟ هیچ! به درد دنیا داران

نمی خورد اما به کار آخرت عشاق می آید که آنجاست دار حاکمیت جاودانه عشاق.»

روایتی که نباید فراموش شود

در شب شانزدهم مهر ۱۳۶۶، درگیری شدیدی در خلیج فارس رخ داد که طنین آن تا واشنگتن رسید. هلی‌کوپترهای آمریکایی به سه قایق ایرانی حمله کردند و آنها را غرق کردند. اما رزمندگان اسلام در دفاع از خود، یکی از هلی‌کوپترهای مهاجم آمریکا را با موشک استینگر هدف قرار دادند و ساقط کردند.

این واقعه تنها یک درگیری نظامی نبود؛ نمادی بود از مقاومت ملت ایران در برابر زورگویی قدرت‌های استکباری. روزی که ثابت شد قدرت حق، از حق قدرت برتر است.

درگیری در ساعت ۱۰ شب با حمله هلی‌کوپترهای آمریکا به قایق‌های تندرو ایران در ۱۸ مایلی جزیره فارسی آغاز شد و به مدت نیم ساعت ادامه داشت. در گزارش فرماندهی نیروی دریایی سپاه آمده است که پس از دو ساعت گشت‌زنی در غرب جزیره فارسی، ناگهان هلی‌کوپترهای آمریکایی که تا ۲۰۰ متری قایق‌ها نزدیک شده بودند، به آنها تیراندازی کردند.

برادران نیروی دریایی سپاه، بلافاصله با دوشکا و مینی کاتیوشا به مقابله پرداختند. در همین حین، یکی از آنها موشک استینگر به سمت هلی‌کوپتر آمریکایی شلیک کرد که پس از ۳ ثانیه، انفجار هلی‌کوپتر در آسمان مشاهده شد.

شهدای جاودان

در این نبرد نابرابر، علاوه بر فرمانده دلیر نادر مهدوی، شهدای دیگری نیز به فیض شهادت نائل آمدند: بیژن گرد، نصرالله شفیعی، مهدی محمدی‌ها، غلامحسین توسلی، خداداد آبسالان و مجید مبارکی. نام‌هایی که امروز در تقویم افتخارات ایران اسلامی، ستاره‌هایی جاودان محسوب می‌شوند.

درس‌هایی از دل خلیج

این کتاب نه تنها روایت زندگی یک شهید است، بلکه آینه‌ای است که در آن می‌توان سیمای واقعی ایران اسلامی را دید. ایرانی که حاضر نیست حتی یک وجب از خاک و آبش را به دشمن واگذار کند. ایرانی که فرزندان‌ش برای دفاع از عزت و استقلالش، جان را در کف دست نهاده و آماده فداکاری هستند.

نادر مهدوی نمادی است از نسل انقلاب؛ نسلی که با شیر ایمان و عشق به وطن پرورش یافته و وقت شهادت فرا رسید، مثل شعله‌ای بر سر خود بالا کشید تا راه را برای دیگران روشن کند.

پیامی برای نسل‌های آینده

در عصری که جنگ‌های نرم و روانی جایگزین نبردهای سخت شده، شناخت چهره‌هایی چون نادر مهدوی، ضرورتی انکارناپذیر است. نسل جوان امروز باید بداند که استقلال و آزادی‌ای که امروز از آن بهره‌مند است، با خون پاک شهدایی چون نادر مهدوی آب خورده است.

این کتاب دعوت‌نامه‌ای است برای سفر به اعماق روح یک انسان کامل؛ انسانی که زندگی کرد تا دیگران زندگی کنند، و مرد تا دیگران بمیرند نه.

ای که می‌آیی پس از ما به جهان

ما رفتیم از پی جانان به جان

عشق ما پیغام ما خون ما

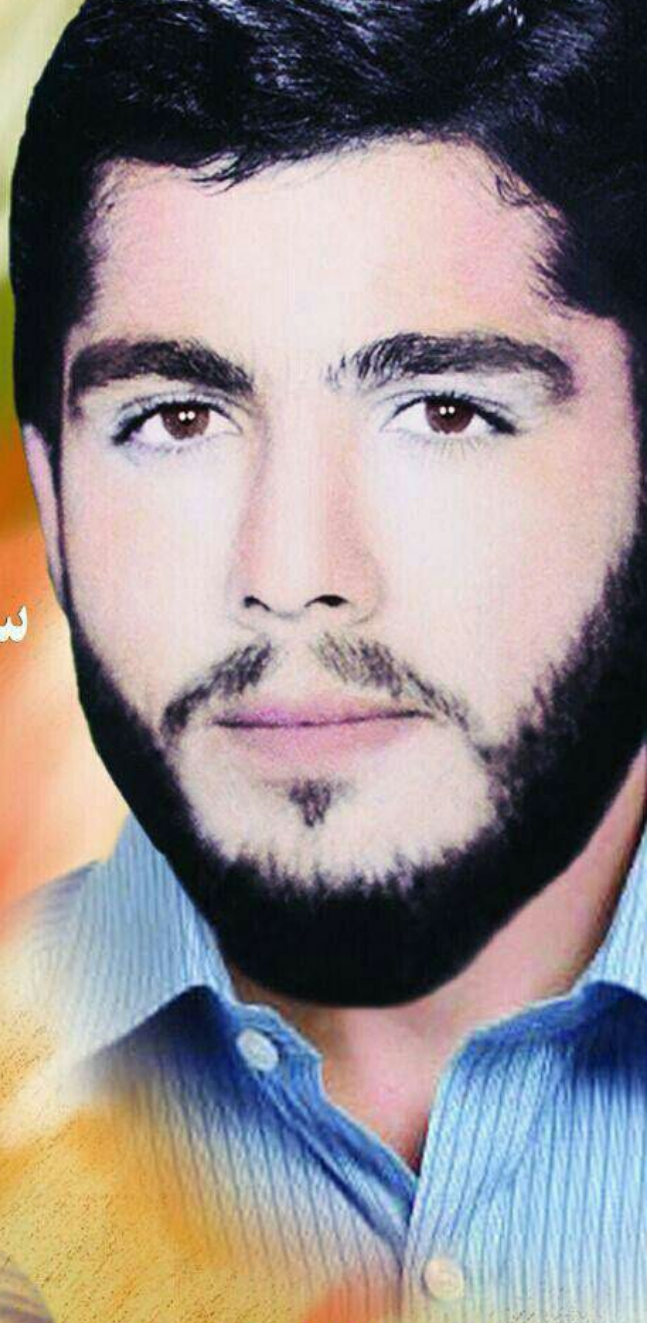
راه ما نور ما قرآن ما

شهید شاخص سال ۹۴
استان بوشهر



فرمانده نبرد دریایی با متجاوزین آمریکایی

سردار شهید نادر مهدوی



اگر آمریکایی ها حاضرند
در قعر آب های خلیج فارس
مدفون شوند، بسم الله...



تاریخ شهادت: ۶۶/۰۷/۱۶ - محل شهادت: خلیج همیشه فارس

فصل اول: در ساحل بلوغ

کودکی و خانواده نادر مهدوی

کودکی بود که چشمش آینه دریا

دلش آماده پرواز سوی لقا

مادرش لالایی‌ها گفت از حسین

پدرش قصه عاشقان راه یقین

در شهری آرام و معطر به بوی یاس‌های بهاری، نادر مهدوی چشم به جهان گشود. خانه‌ای ساده اما مملو از عطر ایمان و عشق، او را در آغوش گرفت. پدرش، مردی متدین و پاک‌سیرت، از همان شب‌های اول، آیات قرآن کریم را در گوش فرزند نوزادش زمزمه می‌کرد. مادر نادر، زنی صبور و مهربان، شب‌ها بر بالین فرزندش می‌نشست و به جای قصه‌های پریان، داستان‌هایی از شهدای کربلا برایش می‌گفت. او می‌گفت: «نادر جانم، یاد بگیر که در این دنیا دو راه هست: راه حق و راه باطل. تو همیشه راه حق را انتخاب کن، هر چقدر هم که سخت باشد.

نام‌گذاری با معنا

نام «نادر» را پدر و مادرش با دقت انتخاب کرده بودند. آنها می‌خواستند فرزندشان «نادر» و کمیاب باشد؛ نه در ثروت و جاه، بلکه در اخلاق و کردار. این نام‌گذاری گویی پیش‌بینی آینده‌ای بود که در انتظار این کودک قرار داشت. مادرش اغلب می‌گفت: «خدا کند نادر ما واقعاً نادر باشد؛ نادر در راه خدا، نادر در خدمت به مردم، نادر در دفاع از وطن.» این آرزوها بذری بود که در قلب کوچک نادر کاشته می‌شد و سال‌ها بعد به درختی تناور تبدیل شد.

کودکی در محیط معنوی

خانه نادر، خانه‌ای کوچک اما پر از برکت بود. دیوارها آراسته به آیات قرآنی و تصاویر حرم ائمه اطهار، فضایی معنوی و آرام خلق کرده بودند. صبح‌ها با صدای اذان و تلاوت قرآن آغاز می‌شد و شب‌ها با دعا و ذکر پایان می‌یافت.

نادر کودک از همان سال‌های اول، عادت کرده بود که با پدرش به مسجد برود. او در گوشه مسجد می‌نشست و با چشمان کنجکاو، حرکات نمازگزاران را نگاه می‌کرد. صدای تلاوت قرآن و اذان، برای او موسیقی بهشتی بود که هرگز از شنیدنش خسته نمی‌شد.

بازی‌های کودکانه با رنگ جهاد

بازی‌های نادر کودک متفاوت از سایر همسالانش بود. او به جای بازی با اسباب بازی‌های معمولی، ترجیح می‌داد نقش‌های مختلف مجاهدان و دفاع کنندگان از مظلومان را بازی کند. او با چوب‌هایی که جمع می‌کرد، شمشیر درست می‌کرد و خود را سرباز امام زمان (عج) می‌دانست. یک روز مادرش او را دید که با دوستانش بازی «آزادسازی قدس» می‌کند. نادر فرمانده گروه بود و به دوستانش می‌گفت: «ما باید قدس را آزاد کنیم، چون مسجد الاقصی خانه خداست.» آن روز مادرش فهمید که فرزندش قلبی بزرگ‌تر از سنش دارد.

عشق اول: قرآن و حافظی

نادر در سن شش سالگی قرآن خواندن یاد گرفت. صدای زیبا و دلنشینش، همه را مجذوب می‌کرد. او ساعت‌ها می‌توانست قرآن بخواند و هرگز خسته نمی‌شد. مادرش می‌گفت: «انگار این بچه با قرآن زبان مشترک دارد.»

علاوه بر قرآن، نادر به حفظ اشعار حافظ و سعدی نیز علاقه نشان داد. او ابیاتی را که درباره عشق الهی و جهاد در راه خدا بود، زودتر از بقیه حفظ می‌کرد. این علاقه به شعر و ادبیات فارسی، بعدها در شخصیت او نقش مهمی ایفا کرد.

درس‌های اخلاقی پدر

پدر نادر، مردی کم حرف اما پرمحتوا بود. او بیشتر با عمل درس می‌داد تا با حرف. هر روز صبح که نادر از خواب بیدار می‌شد، پدرش را در حال نماز می‌دید. این منظره، بی‌آنکه کلمه‌ای گفته شود، در ذهن کودک نقش می‌بست. یک شب پدرش به او گفت: «نادر جان، یاد بگیر که مرد واقعی کسی است که برای خانواده‌اش، برای مردمش، و برای وطنش فکر کند. مرد واقعی کسی است که وقت خطر فرا رسد، فرار نکند.» این کلمات ساده، در قلب نادر کودک جا گرفت و تا آخر عمر همراهش ماند.

مهربانی با حیوانات و طبیعت

نادر از کودکی نسبت به حیوانات و طبیعت مهربانی خاصی نشان می‌داد. او هرگز حیوانی را اذیت نمی‌کرد و اگر حیوان زخمی‌ای می‌دید، آن را به خانه می‌آورد و درمانش می‌کرد. مادرش می‌گفت: «این بچه قلبش مثل دریاست، همه را در خود جای می‌دهد.»

یک بار گربه کوچکی را که از درخت افتاده و پایش شکسته بود، پیدا کرد. او مدت‌ها از آن گربه نگهداری کرد تا کاملاً خوب شد. این رفتار، نشان‌دهنده طبیعت مهربان و حمایت‌گر نادر بود که بعدها در دفاع از مظلومان تجلی یافت.

اولین درس‌های شجاعت

روزی که نادر هشت ساله بود، در راه مدرسه دید که پسر بزرگ‌تری کودک کوچک‌تر را اذیت می‌کند. علی‌رغم اینکه خودش از آن پسر کوچک‌تر بود، جلو رفت و گفت: «چرا او را اذیت می‌کنی؟ این کار درست نیست.» آن پسر بزرگ‌تر ابتدا خندید، اما وقتی دید نادر پافشاری می‌کند، دست از اذیت بردارد. آن شب وقتی این ماجرا را برای پدرش تعریف کرد، پدرش لبخند زد و گفت: «آفرین پسر، تو امروز درس مهمی یاد گرفتی. یاد گرفتی که باید از کسانی که نمی‌توانند از خودشان دفاع کنند، حمایت کنی.»

ماه‌های محرم و عاشورا

ماه‌های محرم و صفر برای خانواده نادر اهمیت ویژه‌ای داشت. آنها هر شب به هیئت می‌رفتند و نادر کوچک با چشمان پر از اشک، گوش به مصیبت‌های امام حسین (ع) می‌داد. او انگار درد آن شهیدان بزرگ را در قلبش احساس می‌کرد.

یک شب بعد از مجلس عزاداری، از مادرش پرسید: «مامان، چرا امام حسین کشته شد؟» مادرش با نوازش موهایش گفت: «چون نخواست ظالم را رهبرش بداند. او ترجیح داد بمیرد تا ظلم را قبول کند.» آن شب نادر تا صبح بیدار ماند و به امام حسین فکر کرد.

رؤیاهای کودکانه

نادر کودک اغلب رؤیاهای عجیبی می‌دید. او خواب می‌دید که با امام زمان (عج) در کنار دریا قدم می‌زند و امام به او می‌گوید: «نادر، تو باید آماده باشی. یک روز از تو کمک می‌خوام.» این رؤیاها آنقدر واضح بود که نادر فکر می‌کرد واقعی است.

مادرش وقتی این رؤیاها را می‌شنید، می‌گفت: «خدا کند این رؤیاها نشانه آینده خوب تو باشد، پسر.» او نمی‌دانست که این رؤیاها، پیش‌نمایی آینده‌ای است که خداوند برای فرزندش رقم زده بود.

عشق به دریا

اولین باری که نادر دریا را دید، نه ساله بود. خانواده‌اش او را به سفری کوتاه به سواحل جنوب برده بودند. وقتی نادر دریا را دید، ساعت‌ها بی‌حرکت ایستاد و به امواج نگاه کرد. مادرش پرسید: «چی شده نادر؟ چرا این طور نگاه می‌کنی؟»

نادر گفت: «مامان، این دریا مثل زندگی است. گاهی آرام است، گاهی طوفانی. اما همیشه به سمت ساحل می‌آید.» این جمله عمیق از یک کودک نه ساله، همه را متعجب کرد. آن روز کسی نمی‌دانست که این دریا، سرنوشت نادر را رقم خواهد زد.

آخرین روزهای کودکی

کودکی نادر مثل بهار زود گذشت. او زودتر از همسالانش بزرگ شد و مسئولیت پذیر شد. وقتی دوازده سال تمام کرد، انگار جوانی در لباس کودک بود. درس هایی که از خانواده آموخته بود، پایه ای قوی برای آینده اش فراهم کرده بود.

آخرین شب کودکی اش، قبل از ورود به دبیرستان، تا دیر وقت بیدار ماند و با پدرش صحبت کرد. پدرش گفت: «نادر، تو دیگر مرد خانه هستی. باید مثل مرد رفتار کنی.» نادر جواب داد: «بابا، من آماده ام. هر وقت وطن مرا صدا کرد، می آیم.»

آن شب کسی نمی دانست که این کودک روزی خواهد شد «**ابرقهرمان خلیج فارس**»؛ کسی که نامش کابوس آمریکا خواهد بود.

کودک بود اما دلش پیر عشق

در چشمش می درخشید آینده ای

مادرش می دانست این فرزند

یک روز ستاره آسمان خواهد شد



فصل دوم: نسیم انقلاب

جوانی و شکل‌گیری روحیه مبارز

نسیم انقلاب در شهر پیچید

دل جوانان را به شور انگیخت

نادر جوان در صف اولین‌ها

برای آزادی صدا برداشت

سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، ایران غرق در تاریکی خفقان بود. رژیم پهلوی با تکیه بر زور و اختناق، هر نفسی را تحت کنترل داشت. اما در این تاریکی، نسیم انقلابی در حال وزیدن بود که روح‌ها را بیدار می‌کرد. نادر مهدوی که اکنون نوجوانی شده بود، از نزدیک شاهد این تحولات بود.

نادر در سن چهارده سالگی وارد دبیرستان شد. مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کرد، مثل سایر مدرسه‌های کشور، تحت نظارت شدید ساواک قرار داشت. معلمان نمی‌توانستند آزادانه درس بدهند و دانش‌آموزان حق ابراز نظر نداشتند.

اما نادر جوان، علی‌رغم همه محدودیت‌ها، روحیه آزادی‌خواهی خود را حفظ کرده بود. او در کتابخانه مدرسه ساعت‌ها کتاب می‌خواند و سعی می‌کرد حقیقت را پیدا کند. کتاب‌های تاریخی و ادبی، دریچه‌هایی بودند که او از طریق آنها با فرهنگ اصیل ایرانی آشنا می‌شد.

تأثیر معلم تاریخ

یکی از مؤثرترین شخصیت‌ها در شکل‌گیری اندیشه نادر، معلم تاریخش بود. آقای حکیمی، مردی میانسال و متدین، با ظرافت خاصی تاریخ ایران را تدریس می‌کرد. او بدون اینکه مستقیماً علیه رژیم صحبت کند، دانش‌آموزان را با افتخارات تاریخی ایران آشنا می‌کرد.

یک روز آقای حکیمی درباره قیام مردم اصفهان علیه انگلیسی‌ها صحبت کرد. او گفت: «مردم اصفهان نشان دادند که ایرانی هرگز حاضر نیست زیر بار ذلت برود.» این جمله در قلب نادر جا گرفت. آن روز او فهمید که مقاومت و ایستادگی، میراث نیاکانش است.

آشنایی با آثار امام خمینی

در همان سال‌ها، نادر برای اولین بار با آثار امام خمینی (ره) آشنا شد. برادر بزرگترش که در دانشگاه تحصیل می‌کرد، مخفیانه کتاب «کشف الاسرار» را برای او آورده بود. خواندن این کتاب، نقطه عطفی در زندگی نادر بود. او برای اولین بار فهمید که اسلام تنها یک مذهب شخصی نیست، بلکه نظام کاملی برای اداره جامعه است. اسلامی که امام خمینی تبیین می‌کرد، اسلام عدالت، آزادی و مقاومت در برابر ظلم بود. این آشنایی، بذرانقلاب را در قلب نادر کاشت.

شرکت در جلسات مخفی

با گذشت زمان، نادر به جلسات مخفی کوچکی که در مسجد محله برگزار می‌شد، پیوست. در این جلسات، جوانان محله دور هم جمع می‌شدند و درباره اوضاع کشور صحبت می‌کردند. امام مسجد، مردی دلسوز و شجاع، بین سطور سخنرانی‌هایش پیام‌های انقلابی می‌گنجاند.

نادر در این جلسات، یاد گرفت که چگونه منتقدانه فکر کند. او فهمید که حکومت پهلوی چگونه ثروت‌های کشور را به غرب می‌دهد و مردم را در فقر و جهل نگه می‌دارد. این آگاهی، عزم او را برای مبارزه تقویت کرد.

اولین تجربه تظاهرات

در سال ۱۳۵۶، وقتی اعتراضات مردمی علیه رژیم شاه آغاز شد، نادر برای اولین بار در تظاهراتی شرکت کرد. او که هنوز هفده سال تمام نداشت، در صفوف اول راهپیمایان حضور داشت و با تمام قدرت شعار می‌داد.

آن روز وقتی ماموران رژیم با خشونت به مردم حمله کردند، نادر از نزدیک ظلم و استبداد را دید. او دید که چگونه جوانانی مثل خودش را کتک می‌زنند و دستگیر می‌کنند. این صحنه، تصمیمش را برای ادامه مبارزه قطعی کرد.

عمق‌یابی در مسائل اجتماعی

نادر در همین سال‌ها شروع به مطالعه عمیق‌تر کرد. او کتاب‌های مختلفی درباره تاریخ اسلام، انقلاب‌های جهان، و اندیشه‌های اجتماعی مطالعه کرد. این مطالعات، دید او را نسبت به مسائل کشور و جهان گسترش داد.

او فهمید که مسائل ایران تنها مربوط به خود ایران نیست، بلکه بخشی از مسائل جهان اسلام است. او دید که چگونه قدرت‌های استعماری در سراسر جهان اسلام نفوذ کرده‌اند و مردم مسلمان را تحت ستم قرار داده‌اند.

تشکیل گروه دوستان انقلابی

نادر همراه با چند نفر از دوستان همفکرش، گروه کوچکی تشکیل داد. آنها منظم دور هم جمع می‌شدند و درباره راه‌های مبارزه با رژیم صحبت می‌کردند. این گروه، هسته اولیه همراهان نادر در مبارزه بود.

در این جلسات، آنها برنامه‌ریزی می‌کردند که چگونه می‌توانند در تظاهرات مؤثرتر شرکت کنند، چگونه اطلاعیه پخش کنند، و چگونه دیگران را به مبارزه دعوت کنند. این تجربه‌ها، نادر را با اصول کار تشکیلاتی آشنا کرد.

درس شجاعت از امام حسین (ع)

ماه‌های محرم و صفر آن سال‌ها، برای نادر معنای خاصی داشت. او در مجالس عزاداری، نه تنها غم شهادت امام حسین (ع) را در دل می‌کشید، بلکه درس‌های شجاعت و ایستادگی نیز می‌آموخت. یک شب در مجلس هیئت، خطیب درباره شب عاشورا صحبت کرد و گفت: «امام حسین (ع) آن شب می‌دانست که فردا کشته خواهد شد، اما ترسی در دلش نبود.» این جمله در قلب نادر نقش بست. او فهمید که شجاعت واقعی، عدم ترس از مرگ در راه حق است.

آماده‌سازی برای انقلاب

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۵۶ و آغاز ۱۳۵۷، نادر احساس می‌کرد که اتفاق بزرگی در راه است. فضای جامعه در حال تغییر بود و مردم روز به روز شجاع‌تر می‌شدند. او خود را برای روزهای سخت آتی آماده می‌کرد.

نادر در این ایام، بیشتر از قبل به عبادت پرداخت. او می‌دانست که برای شرکت در مبارزه بزرگی که در پیش است، باید روح خود را پاک و آماده کند. نماز شب، قرآن‌خوانی، و دعا، بخش اصلی برنامه روزانه او شده بود.

بینش سیاسی و اجتماعی

نادر در این سال‌ها، بینش سیاسی و اجتماعی خود را عمق بخشید. او فهمید که انقلاب اسلامی تنها یک تغییر سیاسی نیست، بلکه تحولی فرهنگی و معنوی است. او می‌دانست که این انقلاب، نه تنها ایران، بلکه کل جهان اسلام را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این بینش، باعث شد که نادر مبارزه را نه تنها یک وظیفه ملی، بلکه یک تکلیف دینی و انسانی بداند. او معتقد بود که در این مبارزه، حق در مقابل باطل قرار گرفته و هر مسلمان موظف است از حق دفاع کند.

آمادگی برای فداکاری

در پایان این دوره از زندگی اش، نادر فهمیده بود که انقلاب، قیمت دارد و آن قیمت، گاه جان آدمی است. او آماده بود تا اگر لازم باشد، برای آزادی وطن و انقلاب اسلامی جان خود را فدا کند. یک شب خواب دید که در میدان جنگی ایستاده و امام زمان (عج) به او می‌گوید: «نادر، آمادگی داری؟» او در خواب جواب داد: «بله امام، آماده‌ام.» وقتی بیدار شد، احساس کرد که این خواب، پیامی از آسمان بوده است.

جوان شد و درد دلش آتش عشق

به وطن، به انقلاب، به خدا

آماده بود تا جان بدهد

در راه آزادی و لقاء خدا

ابر قهرمان خلیج فارس
شهید نادر مهدوی
چگوارای ایران

ناصر کاوه

فصل سوم: عاشق شدن با انقلاب

شرکت در انقلاب اسلامی و پیروزی

چو صدای «الله اکبر» برآمد

از هزاران گلوی عاشق

نادر جوان در صف مقدم

روزهای خروش انقلابی

سال ۱۳۵۷، سالی بود که تاریخ ایران را برای همیشه تغییر داد. موج عظیم انقلاب اسلامی، سراسر کشور را در نوردیده بود و نادر مهدوی که اکنون نوجوانی هجده ساله بود، در قلب این حماسه بزرگ قرار داشت.

نادر در آن روزهای پرشور، هر روز در تظاهرات شرکت می‌کرد. او با چشمانی پر از امید و دلی پر از ایمان، در صفوف اول راهپیمایان حضور داشت. صدای او در فریاد «الله اکبر» و «مرگ بر شاه» برجسته بود و همه محله او را به عنوان یکی از جوانان پرشور انقلاب می‌شناختند.

مادرش که نگران امنیت فرزندش بود، هر روز می‌گفت: «نادر جان، مراقب خودت باش. این ماموران رحم ندارند.» اما نادر با لبخندی اطمینان‌بخش جواب می‌داد: «نترس مادر، خدا نگهبان ماست. ما برای خدا راه افتادیم.»

شب‌های نورانی تهران

در آن شب‌ها که صدای «الله اکبر» از پشت‌بام‌های تهران بلند می‌شد، نادر نیز بر پشت‌بام خانه‌شان می‌رفت و با تمام وجود این نداء الهی را سر می‌داد. او احساس می‌کرد که صدای او با میلیون‌ها صدای دیگر یکی می‌شود و تمام آسمان ایران را پر می‌کند. یک شب وقتی با پدرش بر پشت‌بام نشسته بودند و «الله اکبر» می‌گفتند، پدرش گفت: «نادر، این انقلاب برکت امام حسین (ع) است. ما داریم انتقام خون شهیدان کربلا را می‌گیریم.» این جمله در دل نادر جا گرفت و او فهمید که انقلاب اسلامی، ادامه راه عاشورا است.

لحظه تاریخی فرار شاه

روز ۲۶ دی ۱۳۵۷، وقتی خبر فرار شاه پخش شد، نادر همراه با هزاران نفر دیگر به خیابان‌ها ریخت. آن روز، شادی و سرور در چهره همه موج می‌زد. نادر احساس می‌کرد که یکی از بزرگترین رؤیاهای زندگی‌اش محقق شده است.

او آن روز تا دیر وقت در خیابان‌ها بود و با مردم شیرینی تقسیم می‌کرد. همه فریاد می‌زدند که «استبداد سقوط کرد» و نادر نیز با آنها همصدا بود. آن شب وقتی به خانه برگشت، پدر و مادرش منتظرش نشسته بودند و با او شادی کردند.

بازگشت امام و روز تاریخی

اما اوج هیجان برای نادر، روز بازگشت امام خمینی (ره) بود. ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، روزی که تاریخ ایران دوباره نوشته شد. نادر از ساعات اولیه صبح به فرودگاه مهرآباد رفت تا در استقبال امام شرکت کند.

در آن جمعیت میلیونی، نادر احساس کرد که بخشی از تاریخ است. وقتی هواپیمای امام فرود آمد و او از هواپیما پیاده شد، نادر مثل میلیون‌ها نفر دیگر گریه کرد. او احساس می‌کرد که یک ولی الله به سرزمینش بازگشته است.

شب‌های کودتا و مقاومت

اما راه انقلاب هنوز به پایان نرسیده بود. کودتای نافرجام ۱۸ بهمن و درگیری‌های پس از آن، روزهای سختی برای انقلابیون بود. نادر در آن روزها، همراه با سایر جوانان، در خیابان‌های تهران علیه کودتاچیان مقاومت کرد. او یادش می‌آمد که در

یکی از درگیری‌ها، وقتی گلوله‌ها از بالای سرش رد می‌شد، ترسی احساس نمی‌کرد. او احساس می‌کرد که فرشتگان او را محافظت می‌کنند. آن شب وقتی به خانه برگشت، مادرش گفت: «نادر، امروز خوابت را دیدم که با لباس نور آمدی خانه.»

پیروزی نهایی انقلاب

سرانجام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، روز پیروزی قطعی انقلاب اسلامی فرا رسید. نادر آن روز را هرگز فراموش نکرد. او همراه با خانواده‌اش در خیابان‌های تهران راهپیمایی کرد و فریاد پیروزی سرداد.

آن روز برای نادر، تولدی دوباره بود. او احساس می‌کرد که در یک جامعه آزاد زندگی می‌کند و می‌تواند آرمان‌هایش را دنبال کند. اما او نمی‌دانست که انقلاب، تنها آغاز راه است و باید برای حفظ دستاوردهای آن، آماده فداکاری‌های بیشتری باشد.

شکل‌گیری آرمان‌های انقلابی

پس از پیروزی انقلاب، نادر به طور جدی شروع به مطالعه اندیشه‌های امام خمینی (ره) کرد. او کتاب‌هایی مثل «حکومت اسلامی» و «صحیفه امام» را با دقت مطالعه می‌کرد و سعی می‌کرد آرمان‌های انقلاب را در عمل پیاده کند.

او فهمید که انقلاب اسلامی تنها برای ایران نیست، بلکه برای تمام مستضعفان جهان است. این فهم، دید او را نسبت به مسائل بین‌المللی تغییر داد و او شروع به فکر کردن به نقش ایران در منطقه کرد.

تأثیر شخصیت امام بر نادر

شخصیت امام خمینی (ره) تأثیر عمیقی بر نادر گذاشت. او در امام، نمونه کاملی از رهبری الهی می‌دید. شجاعت، ایستادگی، عدالت‌خواهی، و عدم ترس از قدرتهای جهانی، ویژگی‌هایی بود که نادر سعی می‌کرد در خود پرورش دهد.

نادر اغلب سخنرانی‌های امام را گوش می‌داد و جملات مهم آنها را یادداشت می‌کرد. یکی از جملاتی که او همیشه به یاد داشت این بود:

«ما نترسیده‌ایم و نخواهیم ترسید.»

این جمله برای او شعار زندگی شد.

ابر قهرمان خلیج فارس
شهید نادر مهدوی
چگوارای ایران

ناصرگاوه

فصل چهارم: انتخاب سرنوشت

ورود به نیروی دریایی سپاه پاسداران

دریا صدایش کرد از اعماق عشق

نادر جوان پاسخ داد: «لبیک»

لباس پاسداری پوشید بر تن

تا از وطن و انقلاب باشد نگهبان

تصمیم تاریخی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران وارد مرحله نوینی از تاریخش شد. تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از مهمترین رویدادهای این دوره بود. نادر مهدوی که اکنون بیست سال داشت، تصمیم گرفت تا عمر خود را وقف خدمت به انقلاب و کشور کند. روز که نادر تصمیم گرفت به سپاه بپیوندد، صبح زودی بود. او بعد از نماز صبح، مدتی در حیاط خانه نشست و به آسمان نگاه کرد. احساس می کرد که صدایی از اعماق وجودش او را صدا می زند و می گوید: «وطن تو را می خواهد.»

وقتی این تصمیم را به پدر و مادرش اعلام کرد، پدرش لبخند زد و گفت: «پسر، من منتظر این روز بودم. تو برای خدمت به کشور آفریده شدی.» مادرش هم که اشک در چشمانش حلقه زده بود، او را در آغوش گرفت و گفت: «خدا نگهدارت باشد. تو فرزند انقلاب هستی.»

اولین روزهای سپاه

نادر در سال ۱۳۵۹ وارد سپاه پاسداران شد. آموزش‌های اولیه را در پادگانی در اطراف تهران گذراند. او از همان روزهای اول، توجه فرماندهانش را جلب کرد. نظم، دقت، شجاعت، و بالاتر از همه، روحیه انقلابی و ایمان راسخش، او را از سایرین متمایز می‌کرد. یکی از فرماندهان دوره آموزشی‌اش بعدها گفت: «نادر از همان اول معلوم بود که پاسدار متفاوتی خواهد شد. او نه تنها از نظر جسمی قوی بود، بلکه روح و روانش هم برای خدمت آماده بود.»

علاقه به نیروی دریایی

از میان شاخه‌های مختلف سپاه، نادر بیش از همه به نیروی دریایی علاقه نشان داد. او همیشه احساس کرده بود که دریا، سرنوشت اوست. شاید خاطره کودکی‌اش از اولین دیدار با دریا، یا شاید فراست درونی‌اش، او را به این سمت کشانده بود.

وقتی درخواست انتقال به نیروی دریایی سپاه را داد، فرماندهش پرسید: «چرا دریایی؟» نادر جواب داد: «احساس می‌کنم خدا مرا برای دفاع از آب‌های ایران آفریده است. دریا صدایم می‌زند.»

آموزش‌های تخصصی

نادر در نیروی دریایی سپاه، آموزش‌های سختی را گذراند. او یاد گرفت که چگونه با قایق‌های تندرو کار کند، چگونه در دریا ناوبری کند، چگونه با سلاح‌های دریایی سروکار داشته باشد، و مهم‌تر از همه، چگونه در شرایط سخت دریایی مقاومت کند. اما آنچه نادر را از سایرین متمایز می‌کرد، توانایی رهبری او بود. او به سرعت توانست اعتماد هم‌زمانش را جلب کند و به مقام فرماندهی برسد. همه او را مردی شجاع، باهوش، و مهم‌تر از همه، باایمان می‌دانستند.

روحیه جهادی و انقلابی

نادر در تمام دوران خدمت در سپاه، روحیه جهادی و انقلابی خود را حفظ کرد. او هرگز فراموش نکرد که چرا به سپاه پیوسته است. او می‌دانست که وظیفه‌اش حفاظت از دستاوردهای انقلاب است. در جلسات آموزشی، نادر اغلب از آیات قرآن و سیره امام

حسین (ع) صحبت می‌کرد. او می‌گفت: «ما نه تنها سرباز وطن هستیم، بلکه سرباز خدا هستیم. باید آماده باشیم تا در راه خدا و انقلاب جان بدهیم.»

شروع جنگ تحمیلی

سپتامبر ۱۹۸۰، عراق به ایران حمله کرد و جنگ تحمیلی آغاز شد. برای نادر، این آغاز امتحان واقعی بود. او که اکنون فرمانده یکی از واحدهای نیروی دریایی سپاه بود، آماده بود تا از آب‌های ایران دفاع کند. او یادش بود که شب اول جنگ، تا صبح بیدار ماند و دعا کرد. او از خدا می‌خواست که قوت قلب و جسم بدهد تا بتواند وظیفه‌اش را انجام دهد. آن شب احساس می‌کرد که تمام زندگی‌اش او را برای این لحظه آماده کرده است.

عملیات‌های اولیه در خلیج فارس

در آغاز جنگ، عراق سعی کرد تا از طریق حمله به تأسیسات نفتی و بنادر ایران، اقتصاد کشور را فلج کند. نادر و هم‌زمانش، وظیفه حفاظت از خطوط دریایی و تأسیسات نفتی را بر عهده داشتند. او در این عملیات‌ها، مهارت و شجاعت فوق‌العاده‌ای نشان داد. قایق‌های عراقی که سعی می‌کردند به آب‌های ایران نفوذ کنند، با او روبه‌رو می‌شدند و توان سنگینی می‌پرداختند.



سردار شهید
شاهزاده



فصل پنجم: جنگ کشتی‌ها

تنش‌های خلیج فارس و آماده‌باش دائمی

خلیج فارس غرق در تنش و خطر

نادرنگهبان صخره‌ای استوار

هرشب آماده‌باش، هرروز جنگ

در دفاع از آب‌های ایران مغرور

ورود آمریکا به صحنه

پس از شروع جنگ تحمیلی، خلیج فارس به یکی از پرتنش‌ترین نقاط جهان تبدیل شد. حضور کشتی‌های جنگی آمریکا و متحدانش در خلیج، بهانه‌ای بود تحت عنوان حمایت از کشتی‌رانی بین‌المللی، اما هدف واقعی آنها فشار به ایران و حمایت از عراق بود. در اواسط دهه شصت، آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند به طور مستقیم وارد جنگ شوند. آنها با بهانه محافظت از کشتی‌های کویتی، ناوگان بزرگی را به خلیج فارس اعزام کردند.

این عمل، که تحت عنوان «عملیات گارد جادویی» شناخته می‌شد، در واقع اعلان جنگ غیرمستقیم علیه ایران بود. نادر و هم‌زمانش، شاهد این تجمع نیروهای دشمن در آب‌های خودی بودند. او می‌دانست که روزی خواهد آمد که مجبور خواهد شد با این ناوگان مواجه شود. این آمادگی، هم او و هم هم‌زمانش را تحت فشار روانی قرار داده بود.

تاکتیک‌های نامتقارن

سپاه پاسداران، برای مواجهه با ناوگان عظیم آمریکا، تاکتیک‌های نامتقارن را توسعه داد. قایق‌های کوچک و تندرو، موشک‌های کروز، و عملیات شبانه، اسلحه‌های اصلی ایران در مقابله با کشتی‌های بزرگ دشمن بودند. نادر که اکنون یکی از با تجربه‌ترین فرماندهان نیروی دریایی سپاه بود، در طراحی و اجرای این تاکتیک‌ها نقش مهمی داشت. او معتقد بود که شجاعت و ایمان، می‌تواند نابرابری تسلیحاتی را جبران کند.

حادثه کشتی استارک

در ماه مه ۱۹۸۷، حادثه‌ای رخ داد که تنش‌های خلیج فارس را به اوج رساند. ناو جنگی آمریکایی «یواس اس استارک» توسط جنگنده عراقی مورد حمله قرار گرفت

و ۳۷ نفر از خدمه‌اش کشته شدند. اما آمریکایی‌ها به جای محکوم کردن عراق، ایران را مسئول این حادثه دانستند.

نادر وقتی این خبر را شنید، گفت: «این نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها هر بهانه‌ای برای حمله به ما می‌گیرند. باید آماده باشیم.» این حادثه، فهم او را نسبت به ماهیت واقعی دشمنی آمریکا با ایران تعمیق بخشید.

عملیات پرآیا

یکی از مهمترین عملیات‌هایی که نادر در آن شرکت کرد، عملیات پرآیا بود. در این عملیات، نیروی دریایی سپاه سعی داشت مانع از عبور کشتی‌های حامل تسلیحات برای عراق شود. این عملیات، نشان‌دهنده قدرت و توانایی نیروی دریایی ایران بود. نادر در این عملیات، فرماندهی یکی از گروه‌های قایق‌های تندرو را بر عهده داشت. او و هم‌زمانش، در شرایط بسیار خطرناک، توانستند کشتی‌هایی را که تسلیحات برای عراق می‌بردند، متوقف کنند.

آمادگی دائمی

در آن روزها، زندگی نادر و همرزمانش مداوم در حالت آماده باش بود. آنها هر لحظه ممکن بود فرا خوانده شوند تا در عملیاتی شرکت کنند. این وضعیت، فشار روانی زیادی بر همه وارد می کرد.

اما نادر هرگز از این فشار شکایت نکرد. او می دانست که وظیفه اش حفاظت از کشور است و این وظیفه، مهمتر از راحتی شخصی اش است. او اغلب به همرزمانش می گفت: «ما نگهبان خلیج فارس هستیم. نمی توانیم غفلت کنیم.»

روحیه معنوی در میان سختی ها

علی رغم همه سختی ها و فشارها، نادر روحیه معنوی خود را حفظ می کرد. او هر روز نماز می خواند، قرآن تلاوت می کرد، و با همرزمانش درباره معارف اسلامی صحبت می کرد. او معتقد بود که قدرت واقعی از ایمان و ارتباط با خدا می آید.

شب ها که دیگران استراحت می کردند، نادر اغلب بیدار می ماند و نماز شب می خواند. او از خدا می خواست که به او قدرت بدهد تا در روز موعود، شایسته خدمت به اسلام و انقلاب باشد.



شهیدای نبرد با آمریکای جنایتکار
چهره های بین المللی

فصل ششم: شب شانزدهم مهر

عملیاتی که تاریخ را تغییر داد

شب شانزدهم مهر، شبی تاریک

اما پراز نور ایمان و عشق

نادر و یاران، آماده رزم

برای دفاع از آب‌های میهن

شانزدهم مهر ۱۳۶۶، روزی که در تقویم تاریخ ایران با خون شهیدان نوشته شد. آن روز صبح، نادر مهدوی و هم‌زمانش آمادگی خود را برای عملیاتی اعلام کردند که سرنوشت همه آنها را تغییر می‌داد.

صبح عملیات

بر اساس گزارشات موثق، لنج حمایتی ساعت ۷ صبح از بوشهر به جزیره فارسی حرکت کرد. این لنج، وظیفه پشتیبانی رسانی به تیم عملیاتی را داشت. فضای آن صبح، فضای خاصی بود. همه احساس می‌کردند که عملیات مهمی در پیش است.

نادر آن صبح زودتر از همیشه بیدار شده بود. او مدت زیادی نماز خوانده و قرآن تلاوت کرده بود. یکی از هم‌زمانش بعدها گفت: «آن صبح نادر حال خاصی داشت. انگار می‌دانست که یک روز تاریخی است.»

تیم یازده نفره

ساعت ۱۱ صبح، تیم عملیاتی متشکل از ۱۱ نفر، حرکت کرد. این گروه شامل بهترین و با تجربه‌ترین افراد نیروی دریایی سپاه بود. نادر مهدوی فرماندهی این گروه را بر عهده داشت و بیژن گرد، معاون او بود.

در میان این ۱۱ نفر، دو نفر مسئولیت موشک استینگر را داشتند و بقیه، خدمه قایق‌ها و مسئول سلاح ۱۰۷ مینی کاتیوشا بودند. هر یک از این افراد، سال‌ها تجربه جنگیدن در خلیج فارس را داشت و می‌دانست که در چه شرایط خطرناکی قرار دارد.

سفر به جزیره فارسی

پس از ظهر، گروه به جزیره فارسی رسید. آنجا که باید سلاح‌های لازم را تحویل می‌گرفتند و آماده‌سازی‌های نهایی برای عملیات انجام می‌دادند. جزیره فارسی در آن روزها، یکی از مهمترین پایگاه‌های دریایی ایران در خلیج فارس بود.

نادر و هم‌زمانش، پس از رسیدن به جزیره، مدتی استراحت کردند و آماده‌سازی‌های لازم را انجام دادند. آنها می‌دانستند که شب سختی در پیش دارند و باید تمام قوا را ذخیره کنند.

رصد هدف

حدود ساعت ۵ بعد از ظهر، چیزی در رادار شناسایی شد که حدود ۱۳ تا ۲۰ مایل با جزیره فارسی فاصله داشت. این سیگنال، احتمالاً از کشتی‌های آمریکایی بود که در حال گشت‌زنی در آب‌های خلیج فارس بودند.

نادر تصمیم گرفت که گروهش را به آن سمت هدایت کند. این تصمیم، نشان‌دهنده روحیه تهاجمی و شجاع او بود. او نمی‌خواست منتظر بماند تا دشمن حمله کند، بلکه ترجیح می‌داد خود ابتکار عمل را در دست بگیرد.

توقف در بویه

گروه نادر در ۱۸ مایلی غرب جزیره فارسی، نزدیک بویه‌ای توقف کرد. این بویه، نشانگر موقعیت جغرافیایی بود و برای ناوبری استفاده می‌شد. انتخاب این نقطه برای توقف، نشان‌دهنده دانش تاکتیکی نادر بود.

در ساعت ۹:۴۵ شب، آخرین تماس با جزیره فارسی برقرار شد و وضعیت اعلام شد. پس از آن، دیگر تماسی برقرار نشد. این سکوت، نشان‌دهنده آغاز درگیری بود.

شروع درگیری نابرابر

ساعت ۱۰:۱۰ شب، نیروهای مستقر در جزیره فارسی انفجار شدیدی را مشاهده کردند. این انفجار، آغاز درگیری نابرابر بین سه قایق کوچک ایرانی و هلی‌کوپترهای مسلح آمریکایی بود.

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی: «در جریان پاسخگویی رزمندگان اسلام به تهاجم نظامیان آمریکایی به قایق‌های ایرانی، یک فروند هلی‌کوپتر آمریکا هدف آتش موشک استینگر رزمندگان ما قرار گرفت و در خلیج فارس سقوط کرد.»

سقوط هلی‌کوپتر آمریکایی

لحظه‌ای که موشک استینگر هلی‌کوپتر آمریکایی را هدف قرار داد، لحظه‌ای تاریخی بود. «سقوط هلی‌کوپتر آمریکایی با انفجار مهیب و نوری در آسمان منطقه توأم بود.» این انفجار، نه تنها نشان‌دهنده قدرت نظامی ایران بود، بلکه نمادی از مقاومت ملت ایران در برابر زورگویی قدرت‌های بزرگ بود.

درگیری تا ساعت ۱۰:۳۰

درگیری تا ساعت ۱۰:۳۰ شب ادامه داشت. براساس گزارشات، ((تا ساعت ۱۰:۳۰ شب شاهد درگیری متقابل تیربار و مینی کاتیوشا بوده‌اند.)) این نیم ساعت، نیم ساعت حماسه‌آفرینی بود که نام نادر مهدوی و یارانش را برای همیشه در تاریخ جاودان کرد.

شهدای این نبرد

در این درگیری نابرابر، علاوه بر نادر مهدوی، شهدای دیگری نیز جان باختند: بیژن گرد که معاون نادر بود، نصرالله شفیعی که دوره فرماندهی را می‌دید، برادران مهدی محمدی‌ها، غلامحسین توسلی، خداداد آبسالان و مجید مبارکی. هر یک از این شهیدان، نماینده نسلی بود که برای دفاع از استقلال و آزادی کشور، جان خود را فدا کرد. آنها نشان دادند که ایرانی هرگز در برابر ظلم و تجاوز سر فرود نمی‌آورد.

شب شانزدهم مهر، شب ستارگان
که بر آسمان خلیج درخشیدند
نادر و یاران، شهیدان راه حق
نامشان تا ابد زنده خواهد ماند



MARTYR NADER MAHDAVI

CHE GUEVARA OF IRAN



NASER KAVEH

فصل هفتم: روایت بازماندگان

شهادت‌های دست اول از آن شب خونین

سه تن بازماندند تا حقیقت را بگویند

از آن شب که ستارگان فرود آمدند

روایت تلخ اما پراز افتخار

از شجاعت مردانی که راه حق پیمودند

آنچه در ادامه می‌خوانید، روایت مستقیم از زبان سه تن از بازماندگان آن شب تاریخی است که توسط نیروهای آمریکایی اسیر و پس از هشت روز آزاد شدند. این شهادت‌ها، تنها سند تاریخی موثق از وقایع آن شب هستند. رضا کریمی، یکی از بازماندگان، چنین روایت می‌کند: «جهت انجام مأموریت محوله به مدت یک ماه از تهران به منطقه دریایی بوشهر رفته بودم. از طرف فرمانده مربوطه مأموریتی به گروه ما ابلاغ شد که شانزدهم مهر برای گشتزنی در آب‌های خلیج فارس با شناورها از بوشهر به طرف جزیره فارسی حرکت کردیم.»

سفر پرخطر به جزیره فارسی

«پس از طی مسافتی و پشت سر گذاشتن امواج پرخروش دریا، حدود ساعت چهار بعدازظهر به جزیره فارسی رسیدیم. در آنجا پس از این که به مأموریت خود کاملاً توجیه شدیم، سلاح‌های سازمانی و مهمات هر شناور تحویل شد.» این مرحله از عملیات، نشان‌دهنده دقت و برنامه‌ریزی دقیق تیم بود. آنها می‌دانستند که مأموریت خطرناکی در پیش دارند و باید کاملاً آماده باشند.

خدا حافظی نهایی

«پس از خدا حافظی با یکدیگر پنج شناور تندرو به طرف منطقه مأموریت به حرکت درآمدند.» این جمله ساده، بار عاطفی سنگینی دارد. آنها نمی‌دانستند که این آخرین خدا حافظی برای برخی از آنها خواهد بود.

شب معنوی

«هوا به تدریج تاریک می‌شد و امواج دریا سهمناک‌تر می‌گشت و شناورهای ما به پیش می‌رفت. ساعت هفت شب وضو گرفتیم و نماز مغرب و عشا را داخل شناورهای خود اقامه کردیم.»

این صحنه، نشان‌دهنده ایمان راسخ این رزمندگان است. آنها حتی در سخت‌ترین شرایط، ارتباط خود با خدا را قطع نمی‌کردند.

حال خاص آن شب

«آن شب حال عجیبی در بچه‌ها بود. نماز که به پایان رسید، بچه‌ها با خضوع و خشوع خاصی با خالق خویش راز و نیاز کردند و برای اجرای مأموریت آماده شدند.»

این «حال عجیب» شاید پیش‌آگاهی روحی از وقایع آینده بود. آنها انگار احساس می‌کردند که شب مهمی در پیش دارند.

رصد اولیه

«در حال گشت زدن چند هدف را در منطقه مشاهده کردیم که پس از شناسایی مشخص شد که کاذب است. در همین حین چند هواپیما از بالای سر ما گذشت که احتمالاً متعلق به کشورهای منطقه و جهت شناسایی و عکسبرداری از منطقه آمده بودند.»

ضبط نفس تاکتیکی

«ولی چون حکمی جهت مقابله با این هواپیماها نداشتیم، حرکتی از خود نشان ندادیم.» این جمله، نشان‌دهنده انضباط نظامی و خویشتنداری تیم است. آنها تنها در صورت تهدید مستقیم اقدام به عمل می‌کردند.

شروع تنش

«پس از رفتن آنها چند هلی‌کوپتر را در نزدیکی خود احساس کردیم. دقایقی نگذشته بود که هلی‌کوپترها را به وضوح با چشم غیر مسلح دیدیم و مطمئن شدیم که آنها مربوط به ارتش آمریکا هستند.»

آخرین تلاش برای جلوگیری از درگیری

«چون نمی‌خواستیم آغازکننده درگیری باشیم و مأموریت ما حفاظت و گشت‌زنی در آب‌های خودمان بود، هیچ‌گونه عکس‌العملی نشان ندادیم.»

این رفتار، نشان‌دهنده ماهیت دفاعی مأموریت ایرانیان است. آنها تنها در آب‌های خودی گشت‌زنی می‌کردند و قصد تعرضی نداشتند.

حمله غافلگیرانه آمریکا

«ناگهان هلی‌کوپترهای آمریکایی بالای سر شناورهای ما ظاهر شدند و یکی از شناورها را هدف موشک قرار دادند. بلافاصله بچه‌ها به حالت دفاعی درآمدند و به طرف آنان شروع به تیراندازی کردند. ساعت ۹/۳۰ شب بود.» این لحظه، آغاز نبرد نابرابر بود. سه قایق کوچک ایرانی در مقابل هلی‌کوپترهای مسلح آمریکایی قرار گرفتند.

لحظه تاریخی شلیک موشک استینگر

«هنوز چند لحظه‌ای نگذشته بود که یکی از برادران موشک استینگر را برداشت و با ذکر مقدس یا فاطمه الزهرا (س) به طرف هلی‌کوپتر دوم که بالای شناور ما بود، نشانه رفت و شلیک کرد و به دنبال آن هلی‌کوپتر آمریکایی‌ها منفجر شد.» این جمله، یکی از مهمترین جملات تاریخ دفاع مقدس است. نام حضرت فاطمه زهرا (س) که بر لب رزمندگان ایرانی جاری شد و موشک استینگر که هلی‌کوپتر آمریکایی را منفجر کرد.

«تکه‌های گداخته هلی‌کوپتر در کنار ما روی آب می‌افتاد. در همین دقایق دو تا از شناورهای ما موفق شدند خود را از منطقه درگیری نجات بدهند. با منفجر شدن هلی‌کوپتر آمریکایی، منطقه مثل روز روشن شد.»

تهاجم گسترده‌تر

«پس از آن چند هلی‌کوپتر دیگر آمدند و دو شناور دیگر را مورد تهاجم قرار دادند. شناور ما هم که مورد اصابت موشک هلی‌کوپترهای آمریکایی قرار گرفته بود، آتش گرفت و ما به داخل آب پریدیم.»

شهادت در آب

«یکی دیگر از شناورها که موتورش آتش گرفته بود و برادران داخل آن در حال تدافع بودند هلی‌کوپتری بالای سرش آمد و آنها را به رگبار بست و سرنشینان آن شناور پس از یک درگیری نابرابر با دژخیمان آمریکایی به فیض شهادت نائل شدند.»

ذکر خدا در لحظات مرگ

«در آن لحظه تمام بچه‌ها ذکر می‌گفتند. هرکسی زمزمه‌ای بر لب داشت و هر عاشقی معشوق واحدی را صدا می‌کرد. نام مقدس فاطمه الزهرا(س) را بر لب آوردم و از مولایمان حضرت ابا عبدالله(ع) خواستم که باعث نجات ما بشود.»

این روایت، نشان‌دهنده عمق ایمان و معنویت رزمندگان است. آنها حتی در لحظات مرگ، خدا و اهل بیت (ع) را فراموش نمی‌کردند.



فصل هشتم: در چنگال عقاب

اسارت و مقاومت در برابر شکنجه

در چنگال عقاب افتادند

اما روح آنها آزاد ماند

شکنجه کردند، اذیت کردند

ولی ایمانشان نلرزاند

ادامه روایت رضا کریمی از لحظات دردناک اسارت و مقاومت در برابر شکنجه
آمریکایی‌ها:

مبارزه با موج‌های مرگ

«در داخل آب و در آن فضا احساس کردم که توانم از دست رفته است ولی ذکر و یاد
خدا نیروی عجیبی در من به وجود می‌آورد. وقتی می‌خواستم شنا بکنم، متوجه
شدم که پای راستم حرکت نمی‌کند. فهمیدم پایم با گلوله‌های خفاشان آمریکایی
مجروح شده است.»

جراحات سوزناک

«دستم را به صورتم کشیدم، دیدم که پوست صورتم کنده شده؛ وقتی دست‌هایم را لمس کردم، پوست دست‌هایم در کف دستم جمع شد؛ متوجه شدم که بدنم سوخته است.» این توصیف وحشتناک از جراحات، نشان‌دهنده شدت حمله آمریکایی‌ها حتی به کسانی است که در آب افتاده و از رزم خارج شده بودند.

شکار انسان در آب

«در طول ۹۰ دقیقه‌ای که در آب بودیم، هلی‌کوپترهای آمریکایی بالای سر بچه‌ها حرکت می‌کردند و آنها را یکی یکی به رگبار می‌بستند. در سمت راستم صدای یکی از بچه‌ها را که طلب کمک می‌کرد، شنیدم اما یکباره هلی‌کوپتری به او نزدیک شد و صدایش دیگر شنیده نشد.» این بخش از روایت، نشان‌دهنده جنایت جنگی آمریکایی‌ها است که حتی نسبت به زخمیان و غرق‌شدگان رحم نکردند.

تاکتیک بقا در آب

«لباس‌هایم را که باعث سنگینی من در آب شده بود، درآوردم و برای این که بتوانم از گلوله‌های هلی‌کوپتر در امان باشم، جلیقه نجات را هم از تنم درآورده و روی آب

رها ساختم و هنگامی که حس می‌کردم هلی‌کوپتر به طرف من می‌آید، زیر آب می‌رفتم و پس از عبور آن دوباره به سطح آب می‌آمدم.»

امید کاذب

«در آن لحظات یکی از برادرها صدا می‌زد که به طرف بویه چراغ دریایی بیایید. چون جریان آب برخلاف جهت بویه بود. لذا هر چه تلاش می‌کردیم، آب ما را پایین می‌برد. کم کم توانم رو به تحلیل می‌رفت.»

لحظه دستگیری

«دیگر رmqم تمام شده بود که به یکباره دیدم شناوری به طرف من می‌آید. احتمال می‌دادم که شناور خودی باشد خوشحال شدم به سمتش شنا کردم که ناگهان متوجه شدم آمریکایی هستند. تفنگداران ویژه آمریکایی با هیکل‌های بزرگ و سلاح‌های مدرن دور تا دور شناور ایستاده بودند و همه به طرف من نشانه‌روی می‌کردند.»

تسلیم با توکل

«مجدداً توکل به خدا کردم و رضای خدا را طالب شدم. طنابی که انداخته بودند گرفتم و آنها مرا به طرف شناور کشیدند، مردد بودم که طناب را رها کنم یا نه.»

خشونت وحشیانه

«در یک لحظه متوجه شدم موهای سرم در دست یک غول آمریکایی است. در حالی که نصف بدنم هنوز داخل آب بود، صحنه کربلا و همان لحظه‌ای که در گودال قتلگاه سر امام حسین (ع) را جدا کردند در نظرم شکل گرفت. آمریکایی انسان نما محکم سر مرا به لبه شناور کوبید که بینی‌ام شکست.» این مقایسه با واقعه کربلا، عمق ایمان و فرهنگ عاشورایی این رزمنده را نشان می‌دهد.

«حس کردم که الان سرم را جدا می‌کنند لذا با یک فشار خودم را داخل آب انداختم. آمریکایی‌ها سلاح‌های شان را به طرفم نشانه گرفتند و دوباره طناب انداختند.» «با خود گفتم شاید با اسیر شدن بتوانم زنده بمانم تا پرده از جنایت این جنایتکاران بردارم. طناب را گرفتم مرا گرفتند و داخل شناور انداختند و با دستبندهای مخصوص دست و پاهایم را بستند و به کف شناور انداختند.»

جمع‌آوری اسرا

«دقایقی بعد یکی یکی بچه‌ها را از آب می‌گرفتند و به کف شناور می‌انداختند اما چون کیسه‌ای روی سرمان بود، یکدیگر را نمی‌توانستیم ببینیم.»

شکنجه فیزیکی

«از شدت درد جراحات بدن فریاد می‌زدم که ناجوانمردانه با قنداق تفنگ به پشتم زده می‌شد برای این که از کتک‌های آنان در امان باشم، با تحمل درد سکوت کردم.»

انتقال به ناو

«این شناور که حدس می‌زدم ناوچه باشد، نیم ساعتی در حرکت بود که نزدیک شناور دیگری پهلوی گرفت. همان طور که با صورت در کف شناور افتاده بودم، یکی از آمریکایی‌ها پاهایم را گرفت و از زمین بلند کرد و بعد مثل یک کیسه برنج به طرف بالا که شناور بزرگ بود پرتاب کرد.»

خشونت بیشتر در ناو

«افراد داخل شناور بزرگ‌تر گویا عقده بیشتری داشتند؛ از این رو با تمام وجودشان ما را می‌زدند. پس از این که آمریکایی‌ها از زدن ما خسته شدند، ما را به اتاقی بردند.»

بازجویی اولیه

«شخص نسبتاً جوانی که فارسی هم بلد بود، جلو آمد و از من مشخصات فردی خواست: اسم؟ رضا

فامیل؟ کریمی

درجه؟ سرباز»

این سادگی در اعطای اطلاعات پایه، نشان‌دهنده هوشیاری تاکتیکی اسیر است.

در چنگال دشمن افتادند

اما ایمانشان نشکست

هر شکنجه، آنها را پاک‌تر کرد

هر درد، ایمانشان را عمیق‌تر



سردار شهید

نادر مهدوی

فرمانده نبرد دریایی با متجاوزین آمریکایی

persian gulf

امثال نادر مهدوی، برق چشم از دشمن گرفتند

رهبر انقلاب اسلامی



معاونت هنری و فضای مجازی اداره کل حفظ

آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس بوشهر

@setarehaykhaki

فصل نهم: روایت حشمت‌الله رسولی

شهادت دیگری از آن شب خونین

صدای دیگری از اعماق درد

حقیقت را کامل‌تر می‌کند

حشمت‌الله، گواه آن شب

که چگونه شهیدان راه پیمودند

حشمت‌الله رسولی، دومین بازمانده از آن شب تاریخی، روایت خود را از هشت روز اسارت در چنگال آمریکایی‌ها اینگونه بیان می‌کند:

آغاز حمله وحشیانه

«هلی‌کوپترهای آمریکایی وحشیانه به قایق‌های ما حمله کردند که قایق‌ها منهدم شد و ما خودمان را در آب انداختیم.» کلمه «وحشیانه» که حشمت‌الله استفاده می‌کند، توصیف دقیقی از ماهیت حمله آمریکایی‌ها است. این حمله نه تنها غیرقانونی، بلکه فاقد هرگونه اصول انسانی بود.

جراحات سنگین

«در آب یک تیر کالیبر هلی کوپتر به شکم خورد و دو پا و یک دستم بر اثر انفجار سوخت و گوشت روی دستم را که کنده شده بود، مشاهده می کردم.»

این توصیف وحشتناک از جراحات، نشان دهنده شدت آتش آمریکایی ها حتی به کسانی است که در آب افتاده و از جنگ خارج شده بودند.

وصال با خداوند در لحظات سخت

«در آن موقع حالی عجیب پیدا کرده بودم و خودم را با خدا تنها می دیدم. فقط امیدم به خدا بود و او را به حق امام زمان (عج) قسم می دادم که حافظ بچه هایی که داخل آب بودند باشد.» این بخش از روایت، نشان دهنده عمق ایمان حشمت الله است. او در سخت ترین لحظات زندگی اش، تنها به خدا متوسل می شود.

استعداد برای شهادت

«چون خودم را به مرگ نزدیک تر می دیدم، از خدا می خواستم که اگر می خواهد اینجا جان مرا بگیرد، گناهان مرا ببخشد.» این جمله، نشان دهنده آمادگی کامل او برای لقای خداوند است. او نه از مرگ می ترسد، بلکه تنها نگران گناهانش است.

قطع از دنیا، وصل به خدا

«در آن لحظات پرهیجان از همه چیز حتی خانواده‌ام بریده بودم و فقط به این فکر می‌کردم که اگر لحظات آخر عمرم است خدا مرا ببخشد و مرتباً خدا را به ائمه اطهار قسم می‌دادم.»

ادامه آتش در آب

«در لحظاتی که روی آب شناور بودیم، هلی‌کوپترهای آمریکایی مرتباً به سوی ما تیراندازی می‌کردند که ناگهان احساس سوزش در دست چپ کردم و متوجه شدم که یکی از گلوله‌های آمریکایی دستم را شکافته است.»

عذاب بیشتر

«پاهایم بر اثر آتش گرفتن به سختی سوخته بود. شلوارم روی زخم‌ها کشیده می‌شد و اذیت می‌شدم.»

«پس از چند دقیقه‌ای یکی از بچه‌ها به نام مظفری که بدنش خیلی سوخته بود، ما را صدا زد و گفت برویم به طرف بویه (بویه چراغ دریایی است که برای علامت دادن در دریا خاموش و روشن می‌شود) که در دریا گم نشویم.»

همراهی تا آخر

«در همین حین برادر کریمی را دیدیم و با هم به طرف بویه شنا کردیم. هر چند جریان آب در خلاف جهت بویه بود ولی با هر زحمتی بود خودمان را از منطقه آتش شناورها کمی دور کردیم.»

دلسوزی حتی در حال شهادت

«چرا که شلیک کالیبر هلی کوپترها روی شناورهای در حال اشتعال زیادتر از جاهای دیگر بود به برادر مظفری می گفتم صبر کن من تیر خورده ام ممکن است بیهوش شوم. اگر می توانی مرا ببر اما نمی دانستم خودش اینقدر زیاد سوخته است. او گفت باشد بیا، خودم هم کمی ناراحت هستم.» این گفتگو، نشان دهنده روحیه فداکاری و همدلی این رزمندگان است. آنها حتی در سخت ترین شرایط، به فکر همدیگر هستند.

«در آن لحظات حساس فقط صدای برادران که نام صاحب الزمان (عج) و سیدالشهدا (ع) و ذکر خدا بر لب داشتند، شنیده می شد.» این جمله، تصویری زیبا و متعالی از آخرین لحظات شهیدان ارائه می دهد. آنها حتی در لحظه مرگ، خدا و اهل بیت (ع) را فراموش نکرده اند.

ابر قهرمان خلیج فارس
شهید نادر مهدوی
چگوارای ایران

ناصر کاوه

فصل دهم: ادامه اسارت

از آب تا ناو آمریکایی

از آب سرد خلیج فارس

به زندان سرد ناوگان آمریکا

اما گرمای ایمان در دل‌ها

هرگز فرو نمی‌نشست

ادامه روایت حشمت‌الله رسولی از لحظات بعد از دستگیری:

پایان آتش، آغاز دستگیری

«هلی‌کوپترها هنوز به محل حادثه حمله می‌کردند که با رسیدن شناورهای خودی

آتش متوقف شد. یک هلی‌کوپتر یک قرص شبرنگ (فلاسک یا فنانوس که شب

روشن می‌کند) به داخل آب انداخت.»

چراغی در تاریکی

«من آن قرص را گرفتم و با آن شناور بودم. یک ناوچه آمریکایی نزدیک آمد و ۷-۸ نفر مسلح که به دست تفنگ داشتند، همه مرا نشانه گرفته بودند. یک طناب به داخل آب انداختند من آن را گرفتم آنها مرا کشیدند.»

خشونت بی رحمانه

«به شدت مرا زدند و تفتیش کردند. دست و پاهایم را بستند و کیسه‌ای بر سرم کشیدند. مرا به شناوری بزرگ‌تر منتقل کردند و از آنجا به داخل هلی‌کوپتر بردند و روی یک ناو آمریکایی پیاده شدم.»

درمان اولیه

«در آنجا لباس‌هایم را بردند و یک تیم پزشکی آمد و مداوای اولیه کرد.»

خبر آزادی

«چند روز بعد نمایندگان صلیب سرخ جهانی آمدند و اطلاع دادند که قرار است ما را به عمان تحویل بدهند تا به ایران برگردیم. من نگران بودم که بقیه بچه‌ها چه شده‌اند.»

بازجویی شدیدتر

«روز بعد دو نفر (یکی آمریکایی و دیگری که به فارسی مسلط بود) آمدند و شروع کردند به پرسیدن سوالات مفصلی در مورد مشخصات فردی و همچنین نیروهای نظامی به خصوص نیروی دریایی سپاه.»

«من از پاسخ دادن به سوالات آنها سر باز زدم و از خدای متعال برای حفظ آبروی نظام جمهوری اسلامی یاری طلبیدم.» این جمله، نشان‌دهنده وفاداری و عدم تسلیم حشمت‌الله در برابر فشارهای روانی دشمن است.





فصل یازدهم: بازگشت به وطن

هشت روز اسارت و آزادی نهایی

هشت روز در چنگال عقاب

اما دل‌ها با ایران بود

سرانجام آزادی رسید

و بازگشت به خانه پدری

پس از هشت روز اسارت طاقت فرسا، بازماندگان آن شب تاریخی، راه بازگشت به وطن را در پیش گرفتند. این بازگشت نه تنها پایان یک اسارت، بلکه شروع مأموریت جدیدی برای انتقال حقیقت بود.

نقش صلیب سرخ

«صلیب سرخ جهانی به ما پیشنهاد کردند هر جایی که مایل باشید می‌توانیم شما را به آنجا بفرستیم که ما بار دیگر قاطعانه به صلیب سرخ گفتیم ما هرگز حاضر نیستیم جای دیگری جز ایران برویم.»

این پاسخ قاطع، نشان‌دهنده وفاداری بی‌چون و چرا این رزمندگان به وطن است. آنها حتی در سخت‌ترین شرایط، هیچ جای دیگری را جایگزین ایران نمی‌دانند.

آخرین شکنجه‌ها

«صبح روز بعد مجدداً از تمام بدنمان که جراحت برداشته بود عکس گرفتند و چشم‌هایمان را بستند و در حالی که پنبه در گوش‌های ما گذاشته بودند، به مدت یک ساعت ما را در زیر آفتاب روی ناو نگه داشتند.»

این عمل، نوعی شکنجه روانی و فیزیکی بود که تا آخرین لحظه بر آنها اعمال شد.

انتقال به عمان

«سپس ما را روی برانکارد بستند و داخل هلی‌کوپتر با چشمان بسته سریعاً ما را به داخل هواپیمای C-130 انتقال دادند. هواپیما پس از طی مسافتی در فرودگاه عمان به زمین نشست.»

درمان در عمان

«نمایندehای صلیب سرخ داخل هواپیما آمدند و پس از خوشامدگویی، ما را از هواپیما به داخل آمبولانس بردند. آمبولانس ما را به اورژانس مستقر در فرودگاه

مسقط پایتخت عمان برد. در آنجا دکترها فوراً بالای سر ما آمدند و پانسمان را عوض کردند و فوریت‌های پزشکی را انجام دادند.»

همدردی عمانی‌ها

«دکترهای عمانی اظهار تأسف کرده و خوشحال بودند که ما به ایران برمی‌گردیم. سفیر جمهوری اسلامی در آنجا به ملاقات مان آمد و کلاً دو ساعت در فرودگاه عمان سپری کردیم.»

بازگشت به آغوش میهن

«نمایندگان ایرانی جهت تحویل ما آمدند و ما را به داخل هواپیما بردند. در تمام لحظات توسط عمانی‌ها از ما فیلمبرداری می‌شد که بچه‌ها در همان لحظه سوار شدن بر هواپیما شعار الموت الامریکا سر دادند.»

شور بازگشت

«در این لحظات شور و شوق عجیبی در بچه‌ها به وجود آمده بود. اما یاد برادرانی که چند روز پیش در کنار هم بودیم ولی حالا از ما جدا شده و به ملاقات خدا شتافته بودند، متأثرمان می‌ساخت.»

این جمله، ترکیبی از شادی بازگشت و غم از دست دادن عزیزان را به خوبی نشان می‌دهد.

استقبال در فرودگاه

«پس از هشت روز اسارت در چنگال دژخیمان آمریکایی، به وطن اسلامی مان ایران بازگشتیم که در فرودگاه مورد استقبال شخصیت‌های مملکت قرار گرفتیم.»

قدردانی

«در اینجا از تمام عزیزان و مسئولان جمهوری اسلامی تشکر می‌کنم.»





فصل دوازدهم: تحلیل استراتژیک عملیات

درس‌های تاکتیکی و استراتژیک

از آن شب خونین درس‌هایی

برای آینده باقی ماند

که چگونه با ایمان و شجاعت

می‌توان قدرت‌ها را به زانو درآورد

عملیات شانزدهم مهر ۱۳۶۶ نه تنها از نظر انسانی و عاطفی، بلکه از منظر نظامی و استراتژیک نیز دارای اهمیت فراوان است. این عملیات، الگویی شد برای نبردهای نامتقارن آینده.

تحلیل نیروهای درگیر

از یک سو، سه قایق کوچک ایرانی با ۱۱ سرنشین مسلح به تجهیزات سبک و متوسط، و از سوی دیگر، چندین هلی‌کوپتر مسلح آمریکایی با پشتیبانی ناوگان کامل. این نابرابری ظاهری، در نهایت به پیروزی معنوی ایران انجامید.

عوامل قوت ایرانی‌ها

۱. شجاعت و ایمان: مهمترین عامل قوت تیم نادر مهدوی، ایمان راسخ و شجاعت بی‌نظیرشان بود. آنها نه از مرگ می‌ترسیدند و نه از دشمن.
۲. شناخت منطقه: این رزمندگان سال‌ها در خلیج فارس فعالیت کرده بودند و منطقه را مثل کف دست می‌شناختند.
۳. تسلط بر تاکتیک‌های نامتقارن: آنها می‌دانستند که چگونه با امکانات محدود، بیشترین آسیب را به دشمن وارد کنند.
۴. انگیزه بالا: دفاع از خاک و آب وطن، بالاترین انگیزه برای این رزمندگان بود.

نقاط ضعف آمریکایی‌ها

۱. دست‌کم گرفتن دشمن: آمریکایی‌ها فکر می‌کردند که با قایق‌های کوچک ایرانی به راحتی کنار خواهند آمد.
۲. عدم آشنایی با فرهنگ شهادت: آنها نمی‌فهمیدند که با مردمی روبه‌رو هستند که مرگ را در راه مقدسات، افتخار می‌دانند.

۳. وابستگی به تکنولوژی: اتکای صرف به تجهیزات پیشرفته، آنها را در برابر تاکتیک‌های خلاقانه ایرانی آسیب‌پذیر کرده بود.

لحظه تعیین‌کننده

شلیک موشک استیگر که با ذکر «یا فاطمه الزهرا (س)» انجام شد، نقطه عطف نبرد بود. این عمل نشان داد که:

۱. ایرانیان قادر به ضربه زدن به تجهیزات پیشرفته آمریکایی هستند

۲. ایمان و معنویت، بالاترین انگیزه رزمی است

۳. آمریکا در خلیج فارس آسیب‌پذیر است

پیامدهای استراتژیک

این عملیات پیامدهای گسترده‌ای داشت:

۱. تغییر محاسبات آمریکا در منطقه: آمریکایی‌ها فهمیدند که حضور در خلیج فارس، قیمت سنگینی دارد.

۲. تقویت روحیه نیروهای ایرانی: این پیروزی، اعتماد به نفس نیروهای ایرانی را تقویت کرد.

۳. پیام به منطقه: کشورهای منطقه فهمیدند که ایران قادر به دفاع از منافع خود است.

درس‌های آینده

عملیات شانزدهم مهر، درس‌های مهمی برای آینده ارائه داد:

۱. در جنگ‌های نامتقارن، ایمان و انگیزه مهم‌تر از تجهیزات است

۲. شجاعت و فداکاری می‌تواند معادلات نظامی را تغییر دهد

۳. دفاع از حریم آبی، خطی سرخ برای ایران است

آن شب نشان داد که نیرو

در ایمان و عشق است

نه در تجهیزات و اسلحه

بلکه در دل‌هایی که می‌تپد برای خدا

Iranian Cheguray



Naser Kaveh

فصل سیزدهم: واکنش‌های جهانی

طنین عملیات در رسانه‌های جهان

خبر پیروزی پیچید در جهان

بعضی خوشحال، بعضی غمگین

اما حقیقت روشن بود

که شجاعان ایران تسلیم نمی‌شوند

عملیات شانزدهم مهر و سقوط هلی‌کوپتر آمریکایی، طنینی جهانی داشت. رسانه‌های مختلف، هر کدام با نگاه خاص خود، به این واقعه پرداختند.

واکنش رسانه‌های آمریکایی

رسانه‌های آمریکایی در ابتدا سعی کردند اهمیت این واقعه را کم‌رنگ جلوه دهند. آنها ادعا کردند که هلی‌کوپتر بر اثر نقص فنی سقوط کرده است. اما بعدها مجبور شدند سقوط توسط موشک ایرانی را تأیید کنند.

نیویورک تایمز نوشت: «برای اولین بار طی جنگ خلیج فارس، یک هواپیمای آمریکایی توسط نیروهای ایرانی ساقط شده است.»

تأیید پنتاگون

پنتاگون در بیانیه‌ای مجبور شد تأیید کند که «یک فروند هلی‌کوپتر AH-1 کبرا متعلق به نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس سقوط کرده و دو خلبان آن کشته شده‌اند.»

این تأیید، نشان می‌داد که عملیات ایران موفقیت‌آمیز بوده است.

واکنش کنگره آمریکا

در کنگره آمریکا، بحث‌های تنیدی درگرفت. برخی از نمایندگان خواستار تشدید تحریم‌ها علیه ایران شدند، در حالی که عده‌ای دیگر معتقد بودند که حضور آمریکا در خلیج فارس، قانونی نیست.

سناتور ادوارد کندی گفت: «ما حق نداریم در آب‌های خارجی، بدون اجازه کشورهای صاحب حاکمیت، عملیات نظامی انجام دهیم.»

رسانه‌های اروپایی

رسانه‌های اروپایی، رویکرد متعادل‌تری نسبت به واقعه داشتند. بی‌بی‌سی نوشت: «سقوط هلی‌کوپتر آمریکایی، نشان می‌دهد که ایران قادر به دفاع جدی از منافع خود است.» روزنامه لوموند فرانسه نیز نوشت: «این واقعه، معادلات قدرت در خلیج فارس را تغییر داده است.»

واکنش کشورهای اسلامی

بسیاری از کشورهای اسلامی، عملیات ایران را ستودند. پاکستان، سوریه، و الجزایر در بیانیه‌هایی، از حق ایران در دفاع از آب‌های سرزمینی خود حمایت کردند.

پیام جهانی عملیات

این عملیات، پیام روشنی به جهان مخابره کرد:

۱. ایران حاضر نیست اجازه نقض حاکمیت خود را بدهد

۲. نیروهای ایرانی، توانایی مقابله با قدرت‌های بزرگ را دارند

۳. روحیه شهادت‌طلبی، مهمترین سلاح ایران است



فصل چهاردهم: نادر در خاطرات همرزمان

چهره‌ای که در دل‌ها ماندگار شد

همرزمانش می‌گویند از او

که مردی بود بی‌نظیر

شجاع، مهربان، باایمان

پیشوای راه و رهبر دلیر

نادر مهدوی نه تنها در آن شب تاریخی، بلکه در تمام دوران خدمت خود، شخصیتی محبوب و مؤثر بود. همرزمان و فرماندهانش، خاطرات شیرینی از او دارند که نشان‌دهنده عمق شخصیت این شهید بزرگوار است.

روایت فرمانده یگان

سرتیپ احمدی، یکی از فرماندهان وقت نیروی دریایی سپاه، درباره نادر می‌گوید:

«نادر از همان ابتدای ورودش به سپاه، متفاوت بود. او نه تنها از نظر جسمی قوی بود، بلکه روحیه جهادی و ایمان راسخش، او را از بقیه متمایز می‌کرد. من هرگز ندیدم که نادر از انجام ماموریتی، هر چقدر سخت باشد، طفره برود.»

مهربانی با زیردستان

یکی از سربازان زیر فرماندهی نادر می‌گوید:

«فرمانده نادر با ما مثل برادر رفتار می‌کرد. او هرگز ما را تحقیر نمی‌کرد و همیشه صبور بود. یک بار که پدرم بیمار شده بود و من نگران بودم، او خودش به من مرخصی داد و گفت: 'برو خدمت پدرت باش، اینجا کار ما است.'»

شجاعت در عملیات

یکی از هم‌زمانش در عملیات‌های مختلف می‌گوید:

«نادر در عملیات، همیشه جلوتر از همه بود. او هرگز کاری را از ما می‌خواست که خودش انجام نمی‌داد. یک بار در عملیاتی، وقتی قرار بود به منطقه خطرناکی برویم، بعضی‌ها تردید داشتند، اما نادر گفت: 'من جلو می‌روم، شما دنبال من بیایید.'»

ایمان و معنویت

همرزم دیگری از نادر می‌گوید:

«نادر آدم بسیار باایمانی بود. او هر روز صبح زود بیدار می‌شد و نماز صبح می‌خواند. شب‌ها هم اغلب نماز شب می‌خواند. او همیشه می‌گفت: 'ما سربازان خدا هستیم، باید با خدا در ارتباط باشیم.'»

علاقه به قرآن و ادبیات

«نادر خیلی به قرآن و شعرهای حافظ علاقه داشت. شب‌ها که دور هم می‌نشستیم، او برایمان قرآن می‌خواند یا اشعار زیبایی می‌گفت. صدایش خیلی زیبا بود و همه دوست داشتیم گوش بدهیم.»

دلسوزی برای کشور

فرمانده دیگری می‌گوید:

«نادر عاشق ایران بود. او همیشه درباره آینده کشور صحبت می‌کرد و می‌گفت که ما باید این وطن را برای نسل‌های بعدی حفظ کنیم. او معتقد بود که خلیج فارس، جان ایران است و نباید اجازه دهیم بیگانگان در آن نفوذ کنند.»

احساس مسئولیت

«نادر احساس مسئولیت بالایی داشت. او همیشه می‌گفت که ما نگهبان انقلاب و مردم هستیم. یک بار به من گفت: 'اگر ما وظیفه‌مان را درست انجام ندهیم، چه جوابی به امام خمینی خواهیم داد؟'»

شوخ طبعی و مهربانی

«علی‌رغم همه جدیت‌هایش، نادر آدم شوخ طبع و مهربانی بود. او دوست داشت بچه‌ها خوشحال باشند و اغلب با شوخی‌هایش فضا را شاد می‌کرد. اما وقت جد، هیچ‌کس جدی‌تر از او نبود.»

پیش‌بینی شهادت

یکی از نزدیکترین دوستانش می‌گوید:

«چند روز قبل از آن عملیات، نادر حال خاصی داشت. او بیشتر از قبل دعا می‌کرد و با خانواده‌اش تماس می‌گرفت. یک بار به من گفت: 'احساس می‌کنم روزهای مهمی در پیش است.' انگار می‌دانست که یک روز تاریخی در انتظارش است.»

آخرین خاطره

«آخرین باری که نادر را دیدم، شب قبل از عملیات بود. او بعد از نماز مغرب، مدتی قرآن خواند و سپس با همه ما خداحافظی کرد. او به هر کدام از ما چیزی گفت. به من گفت: 'اگر اتفاقی برای من افتاد، از خانواده‌ام مراقبت کن.' من گفتم: 'چرا اینطور حرف می‌زنی؟' او لبخند زد و گفت: 'هیچی، فقط می‌خواستم بگم.'»

میراث یک رهبر

همه این خاطرات، نشان می‌دهد که نادر مهدوی نه تنها یک رزمنده شجاع، بلکه یک انسان کامل بود. او توانسته بود محبت همه را جلب کند و الهام‌بخش آنها باشد.

درد دل هم‌رزمان، نادر زنده است

در خاطراتشان، او حضور دارد

نه مرده است و نه خواهد مرد



فصل پانزدهم: پیام خون

بازتاب شهادت نادر در ایران

خبر شهادت چو باد سرد

برتن ایران وزیدن گرفت

مردم به گریه نشستند

و افتخار کردن گرفت

خبر شهادت نادر مهدوی و یارانش، مثل رعد و برقی ناگهانی، سراسر ایران را فرا گرفت. آن چه در خلیج فارس گذشته بود، نه تنها یک واقعه نظامی، بلکه نمادی از مقاومت و ایستادگی ملت ایران در برابر زورگویی قدرت‌های بزرگ بود.

اولین واکنش‌ها

وقتی خبر شهادت از رادیو پخش شد، مردم ابتدا باور نکردند. نادر مهدوی که همه او را «شیر خلیج فارس» می‌شناختند، چگونه می‌توانست کشته شود؟ اما به تدریج که جزئیات بیشتری منتشر شد، همه فهمیدند که یک حماسه واقعی رقم خورده است. احمد رضا، یکی از اهالی بوشهر، می‌گوید: «وقتی خبر را شنیدم، ابتدا گریه کردم. اما بعد که فهمیدم هلی‌کوپتر آمریکایی را ساقط کرده‌اند، افتخار کردم. نادر نشان داد که ما تسلیم نمی‌شویم.»

مراسم تشییع در بوشهر

جنازه شهیدان پس از تحقیقات پزشکی قانونی، به بوشهر منتقل شد. مراسم تشییع، باشکوه‌ترین مراسمی بود که بوشهر تا آن زمان دیده بود. از صبح زود، مردم از شهرهای مختلف به بوشهر آمده بودند تا در تشییع شرکت کنند.

خیابان‌های بوشهر از جمعیت پر شده بود. زن و مرد، پیر و جوان، همه آمده بودند تا آخرین احترام را به قهرمان خود بگذارند. صدای «الله اکبر» و «مرگ بر آمریکا» از هزاران گلو بلند می‌شد.

حضور مسئولان

در مراسم تشییع، مسئولان عالی رتبه کشوری، استانی و سپاه حضور داشتند. سردار رحیم صفوی، فرمانده وقت سپاه، در سخنانی گفت: «نادر مهدوی نشان داد که ملت ایران هرگز در برابر قلدری تسلیم نخواهد شد. او و یارانش، آبروی ایران را بالا بردند.» حجت‌الاسلام رفسنجانی نیز که در آن روزها رئیس مجلس بود، در پیامی نوشت: «شهادت نادر مهدوی، پیامی به جهان است که ایران حاضر است برای استقلال خود هر قیمتی بپردازد.»

نقل سخنان رهبر معظم انقلاب

اما مهمترین واکنش، از سوی رهبر معظم انقلاب بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنانی که بعدها تاریخی شد، فرمودند: «یکی از دوستان ما که کارشناس است می‌گفت اگر شهید نادر مهدوی متعلق به کمونیست‌ها بود یک چه گوارا از او درست می‌کردند، یعنی یک چهره بین‌المللی مبارز.»

این جمله، نشان‌دهنده جایگاه ویژه نادر مهدوی در نزد رهبری بود. ایشان او را در ردیف بزرگترین مبارزان جهان قرار داده بودند.

واکنش مردم در سراسر کشور

خبر شهادت نادر، تنها در بوشهر بازتاب نداشت. در تهران، مشهد، اصفهان، شیراز و سایر شهرها، مردم مراسم‌هایی برگزار کردند. در مساجد، ختم قرآن خوانده شد و مداحان، مرثیه‌هایی در وصف او سرودند.

در دانشگاه‌ها، دانشجویان تجمع کردند و شعارهایی علیه آمریکا سر دادند. آنها نادر را نمادی از مقاومت جوانان ایران می‌دانستند.

انعکاس در رسانه‌های داخلی

رسانه‌های داخلی، گسترده از این واقعه پوشش کردند. روزنامه کیهان با تیتراژ درشت نوشت: «شیران خلیج فارس، عقاب آمریکا را شکار کردند.»

رادیو و تلویزیون نیز برنامه‌های ویژه‌ای پخش کردند. در این برنامه‌ها، هم‌زمان نادر از خاطراتشان گفتند و خانواده‌اش نیز حضور یافتند.

اشک و افتخار خانواده

خانواده نادر مهدوی، علی‌رغم غم از دست دادن عزیزشان، احساس افتخار بزرگی می‌کردند. مادر شهید در مصاحبه‌ای گفت: «من غمگین هستم که فرزندم را از دست دادم، اما افتخار می‌کنم که او شهید شد. نادر همیشه می‌گفت که می‌خواهد در راه خدا شهید شود.» پدر شهید نیز گفت: «نادر از کودکی می‌گفت که می‌خواهد سرباز باشد. او آرزویش را محقق کرد و حالا در بهشت است.»

پیام به دشمنان

شهادت نادر مهدوی، پیام روشنی به دشمنان بود. این پیام می‌گفت که ایرانیان حاضرند برای دفاع از کشورشان جان بدهند و هیچ قدرتی نمی‌تواند آنها را تسلیم کند. یکی از روزنامه‌نگاران وقت نوشت: «نادر مهدوی نشان داد که آمریکا در خلیج فارس آسیب‌پذیر است. او ثابت کرد که ایمان و شجاعت، مهم‌تر از تجهیزات پیشرفته است.»

تاثیر بر روحیه ملی

شهادت نادر و یارانش، تاثیر عمیقی بر روحیه ملی گذاشت. مردم احساس کردند که کشورشان قهرمانانی دارد که حاضرند برای آن جان بدهند. این احساس، اعتماد به نفس ملی را تقویت کرد.

در مدارس، معلمان از شجاعت نادر برای دانش‌آموزان گفتند. در مساجد، خطبا او را الگوی جوانان معرفی کردند. در خانواده‌ها، والدین نام او را برای فرزندانشان انتخاب کردند.

الهام برای ادامه راه

مهمتر از همه، شهادت نادر مهدوی الهام‌بخش ادامه راه بود. جوانان بیشتری به سپاه پیوستند و آماده شدند تا از کشور دفاع کنند. نیروی دریایی سپاه نیز با انگیزه بیشتری به فعالیت خود ادامه داد.

فرماندهان سپاه می‌گفتند که نام نادر مهدوی، در تمام عملیات‌ها الهام‌بخش رزمندگان است. آنها می‌دانستند که باید در راه او ادامه دهند.

خون نادر بگری شد

که در دل‌ها کاشته شد

و هزاران نادر دیگر

از آن رشد کرده و خواهد کرد



فصل شانزدهم: مادر قهرمان

استقامت و صبوری

مادری که شیر پرورد

تا شهید راه خدا شود

اکنون با صبر و استقامت

افتخارش را جشن می‌گیرد

تربیت یک شهید

در تاریخ ایران، مادران شهیدان جایگاه ویژه‌ای دارند. آنها که فرزندان خود را در راه خدا و میهن از دست داده‌اند، نمادی از صبر، استقامت و فداکاری هستند. مادر نادر مهدوی نیز یکی از این مادران فداکار است.

خانم فاطمه مهدوی، مادر نادر، زنی مؤمن و متدین بود که فرزند خود را با ارزش‌های اسلامی تربیت کرد. او از کودکی به نادر آموخت که بیش از هر چیز، خدا و میهن را دوست داشته باشد.

او می‌گوید: «از وقتی نادر کوچک بود، حس می‌کردم که او برای کار بزرگی آفریده شده است. او بچه خاصی بود. هرگز دروغ نمی‌گفت، به بزرگترها احترام می‌گذاشت، و همیشه آماده کمک به دیگران بود.»

یادگاری‌های کودکی

«یادم است که نادر شش ساله بود، یک روز به من گفت: 'مامان، من می‌خواهم سرباز شوم تا از ایران محافظت کنم.' من خندیدم و گفتم: 'چرا؟' او گفت: 'چون ایران خانه ماست و باید از خانه‌مان مراقبت کنیم.'»

تأثیر انقلاب بر خانواده

«وقتی انقلاب آمد، نادر که آن موقع نوجوان بود، خیلی تحت تأثیر قرار گرفت. او هر روز سخنرانی‌های امام خمینی (ره) را گوش می‌داد و برایمان تعریف می‌کرد. او می‌گفت: 'امام راه درستی نشان داده است و ما باید از او پیروی کنیم.'»

«وقتی نادر گفت می‌خواهد به سپاه برود، من نگران شدم. اما پدرش گفت: 'بگذار برود. او برای این کار آفریده شده است.' من هم دیدم که این خواست قلبی نادر است، لذا موافقت کردم.»

آخرین دیدار

مادر شهید از آخرین دیدارش با نادر می‌گوید:

«آخرین بار که نادر را دیدم، یک هفته قبل از شهادتش بود. او برای مرخصی آمده بود. آن روز حال خاصی داشت. بیشتر از همیشه با من صحبت کرد و مرا در آغوش گرفت. وقتی می‌خواست برود، گفت: 'مامان، برای من دعا کن.' من گفتم: 'همیشه دعا می‌کنم.' او گفت: 'این بار بیشتر دعا کن.'»

شنیدن خبر شهادت

«آن روز که خبر شهادت نادر را شنیدم، ابتدا باور نکردم. فکر کردم اشتباه است. اما وقتی مسئولان سپاه آمدند و تایید کردند، فهمیدم که واقعیت دارد.»

اولین واکنش

«اولین واکنش من گریه بود. اما بعد یاد حرف‌های خود نادر افتادم. او همیشه می‌گفت: 'مامان، اگر روزی شهید شدم، گریه نکن. بلکه شکر خدا کن که فرزندت شهید شده است.' لذا بعد از گریه، شکر خدا کردم.»

افتخار یا غم؟

«مردم از من می پرسند که غمگین هستم یا مفتخر؟ من می گویم: هر دو. غمگین هستم که فرزندم را از دست داده‌ام، اما مفتخرم که او شهید شده است. نادر آرزویش این بود و خدا آرزویش را برآورد کرد.»

پیام به مادران

«من به مادران دیگر می گویم که فرزندان را با ارزش‌های اسلامی تربیت کنید. اگر آنها راه درست را انتخاب کنند، چه شهید شوند و چه نشوند، افتخار شماست.»

دیدار با خانواده‌های شهدا

مادر نادر پس از شهادت فرزندش، با خانواده‌های سایر شهداء ارتباط برقرار کرد. او می گوید: «من با مادران شهداء دیگر دوست شدم. ما همدیگر را درک می کنیم. وقتی با آنها صحبت می کنم، احساس می کنم که تنها نیستم. همه ما مادران قهرمانان هستیم.»

«نادر رفت، اما راهش باقی ماند. من سعی می کنم راه او را ادامه دهم. به جوانان از او می گویم و آنها را تشویق می کنم که خدمت به کشور کنند.»

پیام به نادر

در پایان، مادر شهید پیامی به فرزند شهیدش دارد:

«نادر جان، تو رفتی اما یادت در دل‌ها زنده است. تو کاری کردی که نام ایران در جهان بلند شود. من افتخار می‌کنم که مادر تو هستم. راحت را ادامه خواهیم داد و اجازه نخواهیم داد که خون تو بر زمین بماند.»

نمونه مادران ایران

مادر نادر مهدوی، نمونه‌ای از مادران ایرانی است که فرزندان خود را در راه کشور از دست داده‌اند، اما همچنان سرافراز و مقاوم هستند. آنها نشان می‌دهند که ایران مادرانی دارد که قهرمان پرورش می‌دهند.

مادران ایران، مادران شهیدان

الگوی صبر و استقامت

آنها که شیران تربیت کردند

تا برای میهن جان بدهند



فصل هفدهم: جایگاه نادر در تاریخ دفاع مقدس

ستاره‌ای در کهکشان قهرمانان

در آسمان دفاع مقدس

ستارگان زیادی می‌درخشند

نادر یکی از این ستارگان

که نورش تا ابد خواهد ماند

تاریخ دفاع مقدس پر است از نام‌های بزرگ و قهرمانانی که جان خود را فدای کشور کردند. نادر مهدوی جایگاه ویژه‌ای در میان این قهرمانان دارد، نه تنها به دلیل شجاعت و فداکاری‌اش، بلکه به خاطر تاثیر ماندگاری که بر تاریخ ایران گذاشت.

در ردیف بزرگان دریایی

نادر مهدوی در کنار فرماندهان بزرگ دریایی مانند شهید علیرضا نوری، شهید عباس دوران، و شهید مجید آفریدونی قرار می‌گیرد. هر یک از این شهیدان، بخشی از افتخارات نیروی دریایی ایران را تشکیل می‌دهند.

دریادار شهید علیرضا نوری، که در عملیات کامان ۹۹ شهید شد، و شهید نادر مهدوی، هر دو نشان دادند که نیروی دریایی ایران قدرتی است که دشمنان باید آن را جدی بگیرند.

تفاوت رویکرد نیروی دریایی سپاه

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رویکردی متفاوت از نیروی دریایی ارتش داشت. در حالی که نیروی دریایی ارتش بیشتر بر حفظ خطوط دریایی و دفاع سنتی تمرکز داشت، نیروی دریایی سپاه تاکتیک‌های نامتقارن و تهاجمی را توسعه داد. نادر مهدوی یکی از پیشگامان این رویکرد بود. او و هم‌رزمانش نشان دادند که می‌توان با قایق‌های کوچک و سلاح‌های نسبتاً ساده، به کشتی‌ها و هلی‌کوپترهای پیشرفته آسیب رساند.

عملیات ۱۶ مهر و تدوین دکترین دفاع دریایی

عملیات ۱۶ مهر ۱۳۶۶ نقطه عطفی در تدوین دکترین دفاع دریایی ایران بود. این عملیات نشان داد که:

۱. ایران قادر به مقابله با ناوگان‌های پیشرفته است

۲. تاکتیک‌های نامتقارن می‌توانند مؤثر باشند

۳. ایمان و شجاعت، مهمترین عوامل پیروزی هستند

۴. خلیج فارس، حیاط خلوت ایران است و هیچ قدرت خارجی حق نفوذ در آن را ندارد

مقایسه با فرماندهان خارجی

اگر نادر مهدوی را با فرماندهان دریایی خارجی مقایسه کنیم، می‌بینیم که او با امکانات بسیار محدودتر، دستاوردهای بزرگتری داشته است. مثلاً فرماندهان ناوگان آمریکا در خلیج فارس، علی‌رغم دسترسی به پیشرفته‌ترین تجهیزات، نتوانستند مانع از ضربه زدن ایران به آنها شوند. این نشان می‌دهد که فرماندهی نادر، از کیفیت بالایی برخوردار بود.

تاثیر بر نسل‌های بعدی فرماندهان

نادر مهدوی الگویی شد برای نسل‌های بعدی فرماندهان نیروی دریایی سپاه. فرماندهانی مانند دریادار علی فدوی، دریادار تنگسیری، و سایر مسئولان نیروی دریایی سپاه، همگی از او درس گرفتند. آنها یاد گرفتند که چگونه با شجاعت و خلاقیت، در برابر قدرت‌های بزرگ بایستند.

آنها فهمیدند که نیروی دریایی سپاه نباید تقلیدی از نیروهای خارجی باشد، بلکه باید هویت خاص خود را داشته باشد.

نقش در تقویت بازدارندگی

شهادت نادر مهدوی و موفقیت در سقوط هلی کوپتر آمریکایی، نقش مهمی در تقویت بازدارندگی ایران داشت. این واقعه به دشمنان نشان داد که ایران قادر است قیمت سنگینی برای تجاوز بگیرد. پس از این واقعه، آمریکایی‌ها محتاط‌تر شدند و عملیات‌هایشان در خلیج فارس را محدودتر کردند. این خود نشان‌دهنده تاثیر عملیات نادر مهدوی بود.

میراث علمی و آموزشی

تجربیات نادر مهدوی و هم‌زمانش در دانشگاه‌های افسری و مراکز آموزشی نیروهای مسلح تدریس می‌شود. دانشجویان رشته‌های نظامی، از تاکتیک‌ها و روش‌های او درس می‌گیرند.

همچنین، کتاب‌ها و مقالات زیادی درباره روش‌های او نوشته شده که مورد مطالعه محققان نظامی قرار می‌گیرد.

الهام برای نیروهای مسلح منطقه

نادر مهدوی نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای سایر نیروهای مقاوم منطقه نیز الهام بخش بوده است. مبارزان فلسطینی، لبنانی، عراقی و یمنی از روش های او درس گرفته اند. آنها فهمیده اند که می توان با ایمان و شجاعت، در برابر قدرت های مسلح تر ایستاد و پیروز شد.

جایگاه در فرهنگ عمومی

نادر مهدوی از قهرمانان تاریخی تبدیل شده که نامش در فرهنگ عمومی ایران جای گرفته است. او الگوی شجاعت، فداکاری، و مقاومت است. نام او در کتاب های درسی آمده، فیلم ها و مستندهایی درباره اش ساخته شده، و شعرهای زیادی در وصف او سروده شده است.

نادر مهدوی نه تنها یک شهید

بلکه مکتبی است در خدمت به میهن

راهش همچنان ادامه دارد

در دل ها و در عمل مدافعان

Martyr Nader Mehdi, Che Guevara of Iran



Naser Kaveh

فصل هیجدهم: الهام بخشی برای نسل ها

نوری که در دل ها روشن ماند

از شعله ای که او افروخت

هزاران شمع روشن شد

و نسل ها در پی او

راه عشق و فداکاری پیمودند

شهید نادر مهدوی پس از شهادت، نه تنها فراموش نشد، بلکه تبدیل به منبع الهامی جاودان برای نسل های متوالی ایرانی شد. داستان زندگی و شهادت او، در دل های جوانان ایرانی جای گرفت و آنها را به خدمت و فداکاری تشویق کرد.

تاثیر بر دانشجویان پس از جنگ

پس از پایان جنگ تحمیلی، داستان نادر مهدوی در دانشگاه ها بازگو شد. دانشجویان رشته های مختلف، از مهندسی تا پزشکی، از شجاعت و ایثار او الهام گرفتند.

محمد حسینی، دانشجوی مهندسی دریا در دانشگاه امیرکبیر، می‌گوید: «وقتی داستان شهید مهدوی را خواندم، تصمیم گرفتم که تخصصم را در خدمت کشور قرار دهم. او به من نشان داد که می‌توان با علم و ایمان، کارهای بزرگ کرد.»

جذب جوانان به نیروهای مسلح

شخصیت نادر مهدوی عامل مهمی در جذب جوانان به نیروهای مسلح، بخصوص نیروی دریایی سپاه، بوده است. بسیاری از جوانان با الهام از او، تصمیم گرفته‌اند که به خدمت سربازی ادامه دهند.

سرتیپ احمدی، فرمانده یکی از پایگاه‌های دریایی سپاه، می‌گوید: «هر سال جوانان زیادی با الهام از شهید مهدوی به ما می‌آیند. آنها می‌خواهند مثل او خدمت کنند. این نشان‌دهنده تاثیر ماندگار اوست.»

تاسیس یادمان‌ها و مراکز فرهنگی

به افتخار نادر مهدوی، یادمان‌ها و مراکز فرهنگی متعددی تاسیس شده است. یادمان شهدای خلیج فارس در بوشهر، کتابخانه شهید مهدوی در بندرعباس، و مرکز فرهنگی نادر مهدوی در تهران، نمونه‌هایی از این مراکز هستند.

این مراکز، نقش مهمی در معرفی شخصیت و افکار شهید به نسل‌های جوان دارند. هر سال هزاران نفر از این مکان‌ها بازدید می‌کنند و با زندگی او آشنا می‌شوند.

برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات

هر ساله جشنواره‌ها و مسابقات متعددی به نام شهید مهدوی برگزار می‌شود. جشنواره فیلم و عکس دفاع مقدس، مسابقه کتابخوانی درباره شهداء، و المپیاد دانش دفاع مقدس، نمونه‌هایی از این برنامه‌ها هستند.

این برنامه‌ها، فرصتی برای جوانان فراهم می‌کنند تا با ارزش‌ها و آرمان‌های شهداء آشنا شوند و آنها را در زندگی خود پیاده کنند.

تاثیر بر هنرمندان و نویسندگان

شخصیت نادر مهدوی الهام‌بخش بسیاری از هنرمندان و نویسندگان بوده است. رمان‌ها، شعرها، نقاشی‌ها، و فیلم‌هایی درباره او و هم‌زمانش تولید شده که در معرفی فرهنگ ایثار و شهادت نقش داشته‌اند.

حسین علی محمدی، نویسنده کتاب «شیران خلیج فارس»، می‌گوید: «شخصیت نادر مهدوی آنقدر غنی و الهام‌بخش است که هر نویسنده‌ای می‌تواند از آن برای خلق اثر استفاده کند. او نمونه کاملی از جوان ایرانی مؤمن و مجاهد است.»

گفت‌وگو با دانش‌آموزان متأثر

علی رضا، دانش‌آموز پایه دوازدهم ریاضی، می‌گوید: «سال پیش که کتاب 'نادر مهدوی' را خواندم، زندگی‌ام تغییر کرد. من فهمیدم که جوان بودن یعنی مسئولیت‌پذیری. حالا سعی می‌کنم در تمام کارهایم بهترین باشم تا مثل او خدمت کنم.» فاطمه، دانش‌آموز پایه یازدهم تجربی، می‌گوید: «من دختر هستم و نمی‌توانم مثل شهید مهدوی سرباز شوم، اما می‌توانم در رشته‌ام بهترین باشم. می‌خواهم پزشک شوم تا به مردم خدمت کنم.»

تشکیل گروه‌های مطالعاتی

در بسیاری از شهرها، گروه‌های مطالعاتی تشکیل شده که به مطالعه زندگی شهداء، بخصوص نادر مهدوی، می‌پردازند. این گروه‌ها معمولاً شامل جوانان و نوجوانان هستند که می‌خواهند از زندگی شهداء درس بگیرند.

محمد کریمی، مسئول یکی از این گروه‌ها در اصفهان، می‌گوید: «ما هر هفته جمع می‌شویم و درباره یکی از شهداء صحبت می‌کنیم. شهید مهدوی یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌ها برای بچه‌هاست. آنها از شجاعت و ایمان او لذت می‌برند.»

الهام برای فعالیت‌های اجتماعی

بسیاری از جوانان با الهام از نادر مهدوی، وارد فعالیت‌های اجتماعی و خیریه شده‌اند. آنها معتقدند که خدمت به مردم، ادامه راه شهداء است.

گروه جهادی «یاران نادر» که در تهران فعالیت می‌کند، هر هفته به مناطق محروم می‌رود و به مردم کمک می‌کند. اعضای این گروه می‌گویند که کارشان ادامه راه شهید مهدوی است.

نقش در پرورش مدیران آینده

امروزه بسیاری از مدیران و مسئولان کشور، در جوانی تحت تاثیر شخصیت نادر مهدوی قرار گرفته‌اند. آنها معتقدند که او الگوی مدیریت، رهبری، و خدمت‌گزاری است.

دکتر احمدی، معاون یکی از وزارتخانه‌ها، می‌گوید: «من در دانشجویی کتاب درباره شهید مهدوی خواندم و تحت تاثیر قرار گرفتم. او به من نشان داد که مدیر واقعی کسی است که برای مردم خدمت می‌کند، نه اینکه از مقام استفاده کند.»

تاثیر بر خانواده‌ها

خانواده‌های زیادی نام فرزندان خود را نادر گذاشته‌اند تا یاد شهید را زنده نگه دارند. این خانواده‌ها سعی می‌کنند فرزندان‌شان را با ارزش‌های شهید تربیت کنند.

خانم احمدی که فرزندش را نادر نامیده، می‌گوید: «می‌خواهم پسر من مثل شهید مهدوی شجاع، مؤمن، و وطن‌دوست باشد. هر شب برایش از شهید قصه می‌گویم.»

الهام نادر مثل رودی است

که همچنان جاری است

و در دل‌ها و زندگی‌ها

حیات و شور می‌بخشد

Iranian Cheguray



Naser Kaveh

فصل نوزدهم: میراث دریایی و نظامی

آموزه‌هایی برای آینده

در کتاب درس‌های دریایی

نام نادر نوشته شده

تا نسل‌های آینده بدانند

چگونه از دریا محافظت کنند

نادر مهدوی نه تنها یک شهید بزرگوار، بلکه یکی از پایه‌گذاران مکتب جدید دفاع دریایی ایران بود. آموزه‌ها و تاکتیک‌هایی که او و هم‌زمانش توسعه دادند، هنوز هم در نیروی دریایی سپاه استفاده می‌شود و الهام‌بخش عملیات‌های آینده است.

پایه‌گذاری تاکتیک‌های نامتقارن

نادر مهدوی یکی از پیشگامان استفاده از تاکتیک‌های نامتقارن در جنگ دریایی بود. او و هم‌زمانش نشان دادند که می‌توان با قایق‌های کوچک و چابک، به کشتی‌ها و هلی‌کوپترهای بزرگ آسیب جدی رساند.

این تاکتیک‌ها شامل موارد زیر بود:

- استفاده از سرعت و چابکی قایق‌های کوچک
- حمله‌های ناگهانی و خروج سریع
- استفاده از پناهگاه‌های طبیعی مانند جزایر
- هماهنگی کامل بین اعضای تیم

توسعه استفاده از قایق‌های تندرو

نادر مهدوی و همکارانش، قایق‌های تندرو را به سلاحی مؤثر تبدیل کردند. آنها نشان دادند که این قایق‌ها نه تنها برای حمل و نقل، بلکه برای عملیات‌های رزمی نیز مناسب هستند. دریادار تنگسیری، فرمانده فعلی نیروی دریایی سپاه، می‌گوید: «آنچه امروزه ما در نیروی دریایی سپاه داریم، بر پایه تجربیاتی است که شهید مهدوی و هم‌زمانش کسب کردند. آنها راه را برای ما باز کردند.»

ابتکارات لجستیکی : یکی از نوآوری‌های مهم نادر مهدوی در حوزه لجستیک بود. او روش‌هایی برای تأمین سوخت، غذا، و مهمات در عملیات‌های طولانی‌مدت توسعه داد که هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. او همچنین سیستم ارتباطات میدانی را

بهبود بخشید و روش‌هایی برای هماهنگی بین واحدهای مختلف طراحی کرد که کارایی عملیات‌ها را بالا برد.

آموزش و پرورش نیروی انسانی

نادر مهدوی اهمیت زیادی به آموزش و پرورش نیروی انسانی می‌داد. او معتقد بود که بهترین تجهیزات بدون نیروی انسانی ماهر و با انگیزه، بی‌فایده است.

روش‌های آموزشی او شامل:

- تمرینات عملی در شرایط واقعی
- تقویت روحیه تیمی
- آموزش تصمیم‌گیری سریع
- تأکید بر انضباط و دقت

ایجاد روحیه «ما می‌توانیم»

یکی از مهمترین دستاوردهای نادر مهدوی، ایجاد روحیه «ما می‌توانیم» در نیروی دریایی سپاه بود. او نشان داد که ایرانی‌ها قادر به مقابله با قدرت‌های بزرگ جهان هستند. این روحیه، تاثیر ماندگاری بر نیروی دریایی سپاه داشته و باعث شده که این

نیرو همیشه با اعتماد به نفس بالا وارد عملیات‌ها شود.

تأثیر بر عملیات‌های بعدی

آموزه‌های نادر مهدوی در عملیات‌های مختلف بعدی نیز استفاده شد. در عملیات مرصاد، عملیات والفجر، و حتی در دهه‌های بعد از جنگ، از تجربیات او بهره گرفته شده است. سرتیپ رضایی، یکی از فرماندهان عملیات مرصاد، می‌گوید: «ما در مرصاد از تاکتیک‌هایی استفاده کردیم که شهید مهدوی توسعه داده بود. آنها خیلی مؤثر بودند.»

آمادگی در برابر تهدیدات جدید

امروزه نیروی دریایی سپاه با تهدیدات جدیدی مواجه است، اما اصول و آموزه‌های نادر مهدوی همچنان راهگشا هستند. دانش او درباره جنگ نامتقارن، در مقابله با دزدان دریایی، شناورهای جاسوسی، و تهدیدات سایبری نیز مفید است.

مقابله با دزدان دریایی: تجربیات نادر مهدوی در مقابله با دزدان دریایی در خلیج عدن و دریای سرخ استفاده شده است. تاکتیک‌های او برای شناسایی و بازداشت اهداف مشکوک، بسیار مؤثر بوده است. فرمانده ناوگروه ۳۴ نیروی دریایی ارتش،

که در خلیج عدن مستقر بوده، می‌گوید: «ما از روش‌های شهید مهدوی برای مقابله با دزدان دریایی استفاده کردیم. آنها بسیار کارآمد بودند.»

تحرکات بیگانگان در خلیج فارس

نیروی دریایی سپاه در مقابله با تحرکات مشکوک ناوگان‌های خارجی در خلیج فارس، از تجربیات نادر مهدوی استفاده می‌کند. روش‌های او برای نظارت، رصد، و در صورت لزوم مقابله، همچنان مرجع است.

آموزش در دانشگاه‌های افسری

امروزه در دانشگاه امام حسین (ع) و سایر مراکز آموزشی نیروهای مسلح، تجربیات و آموزه‌های نادر مهدوی تدریس می‌شود. دانشجویان این دانشگاه‌ها، کتاب‌هایی درباره او مطالعه می‌کنند و از روش‌هایش درس می‌گیرند.

سرتیپ دکتر حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)، می‌گوید: «ما هر ترم درسی درباره تاکتیک‌های شهید مهدوی داریم. دانشجویان خیلی علاقه‌مند هستند و سوالات زیادی می‌پرسند.»

تحقیقات علمی و فناوری

تجربیات نادر مهدوی الهام بخش تحقیقات علمی در حوزه فناوری‌های دریایی نیز بوده است. محققان ایرانی با مطالعه روش‌های او، فناوری‌های جدیدی توسعه داده‌اند. مثلاً سیستم‌های ناوبری پیشرفته، سامانه‌های ارتباطی مقاوم، و تجهیزات شناسایی، همگی با الهام از نیازهایی که او احساس می‌کرد، توسعه یافته‌اند.

انتقال تجربه به نیروهای مقاوم منطقه

آموزه‌های نادر مهدوی تنها در ایران استفاده نشده، بلکه به نیروهای مقاوم منطقه نیز منتقل شده است. مبارزان یمنی، لبنانی، و عراقی از تاکتیک‌های او در مقابله با نیروهای متجاوز استفاده کرده‌اند.

این انتقال تجربه، بخشی از میراث ماندگار شهید مهدوی است که نشان می‌دهد آموزه‌هایش فراتر از مرزهای ایران تاثیر گذاشته است.

میراث نادر، درس‌هایی است

که همچنان آموخته می‌شود

تا نسل‌های آینده بدانند

چگونه از آب‌های وطن محافظت کنند



فصل بیستم: وصیت موج‌ها

پیام جاودانه شهید

بر کف موج‌های خلیج فارس

پیامی نوشته شده با خون

وصیت ستاره‌ای که فرو نشست

تا هزار ستاره دیگر برآید

وصیت‌نامه شهید نادر مهدوی

به نام خدای بخشنده مهربان

ای کسانی که این نوشته را می‌خوانید، سلام و درود.

من نادر مهدوی، فرزند این سرزمین مقدس، این کلمات را در آستانه شهادت می‌نویسم. نه اینکه بدانم کی خواهم شهید شد، بلکه چون می‌دانم که هر لحظه ممکن است آخرین لحظه باشد.

در آغاز، خدا اول از همه، خدای متعال را شکر می‌کنم که مرا در خانواده‌ای مؤمن آفرید و توفیق خدمت در راهش را نصیب کرد. اگر امروز توانسته‌ام در خلیج فارس در برابر دشمنان ایران بایستم، مدیون ایمان و تربیتی هستم که در دامن خانواده کسب کردم.

پیروی از ولایت به همه شما توصیه می‌کنم که همیشه از ولایت فقیه پیروی کنید. امام خمینی (ره) راه درست را نشان داد و رهبر معظم انقلاب این راه را ادامه می‌دهند. تنها با پیروی از ولایت است که می‌توانیم استقلال و آزادی خود را حفظ کنیم.

حفظ انقلاب اسلامی انقلاب اسلامی امانتی است در دست همه ما. این انقلاب با خون شهیدان پیروز شد و باید با خون شهیدان حفظ شود. هرگز اجازه ندهید که دشمنان آن را نابود کنند. انقلاب، تنها امید مستضعفان جهان است.

دفاع از خلیج فارس، خلیج فارس جان ایران است. هرگز اجازه ندهید که بیگانگان در آن حاکم شوند. این آب‌ها از آن پدران و مادران ماست و باید آن را برای فرزندانمان حفظ کنیم. اگر کسی بخواهد به خلیج فارس تجاوز کند، با جان و دل مقاومت کنید.

ادامه راه شهداء شهیدان راهی رفته‌اند که شما باید ادامه دهید. ما رفتیم تا شما راه را بشناسید. مثل امام حسین (ع) و یارانش، ما نیز در راه خدا ایستادیم. حالا نوبت شماست که این راه را ادامه دهید.

خدمت به مردم هر جا که هستید، به مردم خدمت کنید. چه در ارتش، چه در سپاه، چه در مدرسه، چه در بیمارستان، چه در مزرعه. خدمت به مردم، خدمت به خداست. مردم امانت خدا هستند و باید از آنها مراقبت کنیم.

پیام به جوانان ای جوانان عزیز، شما آینده ایران هستید. علم بیاموزید، ایمان را قوی کنید، شجاع باشید، و از وطنتان دفاع کنید. دنیا به شما نیاز دارد تا راه حق را نشان دهید. مثل شمع باشید که خود می‌سوزد تا دیگران را روشن کند.

پیام به خانواده‌ها ای پدران و مادران، فرزندان‌تان را با ارزش‌های اسلامی تربیت کنید. آنها را یاد دهید که بیش از هر چیز، خدا و میهن را دوست داشته باشند. اگر آنها راه درست را انتخاب کنند، شما در دنیا و آخرت سرافراز خواهید بود.

وحدت و برادری همیشه متحد باشید. دشمنان می‌خواهند ما را تفرقه بیندازند. اما ما باید مثل یک مشت محکم باشیم. سنی، شیعه، فارس، ترک، عرب، کرد، همه برادر هستیم و همه فرزندان ایران.

عدالت خواهی همیشه در کنار مظلوم باشید و با ظالم مبارزه کنید. ایران باید پناهگاه مظلومان جهان باشد. ما باید الگوی عدالت برای دنیا باشیم.

محیط زیست و منابع طبیعی از طبیعت و محیط زیست مراقبت کنید. دریا، کوه، جنگل، همه اینها امانت خداست. آنها را برای نسل‌های آینده حفظ کنید.

پیام به فرماندهان ای فرماندهان، همیشه جلوتر از سربازانتان باشید. هرگز کاری از آنها نخواهید که خودتان انجام نمی‌دهید. با آنها مثل برادر رفتار کنید و آنها را با ایمان و دانش مسلح کنید.

پیام به دشمنان به دشمنان می‌گوییم ما هرگز تسلیم نخواهیم شد. اگر فکر می‌کنید با کشتن ما می‌توانید ما را شکست دهید، اشتباه می‌کنید. ما مکتبی هستیم که هرگز نابود نخواهد شد. از خون هر شهید، هزار مجاهد دیگر متولد می‌شود.

رابط میان کربلا و خلیج فارس همانطور که امام حسین (ع) در کربلا برای حفظ اسلام جان داد، ما نیز در خلیج فارس برای حفظ ایران و اسلام می‌جنگیم. هر قطره خونی که در راه حق ریخته می‌شود، بذری است برای آینده بهتر. آرزوی آخر من این است که ایران همیشه آزاد، مستقل، و سرافراز باشد. بچه‌های ایران همیشه با سر بلند راه بروند و هیچ‌کس نتواند آنها را تحقیر کند. اگر شهید شدم، گریه نکنید. بلکه شکر خدا

کنید که به فیض شهادت رسیدم. راهم را ادامه دهید و اجازه ندهید که خونم بر زمین بماند. خداوند ایران و ایرانی را حفظ کند. **نادر مهدوی**

و اینگونه ستاره‌ای که در خلیج فارس فرو نشست، به هزاران ستاره تبدیل شد. نادر مهدوی رفت، اما نامش، یادش، و راهش باقی ماند. او نشان داد که با ایمان، شجاعت، و عشق به میهن، می‌توان کوه‌ها را جابه‌جا کرد. امروز که این کتاب را می‌خوانید، یاد کنید که نادر مهدوی نه تنها یک شهید، بلکه مکتبی است برای زندگی. او درس می‌دهد که چگونه باید زیست، چگونه باید خدمت کرد، و چگونه باید برای آرمان‌ها ایستاد. خلیج فارس همچنان می‌درخشد، و در عمق آن، نور شهیدانی چون نادر مهدوی جاودان است. آنها رفتند تا ما راه را بشناسیم. حالا نوبت ماست که این راه را ادامه دهیم.

ستاره‌ای در دل خلیج فرو نشست

تا آسمان پراز ستاره شود

نادر رفت، اما نادران باقی ماند

در دل‌ها، در راه، در آرمان‌ها



MARTYR NADER MAHDAVI

CHE GUEVARA OF IRAN



NASER KAVEH

سخن آخر

یادی از هم‌زمان شهید

در این کتاب، بیشتر بر شخصیت و زندگی شهید نادر مهدوی تمرکز کردیم، اما نباید فراموش کنیم که او تنها نبود. ۱۰ نفر دیگر نیز در آن شب تاریخی به شهادت رسیدند:

- شهید بیژن گرد - معاون نادر مهدوی
- شهید نصرالله شفیعی - فرمانده دوره
- شهید مهدی محمدی‌ها - رزمنده نیروی دریایی
- شهید غلامحسین توسلی - رزمنده نیروی دریایی
- شهید خداداد آبسالان - رزمنده نیروی دریایی
- شهید مجید مبارکی - رزمنده نیروی دریایی
- و ۴ شهید دیگر که نام‌هایشان در منابع موجود ذکر نشده

هر یک از این شهیدان، ستاره‌ای بودند که در آسمان خلیج فارس فرو نشستند. آنها همگی فرزندان این سرزمین بودند که جان خود را فدای آزادی و استقلال ایران کردند.

سپاسگزاری

در پایان، از همه کسانی که در نگارش این کتاب یاری کردند، تشکر می‌کنیم:

- از خانواده محترم شهید مهدوی که خاطراتشان را در اختیار ما قرار دادند
- از هم‌زمان و فرماندهان شهید که از تجربیاتشان گفتند
- از بازماندگان آن شب تاریخی که شهادت دادند
- از همه کسانی که در حفظ یاد شهیدان تلاش می‌کنند

مرثیه‌ای برای شهید

ای نادر مهربان، ای شیر دریا

نامت در دل‌ها زنده خواهد ماند

تو که جان دادی برای آزادی

یادت تا ابد پاینده خواهد ماند

خلیج فارس غمگین است از رفتنت

اما مفتخر است به داشتنت

تو نشان دادی که مرد ایرانی

هرگز در برابر ظلم نمی شکند

ای ستاره ای که در دل دریا فرو نشست

تو همچنان می درخشی

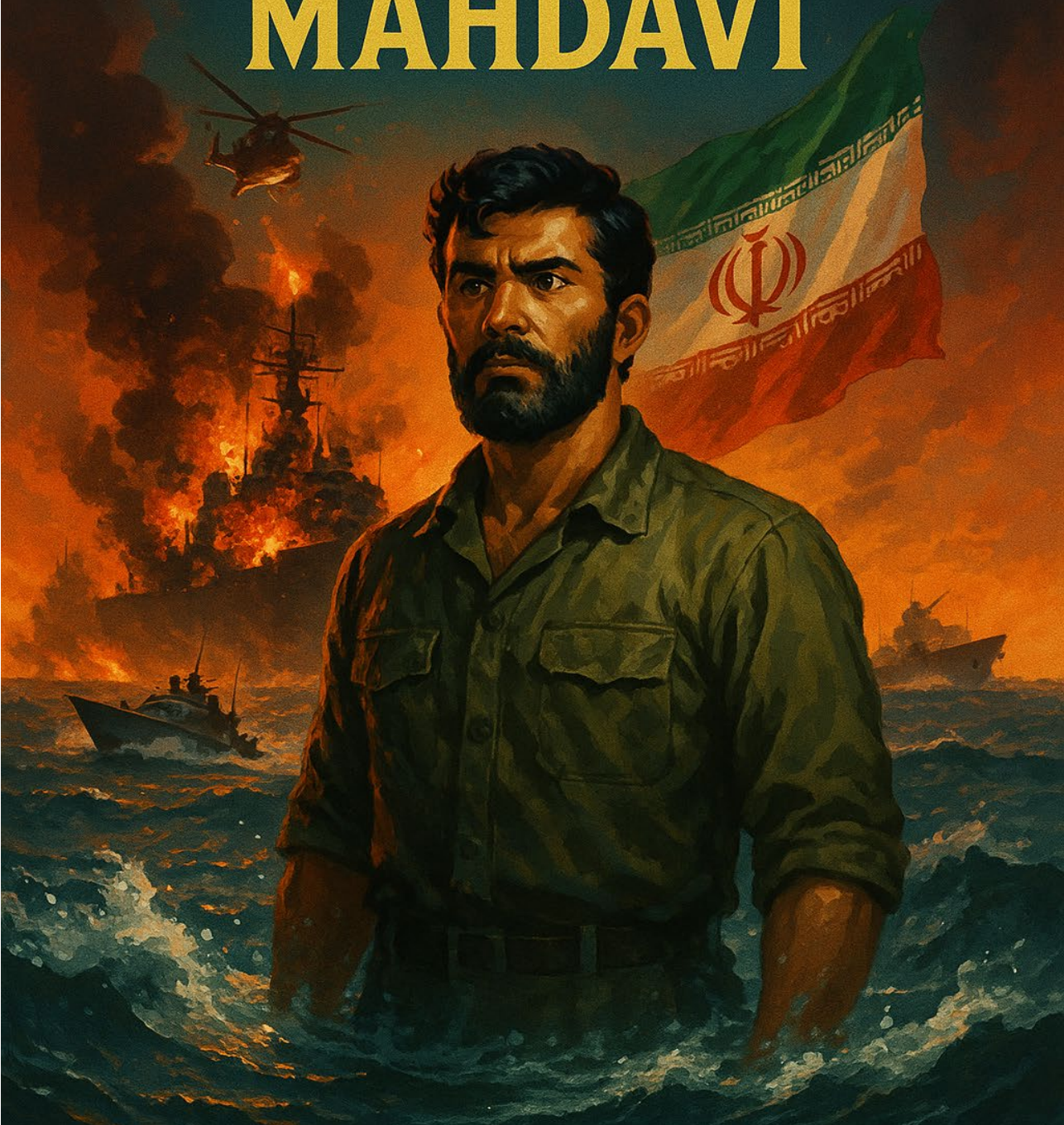
در دل ها، در خاطره ها

در راه و آرمان و آرزوها

کتاب «ابرقهرمان خلیج فارس - زندگی نامه و حماسه شهید نادر مهدوی» در اینجا به پایان می رسد. امید است که این اثر بتواند نقش کوچکی در معرفی این شهید بزرگوار و حفظ یادش داشته باشد. شهید نادر مهدوی و یارانش نشان دادند که ایران سرزمین قهرمانانی است که برای آزادی و استقلال کشورشان از هیچ فداکاری دریغ نمی کنند. آنها ثابت کردند که ایمان، شجاعت، و عشق به میهن می تواند هر قدرتی را شکست دهد. یاد و خاطره این شهیدان عزیز، تا ابد در دل های ملت ایران زنده خواهد ماند. روح شان شاد و یادشان گرامی

پایان کتاب «ابرقهرمان خلیج فارس»

HOW IRAN IS, MARTYR NADER MAHDAVI



NASER KAVEH

گاه‌شمار رویدادهای اصلی

زمان : رویداد سال 1336 (زمستان) تولد "نادر مهدوی" در بوشهر. دهه 1350 نادر مهدوی دوران نوجوانی خود را در عصر بیداری و انقلاب اسلامی سپری می‌کند. خرداد 1357 نادر مهدوی در اولین تظاهرات مردمی علیه رژیم شاه در بوشهر شرکت می‌کند و با سخنان خود مردم را به مقاومت تشویق می‌کند. سال 1357 نادر مهدوی از طریق برادر بزرگترش با آثار امام خمینی (ره) آشنا شده و در جلسات مخفی انقلابی شرکت می‌کند. سال 1357 (تاریخ نامشخص) شهادت آیت‌الله سعیدی تأثیر عمیقی بر نادر گذاشته و او را به مبارزه در راه خدا و مردم ترغیب می‌کند. 12 بهمن 1357 امام خمینی (ره) به ایران بازمی‌گردد. نادر مهدوی در بوشهر این رویداد را دنبال می‌کند و از پیروزی انقلاب اطمینان می‌یابد. 22 بهمن 1357 پیروزی نهایی انقلاب اسلامی. نادر مهدوی در بوشهر این پیروزی را جشن می‌گیرد و بر اهمیت حفاظت از دستاوردهای انقلاب تأکید می‌کند. سال 1358 (تاریخ نامشخص) نادر مهدوی تصمیم می‌گیرد به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بپیوندد و برای حفاظت از خلیج فارس اعلام آمادگی می‌کند. سال 1359 (تاریخ نامشخص) نادر مهدوی به طور رسمی وارد سپاه پاسداران شده و آموزش‌های دریایی خود را آغاز می‌کند. او با توانایی‌های رهبری خود، به سرعت فرماندهی یکی از واحدهای دریایی را بر عهده می‌گیرد. شهریور

1359 جنگ تحمیلی عراق علیه ایران آغاز می‌شود. نادر مهدوی و تیمش در خلیج فارس مستقر شده و آماده دفاع از آب‌های ایران می‌شوند. سال 1365 و 1366 خلیج فارس به میدان جنگ نفتکش‌ها و حضور ناوگان آمریکا تبدیل می‌شود. نادر مهدوی و تیمش با تاکتیک‌های نامتقارن به مقابله با دشمن می‌پردازند. ماه مه 1987 (حدود اردیبهشت 1366) حادثه کشتی استارک: یک جنگنده عراقی به اشتباه به ناو آمریکایی "یو اس اس استارک" حمله می‌کند و 37 نفر از خدمه کشته می‌شوند. آمریکا ایران را مسئول این حادثه می‌داند. سال 1366 (تاریخ نامشخص) عملیات پرآیا توسط آمریکایی‌ها برای تخریب سکوها‌های نفتی ایران آغاز می‌شود. نادر مهدوی و تیمش با قایق‌های تندرو خود به مقابله با آنها می‌پردازند. 16 مهر 1366 (صبح زود) نادر مهدوی زودتر از همیشه بیدار شده، نماز و قرآن می‌خواند و برای عملیات پیش‌رو آماده می‌شود. 16 مهر 1366 (ساعت 7 صبح) یک لنج پشتیبانی از بوشهر به سمت جزیره فارسی حرکت می‌کند. 16 مهر 1366 (ساعت 11 صبح) تیم 11 نفره عملیاتی به فرماندهی نادر مهدوی، بیژن گُرد (معاون)، و نصرالله شفیعی، با سه قایق تندرو از بوشهر حرکت می‌کند. 16 مهر 1366 (حدود ساعت 4 بعدازظهر) تیم عملیاتی به جزیره فارسی می‌رسد و توجیه نهایی و توزیع سلاح و مهمات انجام می‌شود. 16 مهر 1366 (حدود ساعت 5 بعدازظهر) هدفی در فاصله 13 تا 20 مایلی جزیره فارسی در رادار شناسایی می‌شود (احتمالاً یک کشتی گشتی

آمریکایی). 16 مهر 1366 (ساعت 7 شب) رزمندگان وضو گرفته و نماز مغرب و عشا را در قایق‌های خود اقامه می‌کنند. 16 مهر 1366 (قبل از 9:30 شب) تیم نادر در 18 مایلی غرب جزیره فارسی، نزدیک یک بویه دریایی، توقف می‌کند. 16 مهر 1366 (ساعت 9:30 شب) چند هلیکوپتر آمریکایی نزدیک می‌شوند و ناگهان آتش می‌گشایند. یکی از قایق‌های ایرانی هدف موشک قرار می‌گیرد. 16 مهر 1366 (ساعت 9:45 شب) آخرین تماس نادر مهدوی با جزیره فارسی برقرار می‌شود و وضعیت اعلام می‌گردد. پس از آن، سکوت کامل برقرار می‌شود. 16 مهر 1366 (دقیقه 90 از شروع درگیری در آب) هلیکوپترهای آمریکایی به تیراندازی به سوی رزمندگان ایرانی که در آب افتاده‌اند، ادامه می‌دهند. 16 مهر 1366 (ساعت 10:10 شب) یک انفجار شدید در جزیره فارسی مشاهده می‌شود. 16 مهر 1366 (لحظه‌ای تاریخی) یکی از رزمندگان با ذکر "یا فاطمه الزهرا (س)" موشک استینگر را به سوی هلیکوپتر دوم آمریکایی شلیک می‌کند. 16 مهر 1366 (پس از 3 ثانیه) هلیکوپتر آمریکایی در هوا منفجر شده و تکه‌های آن روی آب سقوط می‌کند. 16 مهر 1366 (ساعت 10:30 شب) درگیری با تیربار و مینی کاتیوشا ادامه می‌یابد و پس از آن، هلیکوپترهای بیشتری به منطقه می‌آیند و دو شناور دیگر ایرانی را هدف قرار می‌دهند. 16 مهر 1366 (پس از انهدام شناور نادر) شناور نادر مورد اصابت قرار گرفته و آتش می‌گیرد. نادر مهدوی و یارانش به داخل آب می‌پرند. 16 مهر 1366 (پس از درگیری) برخی از

رزمندگان ایرانی (رضا کریمی، حشمت‌الله رسولی و نفر سوم نامشخص) به اسارت نیروهای آمریکایی درمی‌آیند. 16 مهر 1366 (ادامه شب) هلیکوپترها و ناوچه‌های آمریکایی اقدام به جمع‌آوری اسرا می‌کنند. اسرا مورد ضرب و شتم و بازجویی اولیه قرار می‌گیرند. پس از چند روز اسارت نمایندگان صلیب سرخ جهانی به ملاقات اسرا آمده و خبر آزادی و انتقال آنها به عمان را می‌دهند. قبل از انتقال (صبح روز بعد از اعلام آزادی) آمریکایی‌ها از بدن مجروح اسرا عکس گرفته و آنها را به مدت یک ساعت زیر آفتاب روی ناو نگه می‌دارند. پس از 8 روز اسارت اسرا با چشمان بسته توسط هلیکوپتر و هواپیمای C-130 به فرودگاه مسقط در عمان منتقل می‌شوند. در عمان دکترهای عمانی از اسرا پذیرایی کرده و به مداوای اولیه آنها می‌پردازند. سفیر ایران نیز به ملاقات آنها می‌آید. در فرودگاه عمان نمایندگان ایرانی برای تحویل اسرا می‌آیند. اسرا به محض سوار شدن به هواپیمای ایرانی شعار "الموت لامریکا" سر می‌دهند. پس از بازگشت به ایران اسرا در فرودگاه مورد استقبال مقامات کشوری و لشکری قرار می‌گیرند. پس از شهادت‌تخبر شهادت نادر مهدوی و یارانش در سراسر ایران بازتاب گسترده‌ای پیدا کرده و مراسم تشییع باشکوهی در بوشهر برگزار می‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در وصف نادر مهدوی فرمودند: "یکی از دوستان ما که کارشناس‌ها بود، می‌گفت اگر شهید نادر مهدوی متعلق به کمونیست‌ها بود، یک چه گوارا از او درست می‌کردند، یعنی یک چهره بین‌المللی مبارز.

"فهرست شخصیت‌ها"

شخصیت‌های اصلی: شهید نادر مهدوی

بیوگرافی: ابرقهرمان خلیج فارس و چگوارای ایران. در سال 1336 در بوشهر متولد شد. از کودکی با دریا انس داشت و روحیه شجاعت و ایمان در او پرورده شد. در نوجوانی تحت تأثیر انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) قرار گرفت و به یکی از جوانان فعال انقلابی تبدیل شد. در سال 1359 به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست و به دلیل علاقه و استعدادش، نیروی دریایی را انتخاب کرد. او به سرعت به فرماندهی تیم‌های عملیاتی رسید و تاکتیک‌های نامتقارن را برای مقابله با ناوگان‌های بزرگ دشمن توسعه داد. در 16 مهر 1366، در درگیری نابرابر با هلیکوپترهای آمریکایی در خلیج فارس، با شلیک موشک استینگر یکی از هلیکوپترهای مهاجم را ساقط کرد و در نهایت به شهادت رسید. او نماد مقاومت، شجاعت، ایمان و عشق به وطن است.

شهید بیژن گرد: معاون شهید نادر مهدوی در عملیات 16 مهر 1366. او نیز در این نبرد نابرابر به شهادت رسید و از یاران نزدیک و مورد اعتماد نادر مهدوی بود. شهید نصرالله شفیعی: مسئول دوره فرماندهی (طبق یکی از منابع). او نیز از رزمندگان دلاور در عملیات 16 مهر 1366 بود که به فیض شهادت نائل آمد.

رضا کریمی: یکی از سه بازمانده عملیات 16 مهر 1366 و شاهد عینی وقایع آن شب. او پس از مجروحیت شدید در آب به اسارت آمریکایی‌ها درآمد و پس از 8 روز به همراه دو نفر دیگر آزاد شد. روایت او از جزئیات درگیری، جنایات آمریکایی‌ها و مقاومت رزمندگان بسیار ارزشمند است.

حشمت‌الله رسولی: دومین بازمانده و شاهد عینی عملیات 16 مهر 1366. او نیز پس از مجروحیت سنگین در آب به اسارت آمریکایی‌ها درآمد و روایتگر لحظات سخت درگیری و اسارت بود. پایداری او در برابر بازجویی‌های دشمن، نمادی از ایمان و وفاداری است.

امام خمینی (ره):

بیوگرافی: بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب اسلامی. نادر مهدوی از نوجوانی تحت تأثیر اندیشه‌ها و سخنان ایشان قرار گرفت و همواره پیرو خط فکری ایشان بود. جملات امام خمینی (ره) مانند "ما نترسیده‌ایم و نخواهیم ترسید" شعار زندگی نادر شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (رهبر معظم انقلاب اسلامی):

بیوگرافی: رهبر کنونی جمهوری اسلامی ایران. ایشان شهید نادر مهدوی را به دلیل شجاعت و مبارزه‌اش با آمریکا، با چه گوارا مقایسه کرده و او را یک "چهره بین‌المللی مبارز" دانستند.

مرتضی آوینی:

بیوگرافی: هنرمند و مستندساز برجسته انقلاب اسلامی. او در وصف شجاعت نادر مهدوی سخنانی گفته و او را نمادی از توکل و عشق در برابر ناوگان الکترونیکی شیطان بزرگ معرفی کرده است.

شهید مهدی محمدی:

بیوگرافی: یکی از رزمندگان نیروی دریایی سپاه و شهدای عملیات 16 مهر 1366. شهید غلامحسین توسلی:

بیوگرافی: یکی از رزمندگان نیروی دریایی سپاه و شهدای عملیات 16 مهر 1366. شهید خداداد آبسالان:

بیوگرافی: یکی از رزمندگان نیروی دریایی سپاه و شهدای عملیات 16 مهر 1366. شهید مجید مبارکی:

بیوگرافی: یکی از رزمندگان نیروی دریایی سپاه و شهدای عملیات 16 مهر 1366. پدر نادر مهدوی:

بیوگرافی: مردی متدین و پاک سیرت که نادر را با ارزش‌های اسلامی و عشق به وطن تربیت کرد و همواره مشوق راه نادر بود. مادر نادر مهدوی (خانم فاطمه مهدوی):

بیوگرافی: زنی صبور، مهربان و مؤمن که نادر را با شیرایمان و عشق به وطن پروراند. او با وجود غم از دست دادن فرزند، به شهادت نادر افتخار می‌کرد و آن را تحقق آرزوی فرزندش می‌دانست.

آقای حکیمی (معلم تاریخ نادر):

بیوگرافی: معلم تاریخ متدین و میان‌سال که در دوران نوجوانی نادر، با ظرافت خاصی تاریخ ایران را تدریس کرده و دانش‌آموزان را با افتخارات تاریخی ایران آشنا می‌کرد و بر روحیه مبارزاتی نادر تأثیر گذاشت.

سردار رحیم صفوی:

بیوگرافی: فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در مراسم تشییع نادر مهدوی سخنرانی کرد و بر نقش او در نشان دادن مقاومت ملت ایران تأکید نمود. حجت‌الاسلام رفسنجانی:

بیوگرافی: رئیس وقت مجلس شورای اسلامی که در پیامی، شهادت نادر مهدوی را پیامی به جهان دانست که ایران آماده پرداخت هر قیمتی برای استقلال خود است. سرتیپ احمدی (فرمانده یگان آموزشی نادر/فرمانده پایگاه دریایی سپاه):

بیوگرافی: یکی از فرماندهان نادر مهدوی که از همان ابتدای ورود او به سپاه، تفاوت و روحیه جهادی نادر را تشخیص داد و بعدها به جذب جوانان با الهام از شهید مهدوی اشاره کرد.

دریادار علیرضا نوری:

بیوگرافی: از فرماندهان بزرگ دریایی ایران که در کنار نادر مهدوی در ردیف بزرگان دریایی قرار گرفته و در عملیات کمان 99 به شهادت رسید.

دریادار تنگسیری:

بیوگرافی: فرمانده فعلی نیروی دریایی سپاه که تأثیر تجربیات نادر مهدوی را بر تاکتیک‌ها و توسعه قایق‌های تندرو سپاه تأیید می‌کند.

برادر مظفری:

بیوگرافی: یکی از رزمندگان مجروح در آب در عملیات 16 مهر 1366 که با وجود جراحات شدید، سایر رزمندگان را به سمت بویه دریایی هدایت می‌کرد.
سرتیپ رضایی: بیوگرافی: یکی از فرماندهان عملیات مرصاد که از تاکتیک‌های توسعه یافته توسط شهید مهدوی در آن عملیات استفاده کرد.

سناتور ادوارد کندی:

بیوگرافی: سناتور آمریکایی که پس از ساقط شدن هلیکوپتر آمریکایی، بر عدم مشروعیت عملیات نظامی آمریکا در آب‌های کشورهای دیگر بدون اجازه آنها تأکید کرد.

گذری کوتاه بر زندگی نادر مهدوی

چگوارای ایران، ابرقهرمان خلیج فارس

مقدمه

نادر مهدوی به دلیل شجاعت بی نظیر و نقش کلیدی اش در نبرد نابرابر ۱۶ مهر ۱۳۶۶ در خلیج فارس، به عنوان "ابرقهرمان خلیج فارس" و "چگوارای ایران" شناخته می شود. این مستند نه تنها روایتی از یک زندگی، بلکه آیینی است از مقاومت ملت ایران در برابر استکبار جهانی و تاکتیک های نبرد نامتقارن که به الگویی برای نسل های آینده تبدیل شده است.

خلاصه ای اجرایی

شهید نادر مهدوی، نمادی از ایمان، شجاعت، و مقاومت در تاریخ معاصر ایران است. او که در زمستان ۱۳۳۶ در بوشهر متولد شد، از همان کودکی با دریا انس گرفت و روحیه ای انقلابی اش در سایه ی تربیت خانوادگی و بیداری اسلامی شکل گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، نادر مهدوی به سپاه پاسداران پیوست و در نیروی دریایی، پیشگام توسعه ی تاکتیک های نبرد نامتقارن در خلیج فارس شد. اوج حماسه زندگی او در شب ۱۶ مهر ۱۳۶۶ رقم خورد، شبی که او و یارانش با سه قایق کوچک در برابر

ناوگان عظیم دریایی آمریکا ایستادند. در این نبرد نابرابر، با شلیک موشک استینگر از سوی رزمندگان ایرانی، یک فروند بالگرد آمریکایی ساقط شد و ۳۷ نفر از خدمه آن کشته شدند. این عملیات، نقطه‌ی عطفی در تاریخ دفاع مقدس و معادلات قدرت در منطقه بود و به دنیا نشان داد که ملت ایران هرگز در برابر ظلم سر فرود نمی‌آورد. نادر مهدوی در همین نبرد به شهادت رسید، اما میراث او در قالب آموزه‌های تاکتیکی، روحیه‌ی جهادی، و الگویی برای مقاومت، تا ابد در دل ملت ایران و نیروهای مقاومت منطقه زنده ماند.

۱. تولد و تربیت یک قهرمان (زادگاه ستاره و ساحل بلوغ):

نادر مهدوی در زمستان ۱۳۳۶ در بوشهر، شهری که با دریا پیوند خورده، متولد شد. تربیت او در خانواده‌ای مؤمن و صبور، با قصه‌های کربلا و درس‌های شجاعت از کودکی، پایه‌های شخصیت انقلابی او را ساخت. عشق او به قرآن و ادبیات فارسی، به ویژه اشعار حافظ، و ارتباط عمیقش با دریا از همان سنین پایین مشهود بود. پدرش او را به مردانگی، حفظ قول، و دفاع از حق تشویق می‌کرد، در حالی که مادرش با لالایی‌های حسینی، روح او را از ایمان سیراب می‌نمود. نادر از همان کودکی رویاهایی از ناوبری در خلیج فارس و دفاع از مرزهای آبی ایران داشت.

"پدرش، مردی متدین و پاک‌سیرت، از همان شب‌های اول، آیات قرآن کریم را در گوش فرزند نوزادش زمزمه می‌کرد. مادر نادر، زنی صبور و مهربان، شب‌ها بر بالین فرزندش می‌نشست و به جای قصه‌های پریان، داستان‌هایی از شهدای کربلا برایش می‌گفت: «نادر جانم، یاد بگیر که در این دنیا دو راه هست: راه حق و راه باطل. تو همیشه راه حق را انتخاب کن، هر چقدر هم که سخت باشد».

۲. شکل‌گیری روحیه‌ی انقلابی (نسیم انقلاب و بیداری شیر):

نوجوانی نادر مهدوی مقارن با اوج‌گیری نهضت انقلاب اسلامی بود. او تحت تأثیر معلم تاریخش، آثار امام خمینی (ره)، و شرکت در جلسات مخفی و تظاهرات، به بلوغ فکری و سیاسی رسید. شهادت دوستانش تأثیر عمیقی بر او گذاشت و او را مصمم به ادامه‌ی راه مقاومت کرد. نادر مهدوی به سرعت به یکی از جوانان پرشور انقلاب در بوشهر تبدیل شد و پس از پیروزی انقلاب، عمیقاً به مطالعه‌ی اندیشه‌های امام خمینی (ره) پرداخت و خود را آماده‌ی فداکاری برای حفظ دستاوردهای انقلاب کرد. "امام خمینی (ره) فرمودند: «ما نترسیده‌ایم و نخواهیم ترسید» نادر مهدوی و یارانش، تجلی زنده‌ی این کلام بودند. آن‌ها نشان می‌دادند که وقتی ملتی عاشق آزادی باشد، اقیانوس‌ها قابل فتح شوند و آسمان‌ها کوچک".

۳. عشق به انقلاب و انتخاب سرنوشت (عشق‌ورزی با انقلاب و انتخاب سرنوشت):
با آغاز جنگ تحمیلی و تشکیل سپاه پاسداران، نادر مهدوی با عزمی راسخ به نیروی دریایی سپاه پیوست. او با درک عمیق از اهمیت خلیج فارس برای ایران، این مسیر را برای خدمت انتخاب کرد. آموزش‌های سخت دریایی را با اشتیاق پشت سر گذاشت و به دلیل استعداد بالای رهبری و شجاعتش، به سرعت به مقام فرماندهی رسید. نادر به تربیت نیروهایش اهمیت زیادی می‌داد و روحیه‌ی "ما می‌توانیم" را در آن‌ها تقویت می‌کرد. او کاملاً آماده‌ی نبردهای بزرگ پیش رو بود و با ایمان به خدا، خود را وقف دفاع از کشور کرده بود. "نادر لبخندی زد: استاد، ما که برای خطر اومدیم".

۴. نبرد نامتقارن در خلیج فارس (جنگ کشتی‌ها و رقص تاکتیک):
با افزایش تنش‌ها در خلیج فارس و ورود مستقیم ناوگان آمریکا به بهانه‌ی "عملیات گارد جادویی"، نادر مهدوی و یارانش تاکتیک‌های نبرد نامتقارن را برای مقابله با قدرت نظامی برتر آمریکا توسعه دادند. آن‌ها با استفاده از قایق‌های کوچک و تندرو، موشک‌های کروز و عملیات شبانه، سعی در جبران نابرابری تسلیحاتی داشتند. حادثه‌ی کشتی استارک و عملیات پرآیا، بر هوشیاری نادر و یارانش در برابر تهدیدات آمریکایی افزود و آن‌ها را در آمادگی دائمی نگه داشت.

"سپاه پاسداران، برای مواجهه با ناوگان عظیم آمریکا، تاکتیک‌های نامتقارن را توسعه داد. قایق‌های کوچک و تندرو، موشک‌های کروز، و عملیات شبانه، اسلحه‌های اصلی ایران در مقابله با کشتی‌های بزرگ دشمن بودند".

۵. حماسه‌ی ۱۶ مهر ۱۳۶۶ (شب شانزدهم مهر و کربلای آبی):

اوج حماسه‌ی نادر مهدوی در شب ۱۶ مهر ۱۳۶۶ رقم خورد. او و تیم ۱۱ نفره‌اش با سه قایق کوچک در خلیج فارس مستقر شدند تا با تهدیدات آمریکایی مقابله کنند. پس از رصد اهداف کاذب و نزدیک شدن بالگردهای آمریکایی، نبردی نابرابر آغاز شد. در این درگیری، رزمندگان ایرانی با شلیک موشک استینگر و ذکر "یا فاطمه الزهرا (س)"، یک فروند بالگرد پیشرفته‌ی آمریکایی را ساقط کردند. این لحظه، نقطه‌ی عطفی بود که افسانه‌ی شکست‌ناپذیری آمریکا در منطقه را شکست و به دنیا نشان داد که ایمان و شجاعت بر تکنولوژی برتر پیروز می‌شود. نادر مهدوی و یارانش در همین نبرد به شهادت رسیدند. در آن لحظه که منطقه روشن شده بود، نادر موشک استینگر را برداشت. با ذکر «یا فاطمه الزهرا» به سوی بالگرد دوم نشانه گرفت... موشک مثل برق به سوی هدف رفت. سه ثانیه که مثل سه قرن طول کشید. سپس انفجاری که آسمان را شکافت. بالگرد آمریکایی در هوا منفجر شد".

۶. روایت بازماندگان و اسارت (روایت بازماندگان، در چنگال عقاب، روایت حشمت رسولی، ادامه‌ی اسارت):

سه تن از رزمندگان ایرانی به نام‌های رضا کریمی و حشمت‌الله رسولی از این نبرد نابرابر جان سالم به در بردند، اما به اسارت نیروهای آمریکایی درآمدند. روایت‌های دست اول آن‌ها، تصویر دردناکی از جنایات جنگی آمریکا، از جمله تیراندازی به مجروحان و غرق‌شدگان در آب و شکنجه‌های وحشیانه در ناوهای آمریکایی را به نمایش می‌گذارد. با این حال، اسیران ایرانی با پایداری در ایمان و مقاومت در برابر بازجویی‌ها، از آبروی نظام جمهوری اسلامی دفاع کردند. "در یک لحظه متوجه شدم موهای سرم در دست یک غول آمریکایی است. در حالی که نصف بدنم هنوز داخل آب بود، صحنه‌ی کربلا و همان لحظه‌ای که در گودال قتلگاه سر امام حسین (ع) را جدا کردند درنظرم شکل گرفت. آمریکایی انسان‌نما محکم سر مرا به لبه‌ی شناور کوبید که بینی‌ام شکست".

۷. بازگشت به وطن و پیام خون (بازگشت به وطن، پیام خون):

پس از هشت روز اسارت طاقت‌فرسا و با وساطت صلیب سرخ جهانی، سه اسیر ایرانی به عمان و از آنجا به وطن بازگشتند. این بازگشت، نه تنها پایان یک اسارت، بلکه شروع مأموریت جدیدی برای انتقال حقیقت آن شب خونین بود. خبر شهادت نادر

مهدوی و یارانش، غرور و افتخار ملی را در سراسر ایران برانگیخت و مردم با برگزاری مراسم باشکوه تشییع، به قهرمانان خود ادای احترام کردند. "اما یاد برادرانی که چند روز پیش در کنار هم بودیم ولی حالا از ما جدا شده و به ملاقات خدا شتافته بودند، متأثرمان می‌ساخت".

۸. میراث و تحلیل استراتژیک (تحلیل استراتژیک عملیات، واکنش‌های جهانی، نادر در خاطرات هم‌زمان، مادر قهرمان، جایگاه نادر در تاریخ دفاع مقدس، الهام‌بخش برای نسل‌ها، میراث دریایی و نظامی، وصیت موج):

عملیات ۱۶ مهر ۱۳۶۶، از منظر تاکتیکی و استراتژیک دارای آموزه‌های فراوانی بود. این عملیات، الگویی برای نبردهای نامتقارن آینده شد و ثابت کرد که ایمان، شجاعت، و آشنایی با محیط، می‌تواند بر تفوق تکنولوژیک دشمن پیروز شود. ساقط کردن بالغرد آمریکایی، افسانه‌ی شکست‌ناپذیری آمریکا را شکست و به جهان نشان داد که ایران قادر به دفاع از منافع خود است. نادر مهدوی در خاطرات هم‌زمانش به عنوان فرماندهی شجاع، معلمی دلسوز، و انسانی با ایمان عمیق توصیف شده است. مادر نادر مهدوی نیز به عنوان نمادی از صبر و استقامت، الگویی برای مادران شهداست. میراث نادر مهدوی در دکترین دفاع دریایی ایران، آموزش نیروهای مسلح، و الهام‌بخشی به نسل‌های جوان، همچنان جاری است.

وصیت‌نامه‌ی او، پیامی جاودانه از ضرورت پیروی از ولایت فقیه، حفظ انقلاب، دفاع از خلیج فارس، و خدمت به مردم است. "یکی از روزنامه‌نگاران وقت نوشت: «نادر مهدوی نشان داد که آمریکا در خلیج فارس آسیب‌پذیر است. او ثابت کرد که ایمان و شجاعت، مهم‌تر از تجهیزات پیشرفته است.»" رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در وصف شهید مهدوی فرمودند: «یکی از دوستان ما که کارشناس چهره‌ها بود، می‌گفت اگر شهید نادر مهدوی متعلق به کمونیست‌ها بود، یعنی یک چه‌گوارا از او درست می‌کردند، یعنی یک چهره‌ی بین‌المللی مبارز».

مهمترین حقایق نبرد در دریا با آمریکا و متحدینش

۱۶ مهر ۱۳۶۶: تاریخ عملیات نابرابر در خلیج فارس که منجر به ساقط شدن بالگرد آمریکایی و شهادت نادر مهدوی و یارانش شد.

«چگوارای ایران» و «ابرقهرمان خلیج فارس»:

القاب نادر مهدوی به دلیل شجاعت و مبارزه‌ی بین‌المللی او.

ساقط شدن بالگرد AH-1 کبرا؛ نخستین بار که ایران توانست با موشک استینگر، یک بالگرد پیشرفته‌ی آمریکایی را سرنگون کند. این واقعه ضربه‌ی بزرگی به اعتبار نظامی آمریکا در منطقه وارد کرد.

نبرد نامتقارن: نادر مهدوی پیشگام توسعه و اجرای تاکتیک‌های نبرد نامتقارن با استفاده از قایق‌های کوچک تندرو در برابر ناوگان عظیم آمریکایی بود.

نقض قوانین جنگی: روایت بازماندگان نشان می‌دهد که نیروهای آمریکایی به مجروحان و غرق‌شدگان ایرانی تیراندازی کرده و در دوران اسارت، با شکنجه و خشونت با اسیران برخورد کرده‌اند.

مقاومت در اسارت: اسیران ایرانی با وجود جراحات و شکنجه‌ها، در برابر بازجویی‌ها مقاومت کرده و اطلاعات نظامی را فاش نکردند.

وصیت‌نامه‌ی نادر مهدوی: شامل پیام‌هایی در مورد پیروی از ولایت فقیه، حفظ انقلاب، دفاع از خلیج فارس، خدمت به مردم، وحدت و برادری، عدالت‌خواهی، حفظ محیط زیست، و آمادگی برای شهادت است.

میراث ماندگار: شهادت نادر مهدوی به تقویت روحیه‌ی ملی، الهام‌بخشی به نیروهای مسلح، توسعه‌ی دکترین دفاع دریایی ایران، و تربیت نسل‌های آینده‌ی مدافعان کشور کمک کرد.

«ما نترسیده‌ایم و نخواهیم ترسید.»:

این کلام امام خمینی (ره)، شعار زندگی و عمل نادر مهدوی و یارانش بود.

ذکر «یا فاطمه الزهرا (س)»: کلمه‌ای که در لحظه‌ی شلیک موشک استینگر و در لحظات سخت نبرد و شهادت بر زبان رزمندگان ایرانی جاری بود.

ابرقهرمان خلیج فارس: راهنمای درک مطالب

مطالعه و راهنمای درک مطالب:

"ابرقهرمان خلیج فارس"

این راهنما به منظور تسهیل درک عمیق‌تر و مرور جامع مطالب ارائه شده در کتاب "ابرقهرمان خلیج فارس: زندگی‌نامه و حماسه شهید نادر مهدوی" اثر ناصر کاوه، طراحی شده است.

این کتاب به بررسی زندگی، فعالیت‌ها، و شهادت شهید نادر مهدوی و یارانش در نبرد تاریخی ۱۶ مهر ۱۳۶۶ در خلیج فارس می‌پردازد.

Martyr Nader Mehdi, Che Guevara of Iran



رهبر انقلاب در دیدار اعضای ستاد کنگره‌ی
بزرگداشت دوهزار شهید استان بوشهر تاکید کردند:

شهید نادر مهدوی
می‌تواند یک چهره مبارز
بین‌المللی شود

همین شهید نادر مهدوی، کسی از دوستان ماکه وارد در این موضوعات است می‌گفت اگر ایشان متعلق به کمونیست‌ها بود، یک چک‌وازا از او درست می‌کردند؛ یعنی ایک (چهره‌ی بین‌المللی مبارز). این جوان کم سال یک چهره‌ی این جوری دارد، حضورش در منطقه‌ی خلیج فارس، آن درگیری‌اش با آمریکایی‌ها، بعد هم دستگیری و شکنجه و شهادتش؛ یعنی یک شخصیت‌های این جوری ای در بوشهر هستند.

عبدالله
مهرکتاب‌نویس
۱۳۹۰، دی ۱۲

Naser Kaveh

بخش اول: زندگی‌نامه و شکل‌گیری شخصیت شهید نادر مهدوی

1. کودکی و خانواده:

- محیط معنوی: تأثیر خانواده مذهبی و پرورش در فضایی سرشار از قرآن و ذکر.
- عشق به دریا: ریشه‌های علاقه نادر به دریا و حس مسئولیت‌پذیری او نسبت به آن.
- درس‌های اخلاقی: تأثیر پدر و مادر بر شکل‌گیری شخصیت شجاع، متدین و مهربان نادر.
- بازی‌های کودکانه: بازی‌هایی با مضامین جهادی و دفاع از مظلومان.
- عشق به قرآن و ادبیات: آشنایی زودهنگام با قرآن و حفظ اشعار حافظ و سعدی.
- اولین درس‌های شجاعت: نمونه‌هایی از شجاعت نادر در کودکی، مانند نجات کودک غرق شده.

1. نوجوانی و ورود به انقلاب:

- سیاهچال خفقان: شرایط دوران پهلوی و فضای سرکوب در مدارس.

- تأثیر معلم تاریخ و آثار امام خمینی (ره): آشنایی با تاریخ ایران و اندیشه‌های انقلابی.
- شرکت در جلسات مخفی و تظاهرات: اولین تجربه‌های مبارزه و آشنایی با ظلم رژیم.
- تأثیر شهادت آیت‌الله سعیدی: درک عمیق‌تر از مفهوم شهادت و فداکاری.
- شکل‌گیری گروه دوستان انقلابی: سازماندهی فعالیت‌های انقلابی در بوشهر.
- نقش محرم و عاشورا: الهام گرفتن از قیام امام حسین (ع) برای شجاعت و ایستادگی.

1. شرکت در انقلاب اسلامی و پیروزی:

- روزهای خروش انقلابی: فعالیت‌های نادر در تظاهرات و راهپیمایی‌ها.
- شب‌های "الله اکبر" تهران: مشارکت در ندای "الله اکبر" از پشت بام‌ها.
- فرار شاه و بازگشت امام (ره): حضور در لحظات تاریخی پیروزی انقلاب.
- شب کودتا و مقاومت: نقش نادر در مقابله با کودتای نافرجام.
- شکل‌گیری آرمان‌های انقلابی: تعمیق بینش سیاسی و اجتماعی نادر پس از انقلاب.

- تأثیر شخصیت امام (ره) بر نادر، الگوبرداری از شجاعت، ایستادگی و عدالت امام.

1. ورود به نیروی دریایی سپاه:

- تصمیم تاریخی: انتخاب سپاه پاسداران و نیروی دریایی برای خدمت به انقلاب.
- اولین روزهای سپاه: نمایش توانمندی‌ها و روحیه انقلابی در دوره‌های آموزشی.
- علاقه به نیروی دریایی: انتخاب دریایی به دلیل عشق به خلیج فارس و احساس مسئولیت.
- آموزش‌های تخصصی: گذراندن دوره‌های سخت و کسب مهارت‌های ناوبری و رزمی.
- شروع جنگ تحمیلی: آمادگی نادر و تیمش برای دفاع از آب‌های ایران.

بخش دوم: حماسه ۱۶ مهر ۱۳۶۶ و پیامدهای آن

1. رقص تاکتیک‌ها در خلیج فارس (مقدمات نبرد):

- جنگ نفتکش‌ها: نقش نادر و تیمش در حفاظت از نفتکش‌های ایرانی.
- تاکتیک‌های نامتقارن: توسعه روش‌های مقابله با نیروی دریایی عظیم دشمن.
- ورود آمریکا به صحنه: اعزام ناوگان آمریکا به خلیج فارس (عملیات گارد جادویی).
- حادثه کشتی استارک: افزایش تنش‌ها و درک نادر از ماهیت دشمنی آمریکا.
- عملیات پرآیا: مشارکت نادر در عملیات‌های مهم علیه سکوها‌های نفتی.
- آمادگی دائمی و روحیه معنوی: حفظ آمادگی رزمی و ارتباط با خدا در شرایط سخت.

1. شب ۱۶ مهر: کربلای آبی:

- صبح عملیات و تیم ۱۱ نفره: آمادگی برای نبردی سرنوشت‌ساز.
- سفر به جزیره فارسی: حرکت به سوی پایگاه عملیاتی.
- رصد هدف و توقف در بویه: شناسایی دشمن و انتخاب موقعیت تاکتیکی.
- شروع درگیری نابرابر: حمله هلیکوپترهای آمریکایی به قایق‌های ایرانی.
- لحظه تاریخی شلیک موشک استینگر: ساقط کردن هلیکوپتر آمریکایی و اوج حماسه.

- ادامه درگیری و شهادت یاران: نبرد نابرابر و از دست دادن شهدا.

1. روایت بازماندگان (رضا کریمی و حشمت‌الله رسولی):

- جزئیات درگیری: توصیف لحظه به لحظه نبرد و حمله غافلگیرانه آمریکا.
- جراحات و نبرد با موج‌ها: مجروحیت‌های شدید در آب و تلاش برای بقا.
- شکار انسان در آب: تیراندازی بی‌رحمانه آمریکایی‌ها به زخمی‌ها و غرق‌شدگان.

- ذکر خدا در لحظات مرگ: پایداری ایمان در سخت‌ترین شرایط.
- لحظه دستگیری و خشونت وحشیانه: بازداشت اسرا و ضرب و شتم شدید.
- اسارت و مقاومت در برابر شکنجه: پایداری بر عقاید در برابر بازجویی و فشار.

1. بازگشت به وطن:

- نقش صلیب سرخ و عمان: واسطه‌گری برای آزادی اسرا.
- انتقال به عمان و درمان اولیه: رسیدگی پزشکی و مهربانی عمانی‌ها.
- بازگشت به آغوش میهن: استقبال از اسرا در فرودگاه و فریاد "مرگ بر آمریکا".

- یاد شهدا: غم از دست دادن یاران در کنار شادی بازگشت.

بخش سوم: میراث و جایگاه شهید نادر مهدوی

1. تحلیل استراتژیک عملیات ۱۶ مهر:

- نابرابری نیروها: مقایسه توان نظامی ایران و آمریکا در نبرد.
- عوامل قوت ایرانیان: ایمان، شجاعت، آشنایی با منطقه و تاکتیک‌های نامتقارن.
- نقاط ضعف آمریکایی‌ها: دست کم گرفتن دشمن، عدم آشنایی با فرهنگ شهادت، وابستگی به تکنولوژی.
- اهمیت شلیک موشک استینگر: شکستن افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا و اثبات کارایی تسلیحات ایرانی.
- تأثیر بر دکترین دفاعی ایران: توسعه قایق‌های تندرو و تاکتیک‌های ازدحامی.

1. واکنش‌های جهانی و بازتاب در رسانه‌ها:

- واکنش رسانه‌های آمریکایی، اروپایی و عربی: پوشش خبری متنوع حادثه.
- تأیید پنتاگون و واکنش کنگره آمریکا: مجبور شدن به پذیرش واقعیت و بحث در مورد استراتژی آمریکا.

- واکنش کشورهای اسلامی و بلوک شرق :ستایش مقاومت ایران و محکومیت تجاوز آمریکا.

- پیام جهانی عملیات :ایران تسلیم ناپذیر است و قادر به دفاع از منافع خود.

1. نادر در خاطرات همرزمان:

- شجاعت، مهربانی و ایمان :توصیف ابعاد مختلف شخصیت نادر از زبان یارانش.

- معلم و مربی :نقش نادر در تربیت نیروهای انسانی و انتقال ارزش ها.

- حس مسئولیت و دلسوزی :توجه به خانواده همرزمان و آینده ایران.

- استاد تاکتیک و محبت به طبیعت :مهارت های نظامی و علاقه به محیط زیست.

- پیش بینی شهادت و الهام بخش بودن :آمادگی نادر برای شهادت و تأثیر او بر دیگران.

1. پیام خون و بازتاب شهادت نادر در ایران:

- واکنش اولیه مردم و مراسم تشییع باشکوه :غم و افتخار ملی.
- حضور مسئولان و نقل سخنان رهبر معظم انقلاب :تجلیل از جایگاه شهید.

- انعکاس در اشعار، هنر، دانشگاه‌ها و مدارس: ماندگاری یاد شهید در فرهنگ عمومی.

- الهام برای نسل‌های آینده: تقویت روحیه ملی و جذب جوانان به خدمت.
- مادر قهرمان: صبر، استقامت و نقش خانواده در تربیت شهید.

1. میراث دریایی و نظامی و الهام‌بخشی برای نسل‌ها:

- پایه‌گذاری تاکتیک‌های نامتقارن: توسعه استفاده از قایق‌های تندرو.
- ابتکارات لجستیکی و آموزش نیروی انسانی: نقش نادر در بهبود توانمندی‌های سپاه.
- ایجاد روحیه "ما می‌توانیم": تقویت اعتماد به نفس در نیروهای ایرانی.
- تأثیر بر عملیات‌های بعدی و آمادگی در برابر تهدیدات جدید: کاربرد آموزه‌های نادر در مقابله با دزدان دریایی و تحرکات بیگانگان.
- آموزش در دانشگاه‌ها و تحقیقات علمی: ماندگاری میراث نادر در مباحث نظامی.
- الهام برای نیروهای مقاومت منطقه: الگوی مبارزه برای آزادی‌خواهان.

1. وصیت موج (پیام جاودانه شهید):

- شکرگزاری و پیروی از ولایت فقیه: پابندی به اصول دینی و انقلابی.
- حفظ انقلاب اسلامی و دفاع از خلیج فارس: مسئولیت‌پذیری در قبال آرمان‌ها.
- خدمت به مردم و پیام به جوانان و خانواده‌ها: توصیه‌های اخلاقی و اجتماعی.
- وحدت، عدالت‌خواهی و حفظ محیط زیست: اصول راهبردی برای جامعه.
- پیام به فرماندهان و دشمنان: ایستادگی در برابر ظلم و عدم تسلیم.
- ربط میان کربلا و خلیج فارس: پیوند شهادت با آرمان‌های عاشورا.
- آرزوی آخر و میراث ماندگار: آزادی ایران و تداوم راه شهدا.



تست درک مطالب: "ابرقهرمان خلیج فارس"

10 سوال کوتاه پاسخ (2-3 جمله)

1. نقش محیط خانوادگی نادر مهدوی در شکل‌گیری شخصیت او چگونه بود؟

محیط خانوادگی نادر، سرشار از ارزش‌های اصیل اسلامی بود. پدرش او را به صداقت، کمک به ضعیفان و دفاع از حق تشویق می‌کرد، در حالی که مادرش او را با ایمان و صبر پرورش داد و اهمیت ارتباط با خدا را به او آموخت. این تربیت معنوی، پایه‌های شخصیت شجاع و متدین نادر را بنا نهاد.

2. چرا نادر مهدوی به نیروی دریایی سپاه پاسداران پیوست و چه انگیزه‌ای او

را به این سمت کشاند؟ نادر مهدوی به دلیل عشق عمیقش به خلیج فارس و احساس مسئولیت برای دفاع از آن، نیروی دریایی سپاه را انتخاب کرد. او خلیج فارس را "جان ایران" می‌دانست و معتقد بود که وظیفه او محافظت از آب‌های وطن است تا بیگانگان نتوانند به آن آسیب برسانند.

3. حادثه کشتی استارک چه تأثیری بر دیدگاه نادر مهدوی نسبت به دشمنی

آمریکا داشت؟ حادثه کشتی استارک، که در آن یک جنگنده عراقی به اشتباه به ناو آمریکایی حمله کرد و تلفات به بار آورد، درک نادر را از ماهیت دشمنی آمریکا عمیق‌تر کرد. او این حادثه را نشانه‌ای از این می‌دانست که

آمریکایی‌ها در خلیج فارس "غریبه" هستند و آمادگی خود را برای مقابله با هر بهانه‌ای از سوی آن‌ها افزایش داد.

4. شلیک موشک استینگر توسط رزمندگان ایرانی در شب ۱۶ مهر ۱۳۶۶ چه

اهمیت استراتژیکی داشت؟ شلیک موشک استینگر که منجر به ساقط شدن هلیکوپتر آمریکایی شد، افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا در منطقه را شکست. این اقدام نشان داد که نیروهای ایرانی با تسلیحات نسبتاً ساده و تاکتیک‌های نامتقارن، قادر به ضربه زدن به تجهیزات پیشرفته دشمن هستند و آمریکا در خلیج فارس آسیب‌پذیر است.

5. واکنش‌های رسانه‌های جهانی به ساقط شدن هلیکوپتر آمریکایی چگونه

بود و چه پیامی به جهان مخابره کرد؟ رسانه‌های آمریکایی ابتدا سعی در کم‌اهمیت جلوه دادن حادثه داشتند، اما بعداً مجبور به تأیید واقعیت شدند. رسانه‌های اروپایی رویکرد متعادلی داشتند و کشورهای اسلامی و بلوک شرق نیز از مقاومت ایران ستایش کردند. این حادثه پیامی روشن به جهان داد که ایران حاضر به نقض حاکمیت خود نیست و قادر به مقابله با قدرت‌های بزرگ است.

6. "تاکتیک‌های نامتقارن" که نادر مهدوی در نیروی دریایی سپاه توسعه داد،

شامل چه اصولی بود؟ تاکتیک‌های نامتقارن نادر مهدوی شامل استفاده از

سرعت و چابکی قایق‌های کوچک، حملات ناگهانی و خروج سریع، استفاده از پناهگاه‌های طبیعی مانند جزایر، و هماهنگی کامل بین اعضای تیم بود. او معتقد بود که با شجاعت و ایمان، می‌توان نابرابری تسلیحاتی را جبران کرد.

7. نقش مادر نادر مهدوی در تربیت او و واکنش او به خبر شهادت فرزندش

چگونه بود؟ مادر نادر مهدوی، زنی مؤمن و صبور، او را با ارزش‌های اسلامی و عشق به میهن تربیت کرد. او از کودکی حس می‌کرد که نادر برای کار بزرگی آفریده شده است. پس از شنیدن خبر شهادت، با وجود غم از دست دادن فرزند، احساس افتخار کرد و شهادت نادر را تحقق آرزوی قلبی او و نشانه‌ای از پایداری ملت ایران دانست.

8. چگونه شهادت نادر مهدوی بر روحیه ملی ایران و جذب جوانان به نیروهای

مسلح تأثیر گذاشت؟ شهادت نادر مهدوی تأثیری عمیق بر روحیه ملی گذاشت و اعتماد به نفس ملی را تقویت کرد. او به الگوی شجاعت و فداکاری برای جوانان تبدیل شد و بسیاری با الهام از او به سپاه پاسداران، به ویژه نیروی دریایی، پیوستند تا راه او را ادامه دهند. یادمان‌ها و جشنواره‌های متعددی نیز به افتخار او برگزار شد.

9. شهید نادر مهدوی چه نقشی در تدوین "دکترین دفاع دریایی ایران" ایفا

کرد؟ عملیات ۱۶ مهر و تجربیات نادر مهدوی نقطه عطفی در تدوین دکترین دفاع دریایی ایران بود. او یکی از پیشگامان استفاده از تاکتیک‌های نامتقارن و توسعه قایق‌های تندرو بود. این عملیات نشان داد که ایران قادر به مقابله با ناوگان‌های پیشرفته است و خلیج فارس "حیات خلوت" ایران محسوب می‌شود.

10. مهم‌ترین پیام وصیت‌نامه شهید نادر مهدوی به نسل‌های آینده چه بود؟

مهم‌ترین پیام وصیت‌نامه نادر مهدوی به نسل‌های آینده، لزوم پیروی از ولایت فقیه، حفظ انقلاب اسلامی، دفاع از خلیج فارس و ادامه راه شهدا است. او تأکید کرد که خدمت به مردم، وحدت و برادری، عدالت‌خواهی، و حفظ محیط زیست از اصول حیاتی برای ساختن ایرانی آزاد، مستقل و سرافراز است.

پاسخنامه تست درک مطالب: "ابرقهرمان خلیج فارس"

1. پاسخ: محیط خانوادگی نادر، سرشار از ارزش‌های اصیل اسلامی بود. پدرش او را به صداقت، کمک به ضعیفان و دفاع از حق تشویق می‌کرد، در حالی که مادرش با ایمان و صبر، اهمیت ارتباط با خدا را به او آموخت. این تربیت معنوی، پایه‌های شخصیت شجاع و متدین نادر را بنا نهاد.
2. پاسخ: نادر مهدوی به دلیل عشق عمیقش به خلیج فارس و احساس مسئولیت برای دفاع از آن، نیروی دریایی سپاه را انتخاب کرد. او خلیج فارس را "جان ایران" می‌دانست و معتقد بود که وظیفه او محافظت از آب‌های وطن است تا بیگانگان نتوانند به آن آسیب برسانند.
3. پاسخ: حادثه کشتی استارک، که در آن یک جنگنده عراقی به اشتباه به ناو آمریکایی حمله کرد، درک نادر را از ماهیت دشمنی آمریکا عمیق‌تر کرد. او این حادثه را نشانه‌ای از این می‌دانست که آمریکایی‌ها در خلیج فارس "غریبه" هستند و آمادگی خود را برای مقابله با هر بهانه‌ای از سوی آن‌ها افزایش داد.
4. پاسخ: شلیک موشک استینگر که منجر به ساقط شدن هلیکوپتر آمریکایی شد، افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا در منطقه را شکست. این اقدام نشان

داد که نیروهای ایرانی با تسلیحات نسبتاً ساده و تاکتیک‌های نامتقارن، قادر به ضربه زدن به تجهیزات پیشرفته دشمن هستند.

5. پاسخ: رسانه‌های آمریکایی ابتدا سعی در کم‌اهمیت جلوه دادن حادثه داشتند، اما بعداً مجبور به تأیید واقعیت شدند. رسانه‌های اروپایی رویکرد متعادلی داشتند و کشورهای اسلامی و بلوک شرق نیز از مقاومت ایران ستایش کردند. این حادثه پیامی روشن به جهان داد که ایران حاضر به نقض حاکمیت خود نیست و قادر به مقابله با قدرت‌های بزرگ است.

6. پاسخ: تاکتیک‌های نامتقارن نادر مهدوی شامل استفاده از سرعت و چابکی قایق‌های کوچک، حملات ناگهانی و خروج سریع، استفاده از پناهگاه‌های طبیعی مانند جزایر، و هماهنگی کامل بین اعضای تیم بود. او معتقد بود که با شجاعت و ایمان، می‌توان نابرابری تسلیحاتی را جبران کرد.

7. پاسخ: مادر نادر مهدوی، زنی مؤمن و صبور، او را با ارزش‌های اسلامی و عشق به میهن تربیت کرد. پس از شنیدن خبر شهادت، با وجود غم از دست دادن فرزند، احساس افتخار کرد و شهادت نادر را تحقق آرزوی قلبی او و نشانه‌ای از پایداری ملت ایران دانست.

8. پاسخ: شهادت نادر مهدوی تأثیری عمیق بر روحیه ملی گذاشت و اعتماد به نفس ملی را تقویت کرد. او به الگوی شجاعت و فداکاری برای جوانان تبدیل

شد و بسیاری با الهام از او به سپاه پاسداران، به ویژه نیروی دریایی، پیوستند.

9. پاسخ: عملیات ۱۶ مهر و تجربیات نادر مهدوی نقطه عطفی در تدوین دکترین دفاع دریایی ایران بود. او یکی از پیشگامان استفاده از تاکتیک‌های نامتقارن و توسعه قایق‌های تندرو بود و نشان داد که ایران قادر به مقابله با ناوگان‌های پیشرفته است.

10. پاسخ: مهم‌ترین پیام وصیت‌نامه نادر مهدوی به نسل‌های آینده، لزوم پیروی از ولایت فقیه، حفظ انقلاب اسلامی، دفاع از خلیج فارس و ادامه راه شهدا است. او تأکید کرد که خدمت به مردم، وحدت، عدالت‌خواهی و حفظ محیط زیست از اصول حیاتی برای ایران است.



سوالات تحلیلی به سبک مقاله (بدون پاسخ)

1. شهید نادر مهدوی در منابع، به "چگوارای ایران" و "ابرق هرمان خلیج فارس" ملقب شده است. با توجه به محتوای کتاب، این القاب چه جنبه‌هایی از شخصیت و عملکرد او را منعکس می‌کنند و تا چه حد می‌توانند مقایسه‌ای مناسب باشند؟
2. عملیات ۱۶ مهر ۱۳۶۶ در خلیج فارس، از نظر نظامی و روانی، چه تأثیرات بلندمدتی بر استراتژی آمریکا در منطقه و دکترین دفاعی ایران گذاشت؟ نقش "ایمان" و "شجاعت" رزمندگان ایرانی در برابر "تکنولوژی" برتر آمریکایی‌ها را تحلیل کنید.
3. روایت بازماندگان از جمله رضا کریمی و حشمت‌الله رسولی، چه ابعادی از جنایات جنگی آمریکایی‌ها و همچنین پایداری و معنویت رزمندگان ایرانی را آشکار می‌کند؟ چگونه این روایت‌ها به عنوان "سند تاریخی" از آن شب خونین عمل می‌کنند؟
4. میراث شهید نادر مهدوی فراتر از یک واقعه نظامی است و ابعاد فرهنگی، اجتماعی و الهام‌بخش دارد. چگونه شهادت او بر نسل‌های بعدی،

هنرمندان، نویسندگان، و حتی مدیران آینده ایران تأثیر گذاشته و در فرهنگ عمومی ماندگار شده است؟

5. وصیت‌نامه شهید نادر مهدوی، خلاصه‌ای از آرمان‌ها و تفکرات اوست. این وصیت‌نامه چگونه می‌تواند به عنوان یک منشور راهبردی برای حفظ انقلاب، دفاع از وطن، و تربیت نسل‌های آینده عمل کند؟ ارتباط مفاهیمی چون "ولایت فقیه"، "خدمت به مردم"، و "عدالت‌خواهی" را در آن تبیین کنید.



واژه‌نامه کلیدی

- **شهید نادر مهدوی:** فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۶۶ در نبردی نابرابر با ناوگان آمریکایی در خلیج فارس به شهادت رسید. او نماد مقاومت و شجاعت در برابر استکبار است.
- **۱۶ مهر ۱۳۶۶:** تاریخ نبرد تاریخی در خلیج فارس که در آن قایق‌های تندرو ایرانی به فرماندهی شهید نادر مهدوی با هلیکوپترها و ناوگان آمریکایی درگیر شدند و یک فروند هلیکوپتر آمریکایی را سرنگون کردند.
- **خلیج فارس:** منطقه‌ای استراتژیک که در این کتاب به عنوان "جان ایران" و محل نبرد اراده‌ها و تاکتیک‌ها معرفی شده است.
- **چگوارای ایران / ابرقهرمان خلیج فارس:** القابی که به شهید نادر مهدوی داده شده و نشان‌دهنده شخصیت مبارز و تأثیرگذار او در سطح ملی و بین‌المللی است.
- **امام خمینی (ره):** بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که اندیشه‌ها و رهبری او الهام‌بخش نادر مهدوی و یارانش بود.
- **ولایت فقیه:** اصلی در نظام جمهوری اسلامی که بر پیروی از رهبر و ولی فقیه تأکید دارد و در وصیت‌نامه شهید مهدوی نیز به آن اشاره شده است.

- **سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:** نیروی نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران که نادر مهدوی عضو و از فرماندهان فعال آن در نیروی دریایی بود.
- **نیروی دریایی سپاه:** بخشی از سپاه پاسداران که وظیفه حفاظت از آب‌های سرزمینی ایران در خلیج فارس را بر عهده دارد و در توسعه تاکتیک‌های نامتقارن نقش کلیدی ایفا کرده است.
- **تاکتیک‌های نامتقارن:** روش‌های رزمی که توسط نیروهای ایرانی برای مقابله با توان نظامی برتر دشمن، با استفاده از قایق‌های تندرو، غافلگیری، و حمله و فرار توسعه یافته‌اند.
- **موشک استینگر:** نوعی موشک دوش‌پرتاب سطح‌به‌هوا که توسط رزمندگان ایرانی در نبرد ۱۶ مهر برای سرنگونی هلیکوپتر آمریکایی استفاده شد.
- **هلیکوپتر آمریکایی (AH-1 Cobra):** هلیکوپتری جنگی که در نبرد ۱۶ مهر توسط نیروهای ایرانی سرنگون شد.
- **ناوگان آمریکایی / شیطان بزرگ:** اشاره به حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و تجاوزگری‌های آن.

- **عملیات گارد جادویی:** نام عملیاتی که آمریکا برای اعزام ناوگان خود به خلیج فارس با هدف محافظت از کشتی‌های کویتی و فشار بر ایران، به کار برد.
- **کشتی استارک:** ناو جنگی آمریکایی که در ماه مه ۱۹۸۷ به اشتباه توسط جنگنده عراقی مورد حمله قرار گرفت و تلفات جانی داشت؛ حادثه‌ای که تنش‌ها در خلیج فارس را تشدید کرد.
- **عملیات پرآیا:** یکی از عملیات‌های مهمی که نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس برای مقابله با حملات به سکوها‌ی نفتی ایران انجام داد.
- **جزیره فارسی:** یکی از پایگاه‌های مهم عملیاتی ایران در خلیج فارس.
- **بویه:** نشانگر موقعیت جغرافیایی در دریا که در عملیات ۱۶ مهر برای ناوبری استفاده شد.
- **رضا کریمی و حشمت‌الله رسولی:** دو تن از بازماندگان نبرد ۱۶ مهر ۱۳۶۶ که به اسارت نیروهای آمریکایی درآمدند و پس از ۸ روز آزاد شدند. روایت‌های آن‌ها از جزئیات درگیری و اسارت در کتاب آمده است.
- **کربلای آبی:** عبارتی که برای توصیف نبرد ۱۶ مهر ۱۳۶۶ در خلیج فارس به کار رفته و آن را به قیام امام حسین (ع) در کربلا تشبیه می‌کند؛ نمادی از نبرد حق علیه باطل و شهادت‌طلبی.

- **وصیت موج:** عنوان فصلی از کتاب که به وصیت‌نامه تخیلی شهید نادر مهدوی و پیام جاودانه او به نسل‌های آینده می‌پردازد.
- **روحیه "ما می‌توانیم":** روحیه‌ای از اعتماد به نفس و خودباوری که توسط شهید مهدوی و یارانش در نیروی دریایی سپاه ایجاد شد و نشان داد که ایران قادر است در برابر هر دشمنی بایستد.
- **دکترین دفاعی ایران:** اصول و راهبردهای نظامی ایران برای دفاع از منافع و امنیت ملی، به ویژه در حوزه دریایی.
- **صلیب سرخ جهانی:** سازمانی بین‌المللی که در ماجرای اسارت رزمندگان ایرانی، نقش واسطه را برای آزادی آن‌ها ایفا کرد.
- **عمان:** کشوری که پس از آزادی اسرا از سوی آمریکایی‌ها، میزبان موقت آن‌ها بود و تسهیلات درمانی و بازگشت به ایران را فراهم کرد.

شهید نادر مهدوی: چگوارای ایران و ابرقهرمان خلیج فارس

۸ سؤال متداول (FAQ) درباره شهید نادر مهدوی

۱. نادر مهدوی کیست و چرا «چگوارای ایران» نامیده می‌شود؟

شهید نادر مهدوی، متولد ۱۳۳۶ در بوشهر، یکی از فرماندهان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود که در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۶۶ در نبردی نابرابر در خلیج فارس به شهادت رسید. او به دلیل شجاعت بی‌نظیر، ایمان راسخ و مقاومت در برابر ناوگان جنگی آمریکا در خلیج فارس، به «ابرقرمان خلیج فارس» و توسط مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به «چگوارای ایران» (به معنای یک چهره بین‌المللی مبارز) ملقب شد. این لقب به این دلیل به او داده شد که مهدوی با امکانات محدود و قایق‌های کوچک تندرو، توانست به ناوگان عظیم آمریکا حمله کند و یک هلیکوپتر جنگی آنان را ساقط نماید و غرور پوشالی قدرت‌های استکباری را بشکند.

۲. واقعه ۱۶ مهر ۱۳۶۶ در خلیج فارس چه بود و چه نقشی در آن ایفا کرد؟

در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۶۶، تیم ۱۱ نفره عملیاتی به فرماندهی نادر مهدوی با سه قایق کوچک تندرو، پس از رصد و شناسایی یک هدف مشکوک (احتمالاً کشتی گشت‌زنی

آمریکایی) در نزدیکی جزیره فارسی، با هلیکوپترهای مسلح آمریکایی مواجه شدند. در این درگیری نابرابر که به مدت نیم ساعت به طول انجامید، هلیکوپترهای آمریکایی به قایق‌های ایرانی حمله کردند. اما رزمندگان ایرانی در پاسخ، یکی از هلیکوپترهای مهاجم آمریکا را با شلیک موشک استینگر (توسط نادر مهدوی با ذکر «یا فاطمه الزهرا») هدف قرار داده و ساقط کردند. در این نبرد، نادر مهدوی و ۱۰ نفر از یارانش به شهادت رسیدند. این واقعه نمادی از مقاومت ملت ایران در برابر زورگویی قدرت‌های استکباری و نمایش‌دهنده برتری قدرت حق بر قدرت مادی بود.

۳. دوران کودکی و نوجوانی نادر مهدوی چگونه بود و چه عواملی در شکل‌گیری شخصیت او نقش داشتند؟

نادر مهدوی در بوشهر، در خانواده‌ای متدین و باایمان متولد شد. از کودکی با دریا انس داشت و همیشه احساس می‌کرد که دریا سرنوشت اوست. مادرش قصه کربلا و پدرش درس صداقت و شجاعت به او می‌آموخت. او از شش سالگی قرآن آموخت و در نه سالگی حافظ قرآن شد. علاقه به ادبیات فارسی، به‌ویژه اشعار حافظ، از دیگر ویژگی‌های او بود. در نوجوانی، با آغاز انقلاب اسلامی، تحت تأثیر شخصیت و کلام امام خمینی (ره) قرار گرفت و به فعالیت‌های انقلابی پیوست. شرکت در تظاهرات، شهادت آیت‌الله سعیدی و تشکیل گروه‌های انقلابی با

دوستانش، از مهم‌ترین عواملی بودند که شخصیت مبارز و انقلابی نادر را شکل دادند. او از همان ابتدا آمادگی خود را برای فداکاری در راه خدا و میهن نشان می‌داد.

۴. نادر مهدوی چگونه به نیروی دریایی سپاه پاسداران پیوست و چه تأثیری در آن داشت؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، نادر مهدوی در سال ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست. او با علاقه شدید به دریا و احساس مسئولیت برای دفاع از خلیج فارس، نیروی دریایی سپاه را انتخاب کرد. نادر به سرعت توانایی‌های رهبری و شجاعت خود را نشان داد و به یکی از فرماندهان جوان و تأثیرگذار نیروی دریایی سپاه تبدیل شد. او در طراحی و اجرای تاکتیک‌های نامتقارن، به ویژه استفاده مؤثر از قایق‌های کوچک و تندرو در برابر ناوگان عظیم دشمن، نقش کلیدی داشت. مهدوی همچنین بر تربیت نیروهای باایمان و شجاع تأکید داشت و روحیه «ما می‌توانیم» را در میان هم‌زمانش تقویت کرد.

۵. تاکتیک‌های جنگی نادر مهدوی در خلیج فارس چه ویژگی‌هایی داشت و چه دستاوردهایی به همراه آورد؟

نادر مهدوی و هم‌زمانش برای مقابله با ناوگان‌های پیشرفته دشمن در خلیج فارس، تاکتیک‌های نامتقارن را توسعه دادند. این تاکتیک‌ها بر سرعت و چابکی قایق‌های کوچک، حملات ناگهانی و خروج سریع، استفاده از پناهگاه‌های طبیعی (مانند جزایر) و هماهنگی کامل بین اعضای تیم استوار بود. مهم‌ترین دستاورد این تاکتیک‌ها، نمایش توانایی ایران در ضربه زدن به تجهیزات پیشرفته آمریکایی بود که با ساقط کردن یک هلیکوپتر جنگی آمریکا به اوج رسید. این عملیات نشان داد که ایمان، شجاعت و اراده، مهم‌تر از تجهیزات نظامی پیشرفته است و می‌تواند معادلات جنگی را تغییر دهد.

۶. واکنش‌های داخلی و بین‌المللی به شهادت نادر مهدوی و واقعه ۱۶ مهر ۱۳۶۶ چه بود؟

خبر شهادت نادر مهدوی و ساقط شدن هلیکوپتر آمریکایی، بازتاب گسترده‌ای در داخل و خارج از ایران داشت. در ایران، این خبر با حزن و اندوه عمیقی همراه بود، اما هم‌زمان غرور ملی را تقویت کرد. مراسم تشییع پیکر شهدا در بوشهر به تظاهرات بزرگی علیه آمریکا تبدیل شد و مسئولین عالی‌رتبه کشور این واقعه را نماد مقاومت ملت ایران دانستند. در سطح بین‌المللی، رسانه‌های آمریکایی در ابتدا سعی در

کم‌اهمیت جلوه دادن حادثه داشتند، اما در نهایت مجبور به تأیید سقوط هلیکوپتر توسط موشک ایرانی شدند. این واقعه باعث تغییر محاسبات آمریکا در منطقه، تقویت روحیه نیروهای ایرانی و ارسال پیامی قاطع به قدرت‌های جهانی شد که ایران قادر به دفاع جدی از منافع خود است.

۷. میراث نادر مهدوی برای نسل‌های آینده ایران چیست؟

میراث نادر مهدوی فراتر از یک شهادت است؛ او به یک مکتب فکری و عملی در دفاع از میهن تبدیل شد. داستان زندگی و شهادت او به منبع الهامی جاودان برای نسل‌های متوالی ایرانی تبدیل شده است. این میراث شامل موارد زیر است:

الهام‌بخش مقاومت: او به جوانان ایرانی آموخت که می‌توان با ایمان و شجاعت، در برابر بزرگترین قدرت‌ها ایستاد. پیشگام تاکتیک‌های نامتقارن: آموزه‌های او در زمینه جنگ دریایی و استفاده از قایق‌های تندرو، همچنان در نیروی دریایی سپاه و مراکز آموزشی تدریس می‌شود.

الگوی رهبری: نادر مهدوی الگوی یک فرمانده شجاع، باایمان، مهربان، عادل و دلسوز بود که همواره به فکر هم‌زمان و آینده کشور بود.

تقویت روحیه ملی: شهادت او به مردم ایران نشان داد که کشورشان قهرمانانی دارد که حاضرند جان خود را برای عزت و استقلال فدا کنند، و این حس اعتماد به نفس ملی را تقویت کرد.

۸. هشت روز اسارت بازماندگان عملیات ۱۶ مهر چگونه بود و چه پیامی برای جهان داشت؟

سه نفر از رزمندگان ایرانی از جمله رضا کریمی و حشمت‌الله رسولی، پس از درگیری ۱۶ مهر ۱۳۶۶، با جراحات شدید به اسارت نیروهای آمریکایی درآمدند. آنها هشت روز در چنگال نیروهای آمریکایی، تحت فشارهای روانی و فیزیکی شدید و بازجویی‌های مکرر قرار گرفتند. روایت این بازماندگان از جمله کتک زدن، زخمی کردن اسرا در آب، بستن چشم و گوش با پنبه و پرتاب کردن به داخل ناو، نمونه‌ای از نقض حقوق بشر و قوانین جنگ توسط آمریکا بود. با این حال، هر سه اسیر ایرانی با ایمان و مقاومت بی‌نظیر، از افشای اطلاعات نظامی خودداری کردند. پس از هشت روز، با وساطت صلیب سرخ جهانی، آنها به عمان و سپس به ایران بازگردانده شدند. این اسارت و مقاومت، پیامی روشن به جهان داد که روح ایرانی هرگز در برابر ظلم و ستم سرافروذ نمی‌آورد و حتی در سخت‌ترین شرایط، ایمان و اراده می‌تواند بر قدرت مادی پیروز شود.

بر وزن شاهنامه (حماسه فردوسی‌وار)

چو از موج خون لاله‌ای سرکشید

ز دل خلیج، اختر دیگر کشید

سُپهری به ایمان چو خورشید شد

دل خصم تاریک، چو ناپدید شد

نه از پیل و شمشیر و تیر و کمان

که از یا زهرا و ذکر قرآن

قلم بر سنان شد، حماسه رقم

که مردان خدا زنده‌اند بیش از دم

بدان، ای جهان، گرچه نادر گذشت

نه بر باد شد، نام او بر نگشت

به هر بندر و ساحل و بوم و بر

فسانه‌ست او، جاودان تا سحر

ای که به موج، پایه ایوان نهاده‌ای

با عشق، بر سپاه شیاطین فتاده‌ای

با قایقِ کوچک و دستانِ آسمان

دیوار سیاه فتنه را در شکسته‌ای

ای شیر خفته بر دل دریا، سپاسِ ما

زیرا که تاج عزت ما را نهاده‌ای

هر موج، ذکر نام تو دارد به گوش ما

هر ساحل از تو بوی شرف را شنیده‌ای

مثنوی (دو بیتی‌های پیوسته)

دریا به خون تو حیاتش گرفت

موج از شکوه تو نجاتش گرفت

هر قطره آب خلیج تا ابد

نام تو را ورد دعا می‌کند

در قایق کوچک تو، فتح نهان

شکست غرور شب شومانِ جهان

بر باد شد ابهتِ ناوِ گران

با دست‌های تو و ایمانِ عیان

ترکیب‌بند (هفت‌بندی با بیت برگشت)

۱.

به ساحل که رسیدی، آسمان اشک فشاند

زمین بوسه به نعش شه یاران رساند

دل خورشید فروزان شد اگر خاموشی

که ز خون تو چراغ فلک افروخته ماند

**ای نادر دلیر، علمت برپاست هنوز

پرچم تو به موج، چو دل ماست هنوز**

۲.

بوشهر ز تو باغ شهیدان شده است

هر کوچه به بوی غم، ارزان شده است

مادر به مزار تو دعا می بارد

هر دل به نگاه تو تداعی دیده است

**ای نادر دلیر، علمت برپاست هنوز

پرچم تو به موج، چو دل ماست هنوز**

شعر نو حماسی

نادر،

نامت مثل صاعقه است

که از سینه ابرایمان رها شد

و بر تن فولاد افتاد

و فولاد شکست...

دریا هنوز از تو حرف می‌زند،

در خواب‌هایش،

در بیداری‌اش،

در لحظه‌هایی که جزر و مد می‌آید

و قطره‌ای، از خون تو را

به ساحل هدیه می‌آورد.

پیام پایانی

ای که این داستان را خواندی، بدان

نادر مهدوی، تکرار نمی‌شود

اما راهش، در هر موج، جاری ست

هر که غیرت دارد،

هر که ایمان دارد،

در صف اول تاریخ،

بر قایق کوچک جا می گیرد

و به سمت ناوهای ظلم می رود...

تا زمانی که دریا هست،

حماسه نیز هست.

پیامی به آیندگان

اگر با دقت گوش بسپاری، در شب های آرام خلیج فارس، هنوز صدای قایق های تندرو

و ذکر «یا زهرا»ی مردانی می آید که می دانستند ایمان، از هر فولادی سخت تر است.

بر سنگ مزارش نوشته اند:

«ای رهگذر، اگر به دریای آزاد رسیدی، یاد کن ما را که برایش جان دادیم.»

زندگینامه و سرگذشت شهید نادر مهدوی شهید شاخص بسیج در سال ۹۴

شهید نادر مهدوی (حسین بسریا) در ۱۳۴۲/۳/۱۴ هـ ش در خانواده‌ای مستضعف اما متدین و پرهیزکار در روستای نوکار، از توابع دهستان بحیری در شهرستان دشتی واقع در استان بوشهر دیده به جهان گشود. او ششمین فرزند خانواده بود. نامش را حسین گذاشتند تا مظلومیت شهید کربلا را پاس دارند. تحت تربیت اسلامی والدین متدین و پرهیزکارش، اخلاق عالی انسانی و اسلامی به تدریج در سرشت نورانی او، شکوفا می‌شد تا اینکه به سن ۶ سالگی رسید و راهی مدرسه شد.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان زائرعبّاسی آغاز کرد و با موفقیت به پایان رساند. در سال دوم دبستان بود که به مکتب رفت و قرآن کریم، این کتاب هدایتگر الهی را به مدد علاقه وافرو هوش سرشار خود، در عرض مدت تنها بیست و پنج روز نزد آقای علی فقیه ختم نمود. در همین سال بود که خانواده وی از روستای نوکار، به روستای بحیری مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند.

شهید، پس از اتمام تحصیلات ابتدایی، در مدرسه راهنمایی ادب خورموج ثبت نام کرد و علاقه‌مندانه به ادامه تحصیل پرداخت. در این زمان، مبارزات انقلابی ملت مسلمان ایران به اوج رسیده و شور و شعور مقدس ناشی از آن، تمام کشور را

فراگرفته و همگان را تحت تأثیر قرار داده بود. شهید مهدوی، با ذکاوت و تیزبینی توأم با حقیقت‌طلبی، ضمنِ اهتمام به تحصیل، تمامی رخدادهای نهضت انقلابی و فراگیر آحاد ملت را تیزبینانه و کنجکاوانه جویا می‌شد و درباره آنها به کنکاش دقیق می‌پرداخت. مشکلات اقتصادی، دوری راه از منزل تا مدرسه و به خصوص پرداختن به فعالیت‌های پیگیر و گسترده انقلابی، سبب شد تا شهید، در پایه دوم راهنمایی به ناچار، ترک تحصیل نماید.

پس از ترک تحصیل، به جهت سامان‌بخشی به وضع معیشتی خود و کمک به والدینش، در مغازه ای که از ملک پدر و تنها بردارش فراهم ساخته بود، مشغول به کار شد و در کنار کار، فعالیت‌های انقلابی خود را نیز کماکان با بصیرت و علاقمندی فراوان، دنبال کرد.

انقلاب که پیروز شد او در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۵ به عنوان بسیجی ویژه، به عضویت بسیج درآمد و از آن تاریخ تا زمان شهادت، تمام زندگی خود را مصروف تحقق اهداف والای اسلام و انقلاب اسلامی نمود و لحظه‌ای در این راه، نیا سود. با شروع جنگ تحمیلی، کار را رها کرد تا عملاً هیچ مانعی در راه فعالیت‌های شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیرش در مسیر خدمت به نهال نوپای انقلاب شکوهمند اسلامی، وجود نداشته باشد. از همین رو با عزمی مصمم به خانواده‌اش گفت: با وقوع جنگ

تحمیلی عراق علیه میهن اسلامی‌مان ایران، من دیگر حاضر به ادامه فعالیت در مغازه نیستم و به هر طریقی شده باید وارد عرصه خدمت در جبهه‌های جنگ شوم.” در این هنگام، او نوجوانی هفده‌ساله بود.

پس از آنکه اولین کاروان رزمندگان اسلام از شهرستان دشتی، آماده اعزام به بوشهر، جهت گذراندن آموزش نظامی شد، شهید مهدوی اصرار فراوانی داشت که در این کاروان، حاضر باشد اما به دلیل سن کم، از حضور او ممانعت به عمل آمد. برادرش آقای حاج حسن فقیه در زمره اعضای اولین کاروان رزمندگان اسلام، اعزامی به نیروگاه اتمی بوشهر جهت گذراندن آموزش جبهه بود. شهید نادر، در طی مدتی که برادرش در بوشهر آموزش می‌دید، همواره به دیدنش می‌رفت و از این رهگذر با اشتیاق فراوان در برخی از کلاس‌های آموزشی حضور می‌یافت و با تمام وجود، به انگیزه کسب توانمندی جهت دفاع از کیان نظام اسلامی، به فراگیری فنون نظامی، همت می‌گماشت.

شهید مهدوی “به دلیل اشتیاق زیادی که به پوشیدن لباس مقدّس پاسداری داشت، در صدد استخدام در نهاد انقلابی سپاه برآمد و در مورّخه ۱۳۶۰/۲/۱ رسماً در این نهاد مقدس، استخدام گردید. در این تاریخ، او به پادگان آموزشی شهید عبدالله مسگر شیراز اعزام شد و آموزش اولیه پاسداری را در این پادگان، گذراند.

پس از آن، به عنوان اولین مأموریت، پس از کسب افتخار پاسداری، در مورّخه ۱۳۶۰/۵/۲۱، به تهران اعزام شد و تا تاریخ ۱۳۶۰/۷/۲۰، در جهت مبارزه بی‌امان با گروهک‌های ملحد و منافقین از خدا بی‌خبر، خدمات شایانی را به انجام رسانید.

پس از بازگشت از تهران و قبل از انجام عملیات طریق‌القدس، که منجر به آزادسازی بستان گردید، شهید مهدوی مأموریت یافت تا برای اولین بار عازم جبهه شده، به همکاری با سپاه اهواز بپردازد. برادر شهید، آقای حاج‌حسن فقیه، در این باره می‌گوید: اولین باری که به جبهه اعزام شد، من تا چغادک او را مشایعت کردم و در وی چیزی جز عزم راسخ، عقیده‌ای تردیدناپذیر و احساس تکلیف در برابر خدا و دین، نیافتم. ”اما خاطره اولین حضور در جبهه را از زبان خود شهید، بخوانیم: پس از اعزام به جبهه، جهت انجام عملیات طریق‌القدس، آماده می‌شدیم و در این رابطه می‌بایست چند روزی را در اهواز می‌ماندیم. در یکی از این روزها سیلوی اهواز منفجر گردید. در کنار سیلو، یکی از انبارهای حاوی قطعات ماشین‌آلات و موتورسیکلت‌های سپاه قرار داشت که کلیه این وسایل، به دلیل آتش‌سوزی در سیلو، در معرض خطر انهدام قرار گرفته بود. ما در این موقعیت، با همکاری چند تن از برادران سپاه، توانستیم این وسایل را از تیررس شعله‌های آتش، دور نماییم. اینها همه از لطف و کرامت پروردگار بود.“ حضور شهید در عملیات فتح بستان، بیش از یکروز به طول

نینجامید زیرا یکی از صمیمی‌ترین دوستانش به نام شهید نعمت الله تهمتن، در این عملیات به شهادت رسید و شهید مهدوی مأموریت یافت تا پیکر مطهر این شهید را به زادگاهش برگرداند.

شهید مهدوی پس از بازگشت به منزل و چند روز استراحت، به سِمَت معاون فرمانده سپاه جم منصوب شد و در مدت ۲ سال حضور در این منطقه، فعالیت‌های درخشانی را به ویژه در زمینه جذب و ارشاد نیروی مردمی، جلوگیری از بروز اخلاص و ناامنی در منطقه، کنترل فعالیت‌های خوانین و محدود کردن قدرت فئودال‌ها، به انجام رسانید. برخی از همکاران شهید، در سپاه جم، شهید بزرگوار حسین فقیه، سردار حاج علی جمشیدی و برادر حسین یوسفی بودند.

بعد از دو سال خدمت در سپاه جم، شهید مهدوی به سپاه بوشهر بازگشت و پس از مدتی خدمت در سپاه بوشهر، به سِمَت فرمانده عملیات سپاه خارک منصوب گردید. او تا سال ۱۳۶۳ در آنجا خدمت نمود و خدمات ارزنده‌ای را در طی این مدت، به انجام رسانید. شهید مهدوی در سال ۱۳۶۱، با دختری مؤمنه از روستای بحیری به نام خانم سکینه جوکار ازدواج کرد. مدت این زندگی مشترک، پنج سال بود و تنها حاصل آن، دختری است به زهرا مهدوی که چهل روز پس از شهادت پرافتخار پدرش به دنیا آمد و امروز، چشم و چراغ بازماندگان شهید است.

برادر شهید در این باره می‌گوید: بچه‌های جنگ سعی می‌کردند زودتر زن بگیرند تا روح و ذهن شان سالم بماند.

ایشان هم با پیگیری پدر و مادر و مخصوصاً مادر، ازدواج کرد. سال ۱۳۶۰ برایش خواستگاری کردیم، سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد، چندسالی بچه‌دار نشد، سال ۱۳۶۶ بود که عیالش باردار شد و درست روز چهارم شهادت نادر، دخترش به دنیا آمد که طبق وصیت خودش، اسمش را زهرا گذاشتند.

در جریان اعزام طرح لبیک یا امام" در سال ۱۳۶۳، شهید مهدوی به عنوان مسؤول، همراه با رزمندگان اسلام اعزامی از جزیره خارک، عازم دشت عباس گردید و در آنجا مسؤولیت فرماندهی گروهان را به عهده گرفت. پس از آن، گروهان دریایی ناوتیپ امیرالمؤمنین(ع) را بنیانگذاری کرد و خود، فرماندهی این گروهان را عهده‌دار گردید. فعالیت‌های پیگیر و شبانه‌روزی شهید، در زمینه نظم‌بخشی و تربیت نیروهای عضو این گروهان دریایی تازه‌تأسیس، سبب شد تا ایشان بتواند گروهانی نمونه و صددرصد آماده را جهت شرکت در هرگونه عملیات، مهیا نماید.

با شروع عملیات بدر در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ با رمز یا فاطمه الزهراء(س)، شهید مهدوی با گروهان دریایی تحت امر خود، فعالانه و با رشادت تمام، در این عملیات شرکت جست و حماسه‌های به یادماندنی را از خود به نمایش گذاشت. پس از پایان

موفقیت‌آمیز عملیات بدر، چندروزی به مرخصی آمد و پس از آن، مجدداً در سپاه بوشهر، به ادامه خدمت پرداخت.

شهید مهدوی که تا آن زمان، تجارب فراوانی از حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به دست آورده بود، تصمیم به تشکیل ناوگروه دریایی گرفت و آن را ذوالفقار نام نهاد. ناوگروه دریایی ذوالفقار، وابسته به منطقه دوم نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود و شهید تا زمان شهادت، فرماندهی آن را به عهده داشت. تشکیل این ناوگروه، بی‌تردید نقطه عطفی در کارنامه دفاعی ایران در دوران افتخارآمیز دفاع مقدس به حساب می‌آید؛ چرا که با تشکیل آن، نیروی دریایی ایران، جانی تازه و ابهت و صلابت خیره‌کننده‌ای یافت و پشتوانه مستحکمی نصیب ماشین جنگی ایران گردید. مدتی قبل از شروع عملیات غرورآفرین والفجر ۸ که دست‌آورد بزرگ آن، تصرف فاو و فلج شدن نیروی دریایی دشمن بود، شهید مهدوی با همه توان و باتلاش و مجاهدتی شبانه‌روزی، به آماده‌سازی و انسجام ناوگروه پرداخت و سرانجام، این یگان رزمی تازه تأسیس را جهت شرکت در عملیات والفجر ۸ و انجام موفقیت‌آمیز مأموریت، به سطح آمادگی صددرصد رسانید.

مسئولیت شهید مهدوی در این عملیات، تدارک نیروهای رزمی به وسیله شناورهای ناوگروه بود که آن را به نیکوترین وجه، انجام داد. بعد از پایان عملیات،

شهید مهدوی کماکان در منطقه عملیاتی باقی ماند تا در زمینه حفظ و نگهداری فتوحات نیروهای اسلام، به فعالیت بپردازد. پس از آن، سپاه در مناطق عملیاتی والفجر ۸، شروع به فعالیت‌های تازه‌ای نمود که از جمله آنها می‌توان به ردگیری ناوها و ناوچه‌های دشمن، جلوگیری از فعالیت نیروی دریایی عراق و نیز مین‌گذاری در کانال خور عبدالله اشاره نمود که شهید مهدوی در تمام این اقدامات، حضور فعال و مؤثری داشتند.

پس از آن، عملیات کربلای ۳ در مورّخه ۱۳۶۵/۰۶/۱۱ آغاز شد که منجر به فتح اسکله و پایانه نفتی الامیه عراق گردید. حضور فعالانه شهید در این عملیات، بسیار مؤثر واقع شد. شهید، پیشنهاد کرد جهت بالارفتن سریع از سکوها، پله‌های آلومینیومی سبک، تاشو و قابل حمل ساخته شود. این پیشنهاد پذیرفته و اجرایی شد و تأثیر به سزایی در کسب موفقیت‌های سپاه در این عملیات داشت. آقای فقیه برادر بزرگوار شهید در این باره می‌گوید: یادم هست قبل از عملیات کربلای ۳، حسین (نادر) آمد پیش من و قضیه عملیات را گفت و پرسید: به نظر شما که خیلی به این کشورهای عربی خلیج فارس سفر کرده‌اید، برای بالارفتن سریع از اسکله الامیه، چه کار باید بکنیم؟ فکری کردم و گفتم یک نمونه از پله‌های سبک و تاشو هست که اگر بتوانید تهیه کنید، برای بالارفتن از اسکله، خیلی به درد می‌خورد. آنطور که بعداً برایم

تعریف کرد، پیشنهاد مرا در جلسه فرماندهان عنوان کرده بود که همه قبول کرده و در عملیات هم به آن عمل شده بود.

با انجام عملیات غرورآفرین والفجر ۸ و کربلای ۳ و تقویت و تثبیت هرچه بیشتر قدرت نظامی ایران در نبردهای دریایی، عرصه بر رژیم بعث عراق و به خصوص حامیان غربی او و در رأس آنها آمریکای جهانخوار تنگ گردید و آنان را با چالشی جدی مواجه ساخت. ماشین جنگی ایران روز و روز کارآمدتر و پرصلابت تر به پیش می‌رفت و درماندگی و اضمحلال روزافزون دشمن، هرچه بیشتر آشکار می‌گردید. در این هنگام بود که رژیم مستکبر و جنایتکار آمریکا که تا آن هنگام، در پشت صحنه جنگ قرار داشت و غالباً عراق را به عنوان پیش‌قراول به جنگ با ایران فرستاده بود، با مشاهده ضعف روزافزون قدرت نظامی عراق در برابر ایران، به ناچار به صورت آشکارا و علنی و آنهم در قالب سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و به بهانه واہی حفاظت از نفتکش‌های برخی از کشورهای عربی وارد خلیج فارس گردید و در خط مقدم جنگ علیه ایران قرار گرفت. تصور این بود که با ورود آمریکا به خلیج فارس، نیروهای ایرانی اقتدار خود بر این پهنه آبی فوق‌العاده مهم را از دست خواهند داد و موازنه قدرت نظامی به نفع عراق تغییر خواهد کرد. اما شیرمردان سپاه اسلام و در رأس آنها سردار شهید مهدوی با رشادت‌ها و جانفشانی‌ها و تدارک دهها عملیات شجاعانه

علیه ناوهای هواپیمابر و غول پیکر آمریکایی و با کسب پیروزی‌های متعدّد و کوبنده، باطل بودن این تصور را به اثبات رساند. شهید مهدوی به عنوان فرمانده ناوگروه دریایی ذوالفقار، از زمان ورود آمریکایی‌ها به خلیج فارس تا زمان شهادت، لحظه‌ای از نبرد بی‌امان با این جنایتکاران نیاسود و تمام توان و استعداد خود را در این راه به کار بست. او طی این مدت، عملیات بسیاری را علیه آمریکایی‌های متجاوز ترتیب داد.

در سالهای پایانی جنگ، خلیج فارس برای ایران بسیار ناامن شده بود؛ عراق خیلی راحت کشتی‌ها و سکوهاى نفتی ایران را می‌زد. کویت بخشی از سرزمین و عربستان، آسمانش را در اختیار صدام قرار داده بودند. فرماندهان عالیرتبه سپاه، جریان عبور آزاد و متکبرانۀ ناوهای جنگی آمریکا و نیز سایر کشتی‌ها و شناورهای تحت حمایت این کشور را به عرض امام (ره) رسانده بودند. حضرت امام (رض) فرموده بود: اگر من بودم، می‌زدم. "همین حرف امام، برای سردار شهید مهدوی و جانشینش سردار شهید بیژن گرد و نیز هم‌زمان آنها کافی بود تا خود را برای انجام یک عملیات مقابله به مثل و اثبات این موضوع که با همّت و رشادت دلیرمردان ایران اسلامی، خلیج فارس، چندان هم برای آمریکایی‌ها و نوکران شان امن نیست، آماده سازند.

کابوس شیطان

شهید نادر مهدوی، مردی که در تیر ده‌های دریایی، یک تنه در برابر ناوهای
هیولایی شیطان بزرگ آمریکا ایستاد.

